



اصلاح نظام انتخاباتی و تجربه انتخابات پارلمانی در افغانستان

سلسله مطالعات اصلاح
نظام سیاسی ۳

نافع چودری و محمد عرفانی



AISS-P-018-2018



اصلاح نظام انتخاباتی و تجربه انتخابات پارلمانی در افغانستان



سلسله مطالعات اصلاح

نظام سیاسی ۳

© ۱۳۹۷ انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان

انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (AISS) یک نهاد مستقل پژوهشی است که در میزان سال ۱۳۹۱ به هدف فراهم سازی زمینه‌ی علمی و اکادمیک پیرامون موضوعات راهبردی افغانستان در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تاسیس شده است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان تلاش دارد با انجام دادن پژوهش‌های مستقل، ترجمه و چاپ کتاب‌ها و مقالات علمی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی به رشد و بهبود دموکراسی، امنیت، صلح، حکومت‌داری خوب و ... در جامعه کمک کند.

رفع مسئولیت

تحلیل‌های ارائه شده در این گزارش متعلق به گروه پژوهشی بوده و موضع رسمی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان و مرکز مساعدت ملی برای دموکراسی (NED) نمی‌باشد.



اصلاح نظام انتخاباتی و تجربه انتخابات پارلمانی در افغانستان

نویسندگان: محمد عرفانی، نافع چودری

دستیار پژوهش: محمد هادی ایوبی

شماره نشر: AISS-P-018-2018

چاپ: اول ۱۳۹۷ کابل

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

نشانی: قلعه ۹ برج، کارته پروان، کابل، افغانستان

شماره تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۸۴۰۱۶۱ / ۰۰۹۳۲۰۲۲۳۲۸۰۶

ISBN 978-9936-8070-0-6



9 789936 807006

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۷.....	مقدمه‌ای بر پژوهش
۸.....	کمک به ادبیات موجود
۹	مدل‌های نظام‌های انتخاباتی
۹.....	تعریف نظام‌های انتخاباتی
۹.....	انواع نظام‌های انتخاباتی
۹.....	نظام‌های اکثریتی
۱۱.....	نظام‌های تناسبی
۱۲.....	نظام‌های انتخاباتی مختلط
۱۳	چارچوب انتخاب یک نظام مناسب
۱۳.....	اهداف اساسی یک نظام انتخاباتی
۱۵.....	اصول اصلاح نظام انتخاباتی
۱۷	درک انتخابات در افغانستان
۱۷.....	چرا اصلاح نظام انتخاباتی؟
۱۹.....	چارچوب قانون اساسی برای انتخابات
۲۱	سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال (SNTV) افغانستان
۲۳.....	تغییر مرزهای حوزه انتخاباتی
۲۴.....	توهم و سرخوردگی ناشی از سیستم SNTV
۲۶.....	حمایت ضعیف از گروه‌هایی با نمایندگی ناکافی
۲۷.....	دل‌سردکردن احزاب سیاسی
۲۸.....	احزاب سیاسی و تلاش مجدد برای اصلاحات انتخاباتی
۳۱	روش پژوهش
۳۳.....	پویایی‌های دموگرافیک
۳۴.....	محدودیت‌های پژوهش
۳۶	یافته‌های نظرسنجی اصلاحات انتخاباتی

۱. شناسایی انتخابات پارلمانی.....	۳۶
آموزش درباره رأی‌دهی.....	۳۸
سطح اشتیاق برای انتخابات پارلمانی.....	۴۰
مشارکت مرد و زن.....	۴۴
مشارکت روستایی و شهری.....	۴۵
۲. پاسخ‌گویی و نمایندگی.....	۴۶
سطح رضایت از عملکرد نمایندگان مجلس.....	۴۶
کی به چه کسی پاسخ‌گو است؟.....	۴۷
دلایل عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس.....	۴۹
ارزیابی کلی از انتخابات پارلمانی قبلی.....	۵۱
۳. اصلاحات انتخاباتی در انتخابات پارلمانی.....	۵۴
آگاهی سیاسی رأی‌دهندگان.....	۵۴
قابل اعتماد بودن نامزدان از لحاظ سیاسی.....	۵۸
انتخاب سیستم رأی‌گیری.....	۶۲
طرز العمل شمارش آرا.....	۶۶
اندازه حوزه‌های انتخاباتی.....	۶۷
انتخاب احزاب سیاسی.....	۶۸
نحوه رهبری در پارلمان.....	۷۱
تنظیم سیاست‌های حزبی در مجلس.....	۷۲
دولت‌های ائتلافی.....	۷۴
هدف اصلاحات انتخاباتی.....	۷۵
منتفع‌شوندگان اصلی اصلاحات انتخاباتی.....	۷۸

شناسایی رأی‌دهندگان.....	۸۰
روندهای در حال ظهور شرکت در انتخابات.....	۸۴
«تجربه رأی‌دهی» در برابر «تجربه با نمایندگان مجلس».....	۸۴

آشنایی با نظام کنونی ۸۷

سیاست حزبی: «ایدئالیسم» در برابر «واقعیت» ۸۹

انتخاب مناسب‌ترین سیستم ۹۱

۹۳

ارزیابی کلی

۹۸

نتیجه‌گیری

اصلاحات انتخاباتی توصیه‌شده ۹۸

توصیه‌های عمومی ۹۸

تقویت پاسخ‌گویی ۱۰۰

تقویت احزاب سیاسی ۱۰۱

ضمیمه ۱: پرسش‌نامه نظرسنجی ۱۰۳

ضمیمه ۲: سؤال‌نامه کیفی ۱۱۱

۱۱۳

بیوگرافی نویسندگان

فهرست جداول

- جدول ۱: خلاصه‌ای از عوامل تأثیرگذار در انتخاب نظام رأی‌گیری ۱۵
- جدول ۲: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس جنسیت ۳۳
- جدول ۳: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس محل سکونت ۳۳
- جدول ۴: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس ولایت ۳۳
- جدول ۵: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس قومیت ۳۳
- جدول ۶: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس سن ۳۳
- جدول ۷: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس تحصیلات ۳۳
- جدول ۸: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس اشتغال ۳۴
- جدول ۹: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس درآمد ۳۴
- جدول ۱۰: داده‌های اشتراک‌کنندگان در مصاحبه کیفی ۳۴
- جدول ۱۱: اعتماد به نوع نامزدان انتخابات پارلمانی ۶۰
- جدول ۱۲: اظهارات در مورد وضعیت سیاسی ۸۰
- جدول ۱۳: ارزیابی معیارهای ارائه شده توسط نوریس در برابر پاسخ‌های ۹۳

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱: انتخابات و مردم..... ۳۶
- شکل ۲: اهمیت نوع انتخابات..... ۳۷
- شکل ۳: اهمیت نوع انتخابات (از نظر قومیت) ۳۸
- شکل ۴: آموزش روش رای‌دهی..... ۴۰
- شکل ۵: تمایل به اشتراک در انتخابات پارلمانی یش‌رو..... ۴۱
- شکل ۶: تمایل به اشتراک در انتخابات پارلمانی پیش‌رو (به اساس قومیت) ۴۱
- شکل ۷: مشارکت در انتخابات پارلمانی (از نظر جنسیت) ۴۴
- شکل ۸: مشارکت در انتخابات پارلمانی (نظر به محل سکونت) ۴۵
- شکل ۹: کسانی که راضی‌اند و سود برده‌اند(رای داده‌اند) ۴۶
- شکل ۱۰: کسانی که راضی‌اند و سود برده‌اند(رای داده‌اند) ۴۷
- شکل ۱۱: پاسخ‌گویی نمایندگان مجلس..... ۴۸
- شکل ۱۲: دلایل اصلی ضعف مجلس نمایندگان..... ۵۰
- شکل ۱۳: ارزیابی انتخابات پارلمانی پیشین..... ۵۲
- شکل ۱۴: آگاهی از گرایش سیاسی کاندیداها (نظر به قومیت) ۵۴
- شکل ۱۵: آگاهی از گرایش سیاسی کاندیداها (نظر به ولایت) ۵۵
- شکل ۱۶: آگاهی از گرایش سیاسی کاندیداها (نظر به جنسیت) ۵۶
- شکل ۱۷: تمایل به اشتراک در کمپاین انتخاباتی(نظر به ولایت) ۵۷
- شکل ۱۸: اعتماد به نوع کاندیداها..... ۵۹
- شکل ۱۹: ترجیح سیستم رأی‌گیری..... ۶۳
- شکل ۲۰: ترجیح سیستم رأی‌گیری (به اساس ولایت) ۶۴
- شکل ۲۱: ترجیح نوع سیستم شمارش آرا در انتخابات پارلمانی..... ۶۶
- شکل ۲۲: بهترین قاعده برای تعریف حوزه‌های انتخاباتی..... ۶۷
- شکل ۲۳: انتخاب احزاب سیاسی..... ۶۹
- شکل ۲۴: انتخاب حزب سیاسی در انتخابات پارلمانی (نظر به قومیت) ۷۰
- شکل ۲۵: رهبری پارلمان..... ۷۱
- شکل ۲۶: بهترین آرایش برای سیاست حزبی در پارلمان..... ۷۳
- شکل ۲۷: نتیجه دولت‌های ائتلافی..... ۷۴

- شکل ۲۸: هدف نهایی اصلاحات انتخاباتی..... ۷۶
- شکل ۲۹: مستفیدشوندگان اصلی اصلاحات انتخاباتی..... ۷۹
- شکل ۳۰: تمایل به رأی دادن به نامزدان زن در انتخابات پارلمانی پیش‌رو..... ۸۱
- شکل ۳۱: کرسی رزرو شده برای زنان در پارلمان ۸۲
- شکل ۳۲: آگاهی از گرایش سیاسی نامزدان انتخابات در مناطق روستایی و شهری..... ۸۵

سپاس‌گزاری

این تحقیق بخشی از سلسله پژوهش‌های اصلاحات نظام سیاسی در افغانستان است که توسط انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان انجام شده است. پژوهش‌های دیگر انستیتوت در این زمینه شامل «راه دشوار مردم سالاری در افغانستان؛ ارزیابی و نقد گفتمان‌های ملی پیرامون نظام‌های سیاسی بدیل در افغانستان» (۱۳۹۷) و «قانون اساسی و جامعه در حال گذار افغانستان» (۱۳۹۵) می‌باشند. مجموعه‌ی این پژوهش‌ها بخش‌های مختلف نظام سیاسی را واکاوی کرده و اصلاحاتی را برای بهبود بخش‌های مختلف پیش‌نهاد نموده است. این پژوهش، محصول تلاش و همکاری گروهی است. نویسندگان این پژوهش، از همه‌ی کسانی که ما را به گونه‌ای یاری رسانده‌اند و به‌ویژه از:

- مگنس مارسدن، رئیس بخش مطالعات آسیایی دانشگاه ساسکس؛ مشاور علمی ارشد انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان (مرورکننده‌ی پرسش‌نامه)
- توماس جانسون، اس مدرسه‌ی عالی نیروی دریایی، مونتری کالیفرنیا، ایالات متحده (مشاور علمی پروژه و مرورکننده‌ی گزارش)
- نظیف‌الله شهرانی، استاد دانشگاه اندیانا
- عبدالله احمدزی، نماینده‌ی بنیاد آسیا در افغانستان (مرورکننده‌ی گزارش)

تشکر و قدردانی می‌کنند.

همچنین ما از پشت‌کار و تعهد پژوهش‌گران ساحوی انستیتوت: سردار محمد سنگر، سیدنبی دانشیار، فرهاد صافی، روح‌الله واعظی، بسی‌گل شریفی، بهرام خراسانی، آرزو صالحی، مصطفی سروری، سعدیه تیموری، فاضل احمد عبید، سایننا عبید، فرید تیموری، ام‌البنین یعقوبی، کبرا همتی، مهدی شجاعی، معصومه سلطانی، مسعوده صافی، نسیمه سیلی، سیدانور حسینی، سحر قاسمی، فتانه همدم و مسعوده روضه‌باغی که سهم مهمی در انجام‌دادن مصاحبه‌ها داشته‌اند، سپاس‌گزاریم.

تیم پژوهشی به‌ویژه از «مرکز مساعدت ملی برای دموکراسی» (NED) که این پروژه را تمویل کرده است، سپاس‌گزار است.

خلاصه گزارش

در کمتر از دو دهه گذشته، افغانستان با پشت‌سر گذاشتن سه انتخابات ریاست‌جمهوری و دو انتخابات پارلمانی، فرهنگ حکومت‌داری دموکراتیک در این کشور سر بر آورده است. با این وجود، نهادهای دموکراتیک افغانستان هنوز هم با مشکلات و کاستی‌هایی مواجه‌اند که باید به آن‌ها از طریق اصلاحات پیش‌رو و به گونه تطبیقی رسیدگی شود. این پژوهش که داده‌های نظرسنجی آن به صورت سیستماتیک جمع‌آوری شده است، دیدگاه‌های ۱۳۰۵ نفر در ۱۳ ولایت افغانستان را تحت پوشش قرار می‌دهد؛ امری که این مطالعه را تا حال حاضر، بزرگ‌ترین و جامع‌ترین پژوهش در مورد انتخابات افغانستان ساخته است.

سادگی روش رأی‌دهی SNTV (یک رأی برای یک نامزد) به آن کمک کرده است تا سطحی از مقبولیت را در نزد مردم برای روند انتخابات به دست آورد. با این حال، سیستم SNTV به عدم پاسخ‌گویی مقامات منتخب در برابر رأی‌دهندگان‌شان نیز منجر می‌شود. رأی‌دهندگان به وضوح احساس کرده‌اند که نمایندگان‌شان در مجلس، به جای نمایندگی از نیازهای آنان، منافع شخصی خود را دنبال می‌کنند. در چارچوب سیستم SNTV، کل یک ولایت به عنوان یک حوزه انتخاباتی عمل می‌کند و فعلاً چندین مقام منتخب، مسئول نمایندگی از یک ولایت هستند. نتیجه این کار سطح پایینی از تعامل میان نمایندگان پارلمان و جوامع محلی بوده است. به این ترتیب دشواری‌ای که در رابطه با اصلاحات انتخاباتی به وجود می‌آید، این است که از یک سو، مردم نظام رأی‌گیری اکثریتی را ترجیح می‌دهند؛ اما از سوی دیگر آن‌ها به خاطر نتیجه سیستم SNTV اکثریتی موجود که به کامیابی نمایندگان پارلمانی غیرپاسخ‌گو منجر می‌شود، احساس ناتوانی می‌کنند. انتخابات در تمام سطوح در افغانستان با مشکلاتی مواجه است؛ مشکلاتی که با انتخابات شدیداً تقلبی ریاست‌جمهوری ۲۰۱۴ بدتر شده است. سطح اعتماد بین دولت و شهروندان و اعتماد به کمیسیون مستقل انتخابات همچنان پایین است.

یافته‌های کلیدی

- در حالی که افغانستان از سال ۲۰۰۲ به این سو دو انتخابات پارلمانی را تجربه کرده است، موفقیت آن‌ها اما بسیار سؤال‌برانگیز است. این نظرسنجی نشان داد رأی‌دهندگانی که

بدون اطلاع قبلی از گرایش سیاسی نامزدان رأی داده‌اند، دانش محدودی از نظام انتخاباتی داشته و احساس می‌کنند که نمایندگان پارلمان تا حد زیادی پاسخ‌گو نبوده‌اند.

- نمایندگان منتخب پارلمان پس از این که به مجلس راه می‌یابند، عمدتاً در برابر حوزه‌های انتخاباتی‌شان پاسخ‌گو نیستند. اکثریت قریب به اتفاق رأی‌دهندگان از سطح پایین پاسخ‌گویی نمایندگان مجلس ناراضی هستند. حدود ۵۳ درصد از پاسخ‌دهندگان نظرسنجی احساس می‌کنند که نمایندگان پارلمان صرفاً به دنبال منافع شخصی خود هستند (شکل ۱۳). رأی‌دهندگان به طور کلی از نمایندگان خود رضایتی ندارند و از تلاش‌های آن‌ها در پارلمان بهره‌ای نبرده‌اند (شکل ۱۰).

- در میان دموگرافی‌ها/ ارقام جمعیت‌شناختی مختلف (قومیت، ولایت و جنسیت) اکثریت قریب به اتفاق رأی‌دهندگان، از گرایش سیاسی نامزدانی که به آن‌ها رأی داده‌اند، بی‌اطلاع هستند (شکل ۱۵، ۱۶ و ۱۷).

- اکثریت قریب به اتفاق رأی‌دهندگان (۶۳ درصد)، نامزدان مستقل و تحصیل‌کرده را ترجیح می‌دهند. این یافته با بی‌اعتمادی عمیق مردم به احزاب سیاسی هم‌خوانی دارد. در حالی که افراد قبول دارند که احزاب سیاسی باید در خدمت منافع ملی (۳۹ درصد) و رأی‌دهندگان‌شان باشند (۱۶ درصد)، فقط ۲۱ درصد آن‌ها سیستم رأی‌گیری که شامل احزاب سیاسی شود را ترجیح می‌دهند (شکل ۲۱). این یافته با این واقعیت هم‌سان است که هرچند رأی‌دهندگان خواستار احزاب سیاسی‌ای‌اند که از منافع ملی نمایندگی کنند، اما می‌دانند که در واقعیت، احزاب سیاسی افغانستان گرفتار منجلاّب تعصب و سیاست‌ورزی قومی شده‌اند.

- به طور کلی، دیدگاه عمومی در مورد کمیسیون مستقل انتخابات ضعیف است (شکل ۱۴). ۴۷ درصد پاسخ‌دهندگان این نظرسنجی عملکرد این کمیسیون را مثبت ارزیابی کرده‌اند، در حالی که ۴۵ درصد پاسخ‌دهندگان آن را منفی می‌دانند (۸ درصد باقی‌مانده اشتراک‌کنندگان در نظرسنجی «نظری ندارند»). این واقعیت که تقریباً نیمی از رأی‌دهندگان، نظر مساعدی در مورد کمیسیون مستقل انتخابات ندارند، به بی‌اعتباری گسترده این کمیسیون دلالت دارد. بدیهی است که نزدیک به ۱۸ درصد اشتراک‌کنندگان در نظرسنجی، عملکرد این کمیسیون را «بسیار بد» می‌دانند، در حالی که تنها نیمی از

این میزان (۹ درصد) آن را «عالی» می‌دانند. ابهامات مختلف در مورد رهبری و اختیارات کمیسیون مستقل انتخابات، انتصاب کمیشنران و نقش اعضای آن، تنها به تضعیف بیشتر اعتبار این نهاد کمک کرده است.

- اکثریت قریب به اتفاق رأی‌دهندگان (۵۵ درصد) یک نظام انتخاباتی اکثریتی را ترجیح می‌دهند که در آن یک فرد، یک رأی واحد را برای یک نامزد در صندوق می‌ریزد.

اصلاحات انتخاباتی توصیه‌شده

- **اولین توصیه،** داشتن حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر است؛ زیرا این امر به ترویج پاسخ‌گویی بهتر کمک می‌کند. برای اطمینان از نمایندگی اقلیت‌ها، حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر باید وحدت جوامع اقلیت را حفظ و از تقسیم آن‌ها به حوزه‌های گوناگون دوری کنند. تعیین حوزه‌های انتخاباتی یک روند پیچیده و حساس است؛ زیرا تأثیر مستقیم بر نتیجه انتخابات دارد. کوچک کردن حوزه‌های انتخاباتی بایستی بر اساس آمارهای قابل اعتماد جمعیت باشد و باید توسط یک گروه مستقل و بی‌طرف انجام شود. در این فرایند باید با جوامع محلی مشوره شود نه این‌که تصمیم‌گیرندگان «فرض کنند» که از نظرات آن‌ها مطلع‌اند.
- **توصیه دوم** این است که در حال حاضر «ترکیبی» از سیستم FPTP (نظام انتخاباتی نخست‌نفری) و SNTV (سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال) برای انتخابات پارلمانی افغانستان در نظر گرفته شود. نامزدان مرد در سیستم حوزه تک‌عضوی شرکت کنند و فقط یک نامزد برنده حوزه انتخاباتی شود. باید برای حفظ نمایندگی زنان در پارلمان، نامزدان زن در چارچوب سیستم SNTV در سطح ولایت به رقابت ادامه دهند و با گذشت زمان، حوزه‌های انتخاباتی فرعی در سطح ولایت نیز باید برای نامزدان زن مشخص شود تا آن‌ها نیز بتوانند از سیستم FPTP پیروی کنند. نظام انتخاباتی نخست‌نفری به تقویت پاسخ‌گویی بیشتر کمک خواهد کرد و همچنین شرایط اولیه لازم برای توسعه احزاب سیاسی فراگیر را فراهم خواهد کرد؛ گرچه این اصلاحات به تنهایی چنین احزابی را ترویج و تقویت نمی‌کند.^۱

۱. برای دریافت جزئیات بیشتر در مورد این پیشنهاد، به بخش «انتخاب مناسب‌ترین سیستم» مراجعه کنید.

- **سومین اصلاحات** توصیه شده این است که دولت قوانینی را در رابطه با احزاب سیاسی معرفی کند. هدف این قوانین ارتقای پاسخ‌گویی و شفافیت احزاب سیاسی و رهبران آنها باشد. این قوانین باید از این‌که احزاب سیاسی دارای تعهد ملی واضح‌اند، برای انتخاب مقام‌های رهبری انتخابات برگزار می‌کنند، برای پاسخ‌گو نگه‌داشتن اعضای حزب پروتکل دارند و از شفافیت لازم در منابع مالی خود برخوردارند، اطمینان حاصل کند. احزاب سیاسی برای عملکرد مناسب کشور و پاسخ‌گو نگه‌داشتن دولت ضروری هستند. پس از آن که احزاب سیاسی فراگیر در کشور جایگاه خود را به دست آورد، سایر ترتیبات انتخاباتی مانند سیستم تناسبی را نیز می‌توان مورد توجه بیشتر قرار داد.
- یکی از چالش‌ها در معرفی اصلاحات بیشتر در نظام انتخاباتی، بی‌اعتمادی عمیق مردم به احزاب سیاسی است. احزاب همچنان تحت سلطه سیاست قومی قرار دارند و توسط افراد قدرت‌مند رهبری می‌شوند؛ این رهبران هم به نوبه خود حمایت طرف‌دارانی را با خود دارند که از لحاظ قومی همگون‌اند. اگر اندازه (Size) حوزه‌های انتخاباتی کاهش یابد، ممکن است فرصتی را برای احزاب سیاسی فراهم کند که امورشان را بازنگری و عملکردشان را از نو طرح‌ریزی کنند. با این حال، توسعه احزاب وسیع چندقومی که منافع ملی را دنبال کند؛ یک پروژه سیاسی است که یک‌شبه به دست نخواهد آمد؛ بلکه احتمال تغییر تدریجی بیشتر، زمانی محتمل است که احزاب نفع‌شان را در شکل‌دهی وفاداری‌های جدید ببینند. احزاب سیاسی برای ارتقای پاسخ‌گویی و شفافیت‌شان باید توسط قانون، تنظیم و کنترل شوند. قوانین و مقررات باید اطمینان حاصل کنند که احزاب سیاسی برای انتخاب رهبران‌شان، تصمیم‌گیری و شفافیت امور مالی دارای میکانیسم‌اند. با این وجود، اگر قرار باشد افغانستان به عنوان یک نماینده دموکراسی واقعی عمل کند، وجود احزاب سیاسی مطلقاً ضروری است.
- **و نهایتاً،** دولت افغانستان باید با حل‌وفصل اختلافات از طریق میکانیسم مناسب، مالکیت انتخابات را از آن خود کند. کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی باید قادر باشند که بدون دخالت بازیگران خارجی، اختیارات‌شان را اعمال، و احکام‌شان را اجرا کنند. تا امروز بسیاری از اختلافات انتخاباتی از طریق میانجی‌گری و دخالت بازیگران سیاسی قدرت‌مند (هم ملی و هم بین‌المللی) حل شده است؛ در حالی که میکانیسم‌های

ایجادشده برای چنین هدفی نادیده گرفته شده و در نتیجه، اعتبار و کارایی این نهادها تضعیف شده است. نتیجه این است که نهادهای انتخاباتی هیچ ابزاری برای اجرای حکم خود ندارند.

مقدمه‌ای بر پژوهش

رویدادهای معدودی وجود دارند که به اندازه انتخابات، در عملکرد و اداره دموکراتیک یک دولت نقش دارند. انتخابات فرصتی را برای شهروندان فراهم می‌کند تا نگرانی‌هایشان را ابراز و نمایندگان و برنامه‌هایی را انتخاب کنند که با نیازهای آنها مطابقت دارد. یک دموکراسی کارا به شدت به انتخابات، به عنوان ابزاری برای توانمندسازی شهروندان و انتقال نظرات و چشم‌اندازهای آنها، متکی است. یک نظام سیاسی دموکراتیک باید تلاش کند که سیاست‌ها، افکار و نظرات و اهدافی را دنبال کند که بازتاب‌دهنده [خواسته‌ها و نظرات] مردمی باشد که نظام بر آنها حکومت می‌کند.

با این حال، به قول معروف، اغلب «شیطان در جزئیات» است. صرفاً فراهم کردن فرصت رأی‌دهی برای افراد، بلاواسطه با یک آرایش سیاسی که از منافع رأی‌دهندگان نمایندگی کند، مرتبط نیست. علاوه بر این، مردم ممکن است بسته به این‌که آیا آنها هدف نهایی انتخابات را تأثیرگذاری، نمایندگی یا چیز دیگری می‌بینند، اشکال خاصی از آرایش‌ها و ترتیبات سیاسی را بر دیگران ترجیح دهند. این ملاحظات همه در مورد افغانستان، کشوری که نظامی سیاسی در آن هنوز در دوره گذار است و انتخابات آن همچنان دست‌خوش درجه‌بندی و اصلاحات، مقدم است. در حال حاضر انتخابات پارلمانی از نظام رأی واحد غیر قابل انتقال (SNTV) پیروی می‌کند و دو انتخابات پارلمانی در چوکات این سیستم برگزار شده است. با این وجود، نفس برگزاری انتخابات دال بر مطلوبیت آن نیست؛ این‌که آیا روند انتخابات به نتیجه اعجاب‌انگیزی دست می‌یابد یا خیر، بستگی به اهدافی دارد که این روند در پی آن است. اگر روند انتخابات و اهداف آن با هم ناسازگار باشند، آن وقت ادعای ایجاد «دولت برای مردم» حتی اگر به درستی اداره شود، ممکن است یک توهم باشد.

این پژوهش در مورد انتخابات پارلمانی افغانستان بر دیدگاه‌ها و تجارب رأی‌دهندگان متمرکز است. با توجه به این‌که افغانستان می‌رود که سومین انتخابات پارلمانی‌اش را شاهد باشد، «فرهنگ انتخاباتی» در کشور به آرامی در حال ظهور است که از دستیابی مردم به سطحی از آشنایی با روند رأی‌گیری ناشی می‌شود. این پژوهش با موشکافی تجربیات رأی‌دهندگان در سراسر کشور، به دنبال توسعه یک درک غنی و منصفانه از این فرهنگ انتخاباتی است. در تحقیق در مورد فرهنگ انتخابات افغانستان، این پژوهش به طور خاص سطح دانش افراد عام از روند انتخابات، دیدگاه‌ها در مورد

حکومت‌داری در غیبت احزاب سیاسی و در مورد نمایندگی و پاسخ‌گویی اعضای مجلس پس از این‌که انتخاب شدند، را به بررسی می‌گیرد. یکی از اهداف انتخابات این است که به مردم توانایی ادارهٔ نیابتی کشور از طریق نمایندگان منتخب‌شان را فراهم می‌کند. درک تجربهٔ رأی‌دهندگان در افغانستان، کشوری که حکومت‌داری دموکراتیک در آن هنوز به بلوغ نرسیده است، می‌تواند در شناسایی نقاط قوت و اعتراف به نقاط ضعف کمک کند؛ و به این ترتیب، تغییراتی را پیشنهاد کند که واقعیت موجود کشور را بازتاب دهد.

کمک به ادبیات موجود

این پژوهش به ادبیات رو به رشدی که به تدریج در مورد حکومت‌داری دموکراتیک در افغانستان، به‌ویژه از سال ۲۰۰۱ به این سو گرد آمده، می‌افزاید.^۲ این پژوهش از طریق بررسی اولویت‌های انتخاباتی مردان و زنان اشتراک‌کننده در نظرسنجی، بر روند انتخابات کشور و تجربهٔ انتخابات تمرکز دارد. مساعدت منحصر به فرد پژوهش حاضر این است که تجربیات دست‌اول از رأی‌دهندگان سراسر افغانستان را از طریق نظرسنجی ۱۲۸۷ نفر در ۷ ولایت ارائه می‌دهد. این نظرسنجی به وسیلهٔ مصاحبه‌های عمیق (جامع و کامل) با حدود ۱۸ نامزد انتخاباتی در ۶ ولایت دیگر پشتیبانی می‌شود. این نظرسنجی‌ها به ارائه نگاه ژرف در مورد نحوهٔ درک رأی‌دهندگان از روند انتخاباتی، مقامات منتخب و نظام‌های پارلمانی، کمک می‌کند. علاوه بر این، این پژوهش تجارب گذشته رأی‌دهندگان - که احتمالاً بر شرکت آن‌ها در انتخابات آینده تأثیر دارد - و ارزش‌هایی را که رأی‌دهندگان احساس می‌کنند برای آن‌ها بسیار مهم است، موشکافی می‌کند. بسیاری از پژوهش‌های قبلی در مورد انتخابات افغانستان، پیشنهادات خود را صرفاً بر اساس بهترین شیوه‌های بین‌المللی و ماکروتحلیل الگوهای رأی‌گیری در چند انتخابات پیشین، پایه‌گذاری می‌کنند؛^۳ اما این پژوهش با بررسی پایگاه وسیع‌تر مردمی در سراسر کشور، گامی به جلو برداشته و در نتیجه، امکان سنجش گزینه‌های موجود برای «اصلاحات انتخاباتی» را در برابر «تجربه‌های مردمی» فراهم آورده و همچنین از این‌که پیشنهادات به طور مناسب تمایل به تغییر در میان رأی‌دهندگان را بازتاب دهد، اطمینان حاصل می‌کند.

۲. به این ادبیات در بخش «مدل‌های نظام‌های انتخاباتی» پرداخته شده است.

۳. اندرو رینولدز و جان کری، «اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان: استدلال‌ها و گزینه‌ها برای اصلاحات»، جولای ۲۰۱۲، AREU.

مدل‌های نظام‌های انتخاباتی

تعریف نظام‌های انتخاباتی

برای درک پیامدهای انتخابات برای حکومت‌داری سیاسی، روند انتخابات باید در دو جبهه تحلیل شود. انتخابات را می‌توان نخست از لحاظ شکل (فورم) نمایندگی که ایجاد می‌کند، تحلیل کرد. مدل‌های مروج نظام‌های اکثریتی، تناسبی و مختلط هستند. یک نظام دموکراتیک به درستی تشکیل شده، ممکن است هر یک از این روندهای انتخاباتی را شامل شود. مهم این است که گزینش روند انتخاباتی، پیامدهای چشم‌گیری بر نحوه سازمان‌دهی امورات و تصمیم‌گیری پارلمان دارد. ثانیاً، زیربنای انتخابات اهداف خاصی است که انتخابات و همچنین جوامع دموکراتیک به دنبال آن هستند. این اهداف باید به درستی شناسایی و با توجه به روند انتخاباتی برگزیده شده و مورد ارزیابی قرار گیرند. به این ترتیب، خواسته‌های مشخص شهروندان را می‌توان مورد ارزیابی قرار داد و به موجب آن، بینش دقیقی نسبت به آنچه که ممکن است مناسب‌ترین روند انتخابات باشد، ارائه داد.

انواع نظام‌های انتخاباتی

نظام‌های اکثریتی

نظام انتخاباتی اکثریتی رایج‌ترین سیستم در سراسر جهان است که در ۸۷ کشور از ۲۱۷ کشور جهان از آن پیروی می‌شود.^۴ این سیستم پیرو شعار «حکومت اکثریت» است، چنانچه هر گروهی که اکثریت آرا را به دست آورد، از توانایی قوی برای اداره کشور و تصمیم‌گیری از جانب همه شهروندانش از جمله کسانی که به طرف بازنده رأی داده‌اند، برخوردار می‌شود. همان طور که ماینوارینگ توضیح می‌دهد، این سیستم «تأکید می‌کند که دموکراسی، حکومت اکثریت است و بر اساس تمرکز قدرت بنیان نهاده شده است.»^۵ با این‌که گروه‌های اقلیت احتمالاً در قوه مقننه جای خواهند داشت، اما توانایی تأثیرگذاری آن‌ها در تصمیم‌گیری معمولاً با آرای‌شان متناسب نخواهد

۴. انستیتوت بین‌المللی همکاری دموکراتیک و انتخاباتی (IDEA)، قابل دسترس در:

<https://www.idea.int/data-tools/question-view/130357> (11 Feb 2018)

۵. اسکات ماینوارینگ، «دو مدل دموکراسی»، ژورنال دموکراسی، جلد ۱۲، شماره ۳، جولای ۲۰۰۱، صص ۱۷۰-۱۷۵.

بود؛ زیرا ممکن است آن‌ها در داشتن نامزدانی که منافع مشخص آن‌ها را نمایندگی کند، با مشکل مواجه شوند.

رایج‌ترین نظام اکثریتی، سیستم به اصطلاح «First-past-the-past» یا «نظام انتخاباتی نخست نفری» است که صرفاً نیازمند یک اکثریت ساده است. در حوزه‌های انتخاباتی، رأی‌دهندگان یک رأی واحد را به صندوق می‌ریزند و نامزدی که بیشترین آرا را کسب کند، برنده واحد در آن حوزه اعلام خواهد شد. در حوزه‌هایی که دو حزب غالب هر یک برای بیشترین رأی رقابت کنند، این‌که نامزد برنده اکثریت مطلق آرا را به دست آورد، غیرمعمول نیست. هنگامی که آرای تمام نامزدان برنده در سراسر حوزه‌های انتخاباتی شمرده شد، حزبی که بیشترین کرسی‌ها را به دست آورد، دولت را تشکیل می‌دهد. این ترتیبات در عین سادگی، ممکن است به نتایج و مسائل گوناگون دور از ذهن و نابه‌هنجاری‌هایی منجر شود. حزب برنده ممکن است کمتر از اکثریت آرای عمومی را به دست آورد. به عنوان مثال در انتخابات سال ۱۹۵۱ بریتانیا، حزب محافظه‌کار اکثریت کرسی‌های پارلمان را در حالی به دست آورد که از آرای مجموعی کمتری نسبت حزب رقیب یعنی حزب کارگر برخوردار بود (حزب محافظه‌کار ۴۸ درصد و حزب کارگر ۴۸٫۸ درصد).^۶ علاوه بر این، نظام‌های اکثریتی به طور معمول دو حزب سیاسی را در روند انتخابات غالب می‌پندارند و به این ترتیب به پیروزی اکثریت منجر می‌شوند. با این حال، در بسیاری از موارد، چندین حزب محبوب برای یک صندلی در یک حوزه رقابت می‌کنند؛ و بنابراین، امکان - و حتی احتمال - پیروزی بدون یک اکثریت مطلق وجود دارد. همان طور که تعداد نامزدانی که رأی‌دهندگان می‌توانند انتخاب کنند، افزایش می‌یابد، احتمال این‌که رأی‌دهندگان رأی خود را تقسیم کنند، نیز افزایش می‌یابد و بدین ترتیب، تعداد رأی لازم برای یک اکثریت ساده نیز کاهش می‌یابد.

هدف نظام‌های اکثریتی این است که «اداره حکومت بر اساس اراده اکثریت» را تسهیل کند. همان طور که پپیا نوریس می‌نویسد: «هدف، حکومت‌داری مؤثر است نه نمایندگی از تمامی دیدگاه‌های اقلیت.»^۷ اکثریت برنده (با این فرض که یک گروه اکثریت را تشکیل می‌دهد) قدرت گسترده‌ای در پارلمان به دست خواهد آورد تا حکم خود را در راستای اراده اکثریت اجرا کند. پس از این‌که

۶. پپیا نوریس، «انتخاب نظام‌های انتخاباتی: نظام متناسب، اکثریتی و مختلط»، International Political Science Review،

۱۹۹۷، جلد ۱۸، شماره ۳، صص ۲۹۷-۳۰۱.

۷. پپیا نوریس، ص ۳۰۱.

پارلمان انتخاب شد، می‌تواند لوایح را تصویب و قوانین را بدون مقاومت جدی از جانب احزاب اقلیت تطبیق کند. پاسخ‌گویی از طریق انتخابات منظم - حداقل در تئوری - حفظ می‌شود؛ زیرا رأی‌دهندگان قادر هستند که رأی خود را از هر حزبی که مأموریت خود را انجام نداده یا اعتماد پایگاه گسترده‌ای از شهروندان را از دست داده، دریغ کنند.

نظام‌های تناسبی

بسیاری از جوامع بر این باورند که نظام اکثریتی نمی‌تواند عدالت را برای تنوع دیدگاه‌های افراد جامعه برقرار کند. تعداد نظام‌های تناسبی در سراسر جهان، ۸۵ کشور از ۲۱۷ کشور است، تقریباً برابر با تعداد نظام‌های اکثریتی.^۸ نظام تناسبی این ایده را ترویج می‌دهد که «دموکراسی باید از هر قدر شهروندی که ممکن است، نمایندگی کند و یک اکثریت ساده نباید به طور بی‌قیدوبند حکومت کند.»^۹ به همین ترتیب، داشتن کرسی‌هایی در مجلس نمایندگان که نشان‌دهنده ترکیب آرا باشد، بحث در مجلس نیز می‌تواند از تنوع دیدگاه‌های رأی‌دهندگان نمایندگی کند.

در نظام تناسبی دو روش کلی برای انتخاب نامزدان وجود دارد: اول، در یک نظام فهرست‌باز، رأی‌دهندگان هم حزب و هم نامزد مورد نظرشان را از درون حزب انتخاب می‌کنند. حوزه انتخاباتی خاص، تعدادی کرسی در پارلمان در اختیار خواهد داشت که به احزاب بر اساس آرای که نامزدان‌شان به دست آورده‌اند، واگذار می‌شود. دوم، نظام فهرست‌بسته نیز به طور مشابه عمل می‌کند. تفاوت آن با فهرست‌باز این است که رأی‌دهندگان تنها برای یک حزب سیاسی رأی می‌دهند. این حزب، رتبه‌بندی داخلی نامزدان خود را داراست و به این ترتیب کرسی‌های این حزب در پارلمان بر اساس همان لیست پر می‌شود. برای مثال، اگر در یک انتخابات برای ۳۰ کرسی، حزب الف ۵۰ درصد کل آرا را کسب کند، کرسی‌هایش را در پارلمان با ۱۵ نامی که در صدر لیست داخلی از پیش تعیین‌شده‌اش قرار دارند، پر خواهد کرد. هم برای نظام فهرست‌باز و هم فهرست‌بسته، طیفی از احتمالات در مورد روشی که حوزه انتخاباتی ممکن است تعریف شود، وجود دارد. به طور معمولی یک حوزه انتخاباتی، منطقه است و هر منطقه دارای تعداد مشخصی از کرسی‌ها است که بعداً با توجه شمارش آرای نهایی در این منطقه، تقسیم می‌شوند. در چند مکان، کل کشور در خدمت یک

۸. انستیتوت بین‌المللی همکاری دموکراتیک و انتخاباتی (IDEA)، قابل دسترس در:

<https://www.idea.int/data-tools/question-view/130357> (11 Feb 2018)

۹. اسکات ماینورینگ، ص ۱۷۰.

حوزه انتخاباتی قرار می‌گیرد و بنابراین، تخصیص کرسی‌ها مستقیماً بازتاب‌دهنده تقسیم‌بندی رأی ملی است.

هدف کلیدی‌ای که از طریق نظام تناسبی به دست می‌آید، نمایندگی بزرگ‌تر و بیشتر است. این نظام به جای این‌که اجازه دهد اکثریت کشور را - آن‌طور که می‌خواهد - اداره کند، به دنبال این است که تعداد زیادتری از احزاب را در روند تصمیم‌گیری قوه مقننه شامل کند. با نمایندگی و شمولیت بیشتر و بزرگ‌تر، امکان این‌که در تصمیم‌گیری‌های پارلمانی تصمیمی اتخاذ شوند که از تعداد وسیع‌تری از دیدگاه و شهروندان نمایندگی کنند، مهیا می‌شود. ماهیت نظام‌های تناسبی این است که آن‌ها مشارکت تعداد بیشتری از احزاب سیاسی و رأی‌دهندگان را تشویق می‌کنند؛ زیرا احتمال بیشتری وجود دارد که رأی‌دهندگان بخواهند با رأی خود به نحوی از انحاء، این روند سیاسی را متأثر سازند. پپیا نوریس با مطالعه نظام‌های انتخاباتی در ۵۳ کشور، دریافت که نظام‌های اکثریتی به طور میانگین ۳ حزب سیاسی داشته‌اند، در حالی که نظام‌های تناسبی ۴ حزب را دارا بوده‌اند. علاوه بر این، میانگین مشارکت رأی‌دهندگان در نظام‌های اکثریتی ۶۵٫۴ درصد بوده در حالی که در نظام‌های تناسبی ۷۵٫۷ درصد بوده است.

نظام‌های انتخاباتی مختلط

نظام‌های مختلط همان‌طور که از نامش پیداست، ترکیبی از عناصر نظام‌های اکثریتی و تناسبی است. به این ترتیب، سعی این نظام‌ها بر این است که برخی از مزایای موجود، همچون کارایی و نمایندگی از هر دو نظام را به خود اختیار کند. این ترکیب ممکن است این‌طور باشد که سهم خاصی از رأی از طریق نظام اکثریتی انتخاب شود، در حالی که قسمت باقی‌مانده آن از طریق رقابت فهرست باز یا بسته انتخاب شود. این نظام‌ها ممکن است برای کشورهایی مفید باشند که به دنبال ترویج یک پارلمان قدرت‌مند هستند که بتواند به راحتی قوانین را تصویب کند؛ و همچنین امیدوار باشد که صدای گروه‌های اقلیت را که در غیر این صورت محروم می‌شوند، در بر گیرد.

چارچوب انتخاب یک نظام مناسب

اهداف اساسی یک نظام انتخاباتی

در حالی که تعریف مدل انتخابات ایدئال ممکن است به اندازه کافی ساده باشد، اما کار بسیار سخت‌تر انتخاب مناسب‌ترین نظام برای یک کشور است. در مورد این سؤال که آیا یک نظام در یک کشور بر دیگری چیره می‌شود یا خیر، بحث زیادی صورت گرفته است. برای تشخیص مناسب‌ترین نظام‌های انتخاباتی برای یک کشور، معیارهای هنجاری پیشنهادشده از سوی پیپا نوریس به ارائه درکی از این‌که چگونه تصویرها از حکومت‌داری دموکراتیک به روندهای انتخاباتی ترجمه و تبدیل می‌شوند، کمک می‌کنند. همان‌طور که نوریس می‌نویسد: «موضوع بحث در مورد معیارهای مرکزی ای است که یک نظام انتخاباتی باید آن‌ها را برآورده کند و [این موضوع که] حکومت، قوی و پاسخ‌گو باشد یا نه، کمابیش از گنجاندن صداهای اقلیت مهم است.»^{۱۰} نوریس چهار عامل را برای درک اهداف اساسی یک نظام انتخاباتی مشخص می‌کند:

(۱) کارایی دولت:

یک کشور هر قدر بیشتر به دنبال یک دولت قوی و تأثیرگذار باشد، به همان اندازه باید به سوی یک نظام اکثریتی حرکت کند. دولت قوی به طور خاص مستلزم تسلط یک حزب سیاسی واحد است که توانایی اجرای سیاست‌هایش را بدون این‌که مجبور به تشکیل ائتلافی باشد، داشته باشد. با افزایش تعداد احزاب، نیاز برای تشکیل ائتلاف‌ها و سازش نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه توانایی یک حزب واحد را برای اجرای سیاست‌هایش بدون توجه به دیگران، کاهش می‌دهد.

(۲) دولت مسئول و پاسخ‌گو:

در حالی که ممکن است دولت‌ها از لحاظ کارایی‌شان مورد ارزیابی قرار گیرند، اما آن‌ها از لحاظ پاسخ‌گویی در برابر انتخاب‌کنندگان‌شان نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند. به عنوان مثال در حوزه‌های انتخابی تک‌عضوی نسبت به حوزه‌های انتخابی چندعضوی، مقامات منتخب ممکن است نسبت به نیازهای رأی‌دهندگان‌شان پاسخ‌گوتر باشند؛ زیرا در حوزه‌های انتخابی چندعضوی، نمایندگان ممکن است از زیر بار مسئولیت‌شان با گفتن

۱۰. پیپا نوریس، ص ۳۰۴.

این که «این، مسئولیت سایر نمایندگان است»، شانه خالی کنند. علاوه بر این، در نظام‌های اکثریتی که نامزدان باید یک اکثریت ساده را در حوزه‌های انتخابی خود به دست آورند، تغییر کوچکی در آرا می‌تواند نتیجه انتخابات را به طور کامل برعکس کند. در نظام‌های تناسبی، تغییرات در آرا اثر جدی این‌چنینی نخواهد داشت. از آنجایی که نمایندگی مجلس به درصد رأی‌دهندگان وابسته است، نوسان و ترقی و تنزیل ممکن است به معنای کوچک یا بزرگ شدن احزاب باشد. این امر موجب می‌شود که رأی‌دهندگان کمتر قدرت مسئول و پاسخ‌گو نگه‌داشتن مقامات را داشته باشند.

(۳) انصاف نسبت به احزاب اقلیت:

نظام تناسبی قویاً به احزاب اقلیت در قدرت، اولویت و برتری می‌دهد. گروه‌های اقلیت در رساندن صدای‌شان در دولت، مخصوصاً اگر عضویت آن‌ها صرف یک منطقه جغرافیایی شود، دچار مشکل خاصی هستند. نظام‌های اکثریتی نه در زمینه شنیدن و پاسخ‌گویی به نظرات گروه‌های اقلیت خوباند و نه هم آن‌ها به چنین گروه‌هایی این قدرت را واگذار می‌کنند که در جریان انتخابات، دولت را پاسخ‌گو و مسئول نگه دارند. به همین دلیل، دولت‌ها می‌توانند روند انتخابات مختلط را اتخاذ کنند که برای گروه‌های اقلیت، سطحی از نمایندگی را فراهم می‌کند.

(۴) نمایندگی اجتماعی:

انتخابات ممکن است به دنبال ترویج شامل‌سازی گروه‌هایی چون زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی باشد که نمایندگان کمتری در بدنه دولت دارند. به عنوان یک ملاحظه کلی، زنان نمایندگی ضعیفی در پارلمان کشورهای دارای نظام‌های اکثریتی دارند.^{۱۱} نظام انتخاباتی ممکن است یک سیستم سهمیه‌ای را ایجاد کند که ترکیبی از نظام اکثریتی و تناسبی را شامل باشد. نظام‌های تناسبی می‌توانند با داشتن سیاست‌های مربوط به ترکیب اعضای حزب (مثلاً برای تقویت برابری جنسیتی، فهرست یک حزب ممکن است بین مرد و زن متناوب باشد) نمایندگی اجتماعی را تسهیل کنند.

۱۱. پپا نوریس، ص ۳۰۶.

تأثیرگذاری دولت	نظام‌های اکثریتی یک دولت قوی تک‌حزبی را ترجیح می‌دهند در حالی که نظام‌های تناسبی ممکن است نیازمند ائتلاف متشکل از چندین
دولت مسئول و پاسخ‌گو	در نظام‌های اکثریتی، نوسانات کوچک در الگوهای رأی‌دهی می‌تواند نتایج را تغییر دهد و بنابراین نمایندگان منتخب باید در قبال رأی
انصاف نسبت به احزاب اقلیت	در نظام‌های تناسبی شمولیت و در بر گرفتن صداهای گروه‌های اقلیت احتمال بیشتری وجود دارد. این گروه‌های حتی ممکن است بخشی از
نماینده‌گی اجتماعی	نظام‌های اکثریتی خالص، به در برگیری نمایندگان گروه‌های اجتماعی مختلف تمایل کمتری دارند. تقویت نمایندگی اجتماعی بیشتر تحت هر دو نظام ممکن است. در نظام تناسبی، این امر ممکن است از طریق سیاست‌های حزبی انجام شود.

جدول ۱: خلاصه‌ای از عوامل تأثیرگذار در انتخاب نظام رأی‌گیری

اصول اصلاح نظام انتخاباتی

چارچوب فوق‌الذکر درک اولیه‌ای را از اهداف اساسی یک نظام انتخاباتی فراهم می‌کند؛ اما برای بررسی دوباره نظام انتخاباتی در یک کشور ناهمگون مثل افغانستان، درک وسیع‌تری از نمایندگی انتخاباتی که فراتر از تفاوت‌های اکثریت و اقلیت باشد، نیاز است. افغانستان به عنوان جامعه درگیر منازعه با شهروندانی که دانش بسیار محدودی از انتخابات دارند و بسیاری از مناطق روستایی آن از گفتمان اجتماعی گسترده‌تر منزوی‌اند، مشکلات منحصر به فردی را تجربه می‌کند. با توجه به ادامه بی‌ثباتی در این کشور، صریح‌ترین موضع‌ها اغلب همان‌هایی‌اند که قطبی‌کننده‌ترین نیز واقع می‌شوند؛ به عنوان مثال احزاب سیاسی قومیتی. در این راستا، نوشته‌های پیتز امرسون در مورد نظام‌های انتخاباتی بدیل و توانایی آن‌ها برای فراهم‌آوری زمینه میانی (توافق و سازش) برای فراگیرندگی دموکراتیک، روشنی می‌افکند. از این منظر، مشکل این است که چگونه حق رأی‌دهی را به قدرت تصمیم‌گیری تبدیل کرد. امرسون در کتاب خود تحت عنوان «تعریف دموکراسی: طرزالعمل رأی‌دهی در تصمیم‌گیری، انتخابات و حکومت»، از نظام دموکراتیک جریان اصلی به خاطر این‌که نسبت به فراگیری طرزالعمل‌های تصمیم‌گیری به اندازه شکل‌گیری حکومت اکثریت از طریق انتخابات، حساس نیست، انتقاد می‌کند: «در بسیاری از موارد تصمیم‌گیری سیاسی، سؤال A یا B» معادل پرسیدن این است که «آیا شما جناح چپ هستید یا راست؟» با این حال، نظر اکثریت

واقعی اغلب در جایی در وسط است، در قلمرو یک اکثریت خاموش. یک اصطلاح بهتر شاید «اکثریت خاموش شده» باشد. خاموش شده به این خاطر که دو گزینه در برابر آن‌ها قرار داده شده است که هیچ یک از آن‌ها به اندازه کافی نمایان‌گر دیدگاه آن‌ها نیست. در برخی موارد، نتیجه رأی اکثریت با نظر اکثریت واقعی مطابق نخواهد بود، چه برسد به اراده مردم.^{۱۲}

در مقایسه نظام‌های مختلف رأی‌گیری و توانایی آن‌ها برای ایجاد اجماع میان منتفع‌شوندگان مختلف، پیشنهاد امرسون این است که: «رأی‌گیری اجماعی» که نه تنها رأی چندگزینه‌ای را بلکه بحث چندگزینه‌ای را نیز شامل می‌شود، می‌تواند نتایج بهتری را ارائه دهد. زیرا نتیجه‌ای را ارائه می‌دهد که در میان همه افراد، نه لزوماً فقط اکثریت، قابل قبول است. بنابراین، برای طراحی و اجرای اصلاحات انتخاباتی مناسب، سه مجموعه از اصول باید وضع شود:

۱) اصول تناسب انتخاب رأی‌دهندگان که بر اساس آن نظام‌های انتخاباتی باید پایه‌گذاری شود.

۲) اصول فراگیرندگی به عنوان تهداب هر تصمیم‌گیری.

۳) اصول تشریک قدرت میان منتفع‌شوندگان مختلف.^{۱۳}

۱۲. پیتر امرسون، «Defining Democracy; Voting Procedures in Decision-Making, Elections and Governance».

چاپ دوم، Springer، ۲۰۱۲، مقدمه، ص ۱۲.

۱۳. همان، ص ۹۵.

درک انتخابات در افغانستان

چرا اصلاح نظام انتخاباتی؟

نقطه شروع برای اصلاح نظام انتخاباتی، در زمینه‌های مختلف بسته به اهدافی که نظام در پی آن است، تفاوت دارد. بعضی از دلایل برای اصلاح یک نظام انتخاباتی عبارت‌اند از: تغییر دادن رأی‌دهندگان هم از لحاظ اندازه جمعیت و هم از لحاظ مرزهای جغرافیایی؛ رسیدگی به یک بحران سیاسی؛ تضمین پیروزی‌های انتخاباتی آینده که اغلب مطلوب رهبران با تمایلات استبدادی است؛ تشویق مشارکت انتخاباتی؛ حفظ وضعیت موجود؛ به دست آوردن مشروعیت سیاسی؛ کنارزدن اپوزیسیون، ایجاد ائتلاف، افزایش یا حذف موانع برای شرکت در نظام پارلمانی؛ ایجاد انگیزه برای توسعه احزاب سیاسی؛ ساده کردن روند رأی‌گیری؛ کاهش احتمال وقوع تقلب در انتخابات؛ متمرکز کردن یا تمرکززدایی قدرت؛ تغییر نظام سیاسی اصلی و... این دلایل متقابلاً انحصاری نیستند و هر گونه اصلاحات انتخاباتی احتمالاً چندین هدف را پوشش خواهند داد. در کنار اهداف سیاسی، چارچوب قانون اساسی ممکن است مسیری را با توجه به حکومت‌داری دموکراتیک و نمایندگی انتخاباتی و همچنین محدودیت‌های اصلاحات بالقوه فراهم کند.

در حالی که افغان‌ها تمایل دارند که احساسات متفاوت و اغلب تند نسبت به مفهوم «دموکراسی» داشته باشند، اما به طور کلی انتخابات را مثبت‌تر می‌بینند. تحقیق آنا لارسون در مورد درک افغانی از دموکراسی، دریافت که «برخلاف گفتمان عمومی‌تر دموکراسی و دموکراتیزه کردن چیزی که بسیاری از افغان‌ها از آن همچنان بیزارند، ایده برگزاری انتخابات (که همیشه هم با دموکراسی همراه نیست) به عنوان تحمیل خصمانه فرهنگ خارجی در افغانستان دیده نمی‌شود.»^{۱۴} در حالی که تحقیق لارسون به اهمیت نمادین انتخابات اشاره می‌کند، «تجربه‌ها از این‌که این نمایندگان چه چیزی را قادر بوده‌اند در طول دوره‌شان فراهم کنند، معمولاً منفی است.»^{۱۵} تحقیق او به مستند کردن تمایز بین دیدگاه عمومی مثبتی که مردم در مورد انتخابات دارند و تجارب منفی در عمل «که از تقلب، ابهام و سوءظن مداخله خارجی آسیب دیده است»^{۱۶} کمک می‌کند.

۱۴. آنا لارسون، «واشکافی دموکراسی در افغانستان»، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۱.

۱۵. همان.

۱۶. همان.

انتخابات افغانستان در حالی که مسلماً نسبت به مفهوم «دموکراسی» مطلوب‌تر دیده می‌شود، هنوز از این‌که به صورت معناداری یک نظام سیاسی ایجاد کند که در آن افراد احساس کنند از آن‌ها نمایندگی می‌شود، قاصر است. پژوهش نوح کوبورن و آنا لارسون در مورد برداشته‌ها از روندهای انتخاباتی افغانستان، دریافت که «بسیاری‌ها انتخابات را صرفاً به عنوان یک میکانیسم جدید برای نخبگان حاکم به منظور تقویت و گسترش قدرت‌شان توصیف می‌کنند؛ نخبگانی که گاهی اوقات در ماه‌های پیش از انتخابات برای نشان‌دادن میزان نفوذ کنترل‌شان در یک منطقه مشخص، از خشونت استفاده می‌کنند.»^{۱۷} نمایندگان مجلس از ابزارهای مختلف برای کسب حمایت در مناطق خود استفاده می‌کنند که می‌تواند به تضمین پیروزی آن‌ها کمک کند. برخی از نمایندگان مجلس بر «شهرت خود به عنوان رهبران خشن در جریان جهاد و جنگ داخلی» در کنار شبکه حامیان‌شان تکیه می‌کنند؛ دیگران با معرفی پروژه‌های کوچک برای مردم محلی، به جوامع محلی کمک می‌کنند؛ و دیگری هنوز هم بر احزاب قومی تکیه می‌کند که بر رأی‌دهندگانی از یک پایگاه قومی خاص متکی است.^{۱۸} پرونده یک نماینده مجلس که پروژه‌های جدید را به جامعه خودش معرفی کرده، نشان می‌دهد که برخی از جوامع مزایای خاصی را برخوردار می‌شوند. با این حال، چنین ابتکارهایی در اختیارات و صلاح‌دید نمایندگان مجلس قرار دارد، به طوری که بسیاری‌ها به گونه‌ای از ارباب برای تضمین پیروزی‌شان متوسل می‌شوند و پس از این‌که انتخاب شدند، خارج از دایره قانون عمل می‌کنند.^{۱۹} برای بسیاری‌ها «انتخابات برای مشروعیت‌دادن یا تصدیق کنترل قدرت استفاده می‌شود»، امری که در آن بازیگران استراتژیک، جمعیت محلی را دست‌کاری می‌کنند تا به مزایای سیاسی دست یابند.^{۲۰}

۱۷. نوح کوبورن و آنا لارسون، «توجیه ابزار: برداشت افغان‌ها از روند انتخابات»، مؤسسه صلح ایالات متحده، ۲۰۱۳.
 ۱۸. نوح کوبورن، «نمایندگان مجلس و سیاست محلی در افغانستان: انتخابات و بی‌ثباتی II»، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۰، ص ۱.

۱۹. پاچاخان زدران یکی از اعضای پارلمان از پکتیا، جاده‌ای را از میان زمین خصوصی بدون رضایت مالک آن به خانه‌اش کشیده است. او همچنین دو چاه در ملک خودش حفر کرده که به مردم اختصاص داشته. زدران رهبر شبه‌نظامی مخالف طالبان بود که برای او در میان مردم محلی شهرت (و بدنامی) به هم زده بود. نوح کوبورن، «نمایندگان مجلس و سیاست محلی در افغانستان: انتخابات و بی‌ثباتی II»، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، ۲۰۱۰، صص ۱۰-۱۱.

۲۰. نوح کوبورن و آنا لارسون، «Undermining Representative Governance: Afghanistan's 2010 Parliamentary Election and Its Alienating Impact»، مجموعه مقالات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، فبروری ۲۰۱۱.

آیا نظام انتخاباتی پارلمانی افغانستان باید اصلاح شود؟ شاید نیاز است که یک نظام دیگر کلاً جایگزین این نظام شود؛ اگر نیازمند تغییرات است، پس چگونه باید آن‌ها را دنبال کرد؟ تمرکز این پژوهش در مورد اصلاحات انتخاباتی پارلمانی به خاطر نارضایتی غالب در مورد رویکرد اکثریتی کنونی انتخابات است که از سیستم SNTV پیروی می‌کند. در این بخش ما برخی از ادبیات موجود در مورد اصلاحات انتخاباتی در افغانستان را مرور، و برخی از عمده‌ترین گرفتاری‌هایی را که نظام انتخاباتی با آن مواجه است و مشخصاً پیامدهای مشکل‌ساز سیستم SNTV را برجسته می‌کنیم.

چارچوب قانون اساسی برای انتخابات

قانون اساسی در رابطه با انتخابات پارلمانی در افغانستان نظام رأی‌گیری خاصی را تجویز نمی‌کند. قانون اساسی امکان پیروی از چه نظام‌های اکثریتی، چه تناسبی یا مختلط را باز گذاشته است. با این وجود، قانون اساسی ویژگی‌های کلی آنچه را که به عنوان یک نظام انتخاباتی عام و عادلانه در نظر گرفته، تعریف می‌کند. قانون اساسی تصریح می‌کند که تعداد نمایندگان باید متناسب با جمعیت هر حوزه انتخاباتی باشد. همچنین قانون اساسی با حمایت از یک سیستم سهمیه جنسیتی، به طور غیرمستقیم این را می‌رساند که «ولایت»، واحد تقسیم حوزه‌های انتخاباتی است. ماده ۸۳ قانون اساسی می‌گوید:

«اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردند. دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می‌رسد و شورای جدید به کار آغاز می‌نماید. انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می‌گردد. تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه، حداکثر ۲۵۰ نفر می‌باشد. حوزه‌های انتخاباتی و سایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می‌گردد. در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت، به طور اوسط حداقل ۲ وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.»

قانون اساسی به رغم این که قانون‌گذاران را به تعدیل و تنظیم قانون انتخابات حکم کرده است، اما با صراحت برخی از اجزای مهم نظام انتخاباتی را از پیش تعیین می‌کند. هر گونه تغییر چشم‌گیر در نظام انتخاباتی که از حد فاصل مشخص شده توسط قانون اساسی فراتر برود یا بر سهم جنسیتی تأثیر بگذارد، نیازمند اصلاح قانون اساسی است.

از یک منظر، قانون اساسی را می‌توان به عنوان حامی ارزش‌های اکثریتی مطرح کرد؛ چراکه کرسی‌های پارلمان «متناسب به جمعیت هر حوزه انتخاباتی» اختصاص داده می‌شود. بر اساس سیستم SNTV فعلی، «رأی‌گیرندگان» برتر در یک حوزه انتخاباتی از کرسی‌های مجلس برخوردار می‌شوند. به همین ترتیب، در حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی که از سیستم رأی‌دهی FPTP پیروی می‌کند، یک رأی‌دهنده بر اساس بیشترین رأی به دست آمده انتخاب می‌شود. محور اصلی تفسیر اکثریتی از قانون اساسی این است که «متناسب» باید به معنای این باشد که کرسی‌ها مستقیماً متناسب با آرا انتخاب می‌شوند، چه از طریق SNTV، FPTP یا نوع دیگری از سیستم رأی‌گیری «اکثریت».^{۲۱} رویکرد اکثریتی نسبت به انتخابات چالش‌های خاصی را برای نمایندگی انتخاباتی در افغانستان در بر دارد؛ زیرا بر اساس تفاوت اکثریت و اقلیت پایه‌گذاری شده است و به جای این‌که نسبت به اشکال تصمیم‌گیری توافقی پذیرا تر باشد، رویکرد «یا A یا B» را کمک می‌کند. نظام اکثریتی این امر را که گروه‌های اقلیت در مجلس نمایندگان از نمایندگی برخوردار باشند، برای آن‌ها دشوار می‌سازد.

از منظر دیگر، قانون اساسی را می‌توان به عنوان طرفدار یک نظام تناسبی انتخابات ملاحظه کرد. یکی از روش‌های دست‌یافتن به مجلسی که «متناسب با جمعیت هر حوزه انتخاباتی باشد»، محاسبه و ثبت آرا در یک حوزه خاص و بعد اختصاص دادن این آرا بر اساس احزاب سیاسی فهرست‌باز یا فهرست‌بسته است. چنین سیستمی همچنین مستلزم حضور احزاب سیاسی ثبت‌شده است، هرچند که نامزدان مستقل نیز می‌توانند برای کرسی پارلمان وارد رقابت شوند. یک نظام تناسبی در بازتاب دیدگاه‌های گوناگون در یک حوزه خاص، از آنجایی که حامی حضور و مشارکت احزاب اقلیت در مجلس است، بهتر عمل می‌کند. منتقدان نظام تناسبی به عبارت ماده ۸۳ قانون اساسی که خواستار «انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم» است، اشاره می‌کنند.^{۲۲} استدلال آن‌ها این است که یک نظام تناسبی، اعضای مجلس را قادر می‌سازد که غیرمستقیم انتخاب شوند و بنابراین این مسئله قانون اساسی را نقض می‌کند. با این حال، این نقد که بر تفسیر اصطلاح «مستقیم» می‌تازد، چندان واضح نیست. حتی در انتخابات با فهرست حزبی - چه باز یا بسته - انتخاب نامزدان برنده مستقیماً از

۲۱. اکثریت در اینجا داخل پُرانتز قرار داده شده، زیرا در سیستم SNTV احتمال بسیار زیاد وجود دارد که نامزدان پیروز خیلی کمتر از ۵۰ درصد آرا را به دست آورده باشند (و کل درصد آرای آن‌ها حتی ممکن است یک رقمی باشد). این نتیجه نگران‌کننده در بخش بعدی (سیستم رأی‌گیری غیر قابل انتقال افغانستان) بیشتر مورد بحث قرار گرفته است.

۲۲. احمدالله ارچی‌وال، «Afghanistan's Broken Electoral System» فارین پالیسی، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵. تأکید اضافه شده است.

روی شمارش آرا پیدا می‌شود. انتخاب نظام تناسبی یا اکثریتی، دیدگاه‌های رقابتی را در مورد روش مورد استفاده برای شمارش آرا ارائه می‌دهد؛ هرچند که هر دو نظام اساساً به آرا بستگی دارند. این توافق با آرایه‌ای که در پارلمان - جایی که مقامات منتخب به عنوان نمایندگان موکلین‌شان عمل می‌کنند - صورت می‌گیرد، می‌تواند مقایسه شود؛ موکلین به صورت غیرمستقیم از طریق نمایندگان‌شان در پارلمان شرکت می‌کنند. نقد دوم و عملی‌تر در مورد نظام تناسبی، وضعیت نوپای احزاب سیاسی در کشور را هدف می‌گیرد. احزاب سیاسی هنوز در حال شکل‌گیری در سراسر کشورند. انتخابات پارلمانی در دروه‌های اولیه خود در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، تا حد زیادی امور فردی بودند. یکی از نویسندگان به آن به عنوان «آنارشی پارلمانی» اشاره کرده بود؛ زیرا هر مقام به دنبال این بود که از مسائل منحصر به فرد حوزه انتخاباتی خود صحبت کند.^{۲۳} متعاقباً، اصطلاح «حزب سیاسی» با احزاب سوسیالیستی تحت تأثیر شوروی و بعدها جناح‌های مختلف مجاهدین در هم آمیخت.^{۲۴} به همین دلیل تا به امروز، بسیاری از افراد به احزاب سیاسی با سوءظن نگاه می‌کنند. چیز دیگری که این احساس را پیچیده‌تر می‌کند، ترتیب و آرایش فعلی وابستگی‌های سیاسی است که هنوز هم به جای این که تحت تأثیر اهداف سیاسی باشد که بخش وسیعی از جامعه را پوشش می‌دهد، عمیقاً تحت نفوذ وابستگی‌های قومی قرار دارد. در نتیجه، برای بسیاری‌ها نقش بزرگ‌تر احزاب سیاسی در گزینش مجلس، بیشتر به عنوان یک مسئولیت و بدهی دیده می‌شود تا ابزاری برای تقویت کارکرد پارلمان.

سیستم رأی واحد غیر قابل انتقال (SNTV) افغانستان

افغانستان در حال حاضر نظام رأی واحد غیر قابل انتقال را داراست. این سیستم از شعار «یک نفر، یک رأی»^{۲۵} پیروی می‌کند، که در آن هر فرد حق دارد برای یک نامزد برنده رأی بدهد. تعدادی کرسی پارلمان به یک حوزه انتخاباتی اختصاص داده شده است و نامزدان متعدد برای کرسی‌های مختلف به رقابت می‌پردازند. نامزدان برنده کسانی‌اند که بیشترین رأی را به دست آورند. در افغانستان، ولایت حوزه رأی‌گیری است. در حالی که افراد تنها یک رأی را به صندوق می‌اندازند،

۲۳. ماروین وینباوم، «افغانستان: دموکراسی پارلمانی غیرحزبی»، ژورنال مناطق در حال توسعه، شماره ۷، اکتوبر ۱۹۷۲، صص ۵-۲۴.

۲۴. اندرو رینولدز و جان کری، «Fixing Afghanistan's Electoral System: Arguments and Options for Reform»، AREU، جولای ۲۰۱۲، ص ۶.

۲۵. نافع چودری، «انتخابات پارلمانی افغانستان».

ناچار مقامات متعددی خواهند داشت که از آن‌ها در پارلمان نمایندگی می‌کنند؛ زیرا نمایندگان منتخب در مقابل کل حوزه انتخاباتی که همان ولایت‌شان است، مسئول هستند. تعداد آرای مورد نیاز برای یک نامزد که بتواند برنده شود، هم به تعداد کرسی‌های همان ولایت در پارلمان و هم به شمار کاندیداهایی که برای وکالت در مجلس با هم رقابت می‌کنند، بستگی دارد. با افزایش شمار نامزدان، احتمال این‌که رأی‌دهندگان نیز چند دسته شوند افزایش می‌یابد؛ و بنابراین، کاندیدا ممکن است بتواند یک کرسی را در پارلمان با تعداد آرای کمتری از آرای کلی به دست آورد. بنابراین، نامزدان برنده تقریباً به صورت قطعی کمتر از نیمی از آرای مردمی را دریافت خواهند کرد و هنگامی که آرا در میان نامزدان بسیاری تقسیم شود، آن وقت احتمال بیشتری وجود دارد که بخش بزرگی از آرا صرف نامزدان بازنده شود.

از وقتی که سیستم SNTV پیشنهاد شد، بسیاری از محققان، ناظران و متخصصان به نقاط ضعیف این سیستم اشاره کردند که نشان می‌دهد این سیستم باعث ایجاد مشکل در برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه می‌شود.^{۲۶} با وجود این هشدارها، سیستم SNTV در دو دوره متوالی انتخابات پارلمان در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰ مورد استفاده قرار گرفته است؛ دو انتخاباتی که هر دو تقلبی شناخته شدند.

قانون انتخابات، سیستم SNTV را برای انتخابات پارلمانی تجویز می‌کند،^{۲۷} با این پیشنهاد که «در هر ولایت، کرسی‌ها از جمله کرسی‌های مربوط به کوچی‌ها، به نامزدانی اعطا می‌شود که معتبرترین رأی را کسب کنند».^{۲۸} طبق قانون انتخابات، ۲۳۹ کرسی از (۲۵۰) کرسی مجلس متناسب با جمعیت هر ولایت اختصاص می‌یابد. ۱۰ کرسی دیگر به کوچی‌ها و یک کرسی دیگر به هندو و سیک‌ها اختصاص می‌یابد.^{۲۹} هر کسی که واجد شرایط ثبت‌نام به عنوان کاندیدا باشد، می‌تواند برای کرسی پارلمان وارد رقابت انتخاباتی شود. به این ترتیب، این سیستم به شدت نامزدان مستقل، به ویژه کسانی را که از حمایت متمرکز حامیان راسخ و پایدار برخوردارند، به رقابت در انتخابات تشویق می‌کند. یک نگاه اجمالی به انتخابات قبلی افغانستان می‌تواند درکی را از ازدیاد کاندیداها ارائه کند. در کابل که ۳۳ کرسی در پارلمان دارد، ۴۰۰ کاندیدا در انتخابات ۲۰۰۵ با هم رقابت کردند و ۶۶۰

۲۶. رینولتز و کری، «Fixing Afghanistan's Electoral System».

۲۷. این سیستم رأی‌گیری در ماده ۶، ۵۰ و ۵۲ قانون انتخابات تعریف شده است.

۲۸. ماده ۵۰ و ۵۲ قانون انتخابات.

۲۹. ماده ۴۸ قانون انتخابات.

کاندیدا در انتخابات ۲۰۱۰، برای به دست آوردن تنها ۳۳ کرسی اختصاص یافته به کابل، وارد کارزار انتخاباتی شدند.^{۳۰} علاوه بر این، این نظام انتخاباتی ۶۸ کرسی مجلس را به زنان برای تشویق مشارکت سیاسی آن‌ها اختصاص داده است.^{۳۱} این کرسی‌ها به نسبت جمعیت هر ولایت با حداقل ۲ کرسی در هر ولایت، اختصاص داده شده است. بنابراین نامزدان زن علیه هم‌تایان مرد خود وارد رقابت نمی‌شوند، بلکه برای به دست آوردن کرسی‌های اختصاص یافته به زنان، علیه سایر نامزدان زن به رقابت می‌پردازند.

تغییر مرزهای حوزه انتخاباتی

در طی دو دوره انتخابات پارلمانی (در سال ۲۰۰۵ و ۲۰۱۰)، واحدهای اداری (ولایات) به عنوان حوزه‌های انتخاباتی در نظر گرفته شدند. بر اساس این قاعده، رأی‌دهندگان با نمایندگان‌شان به عنوان یک نهاد جمعی که از ولایت نمایندگی می‌کنند، روبه‌رو شدند تا به عنوان نمایندگانی که از افراد خاص در محله‌های خاص، نمایندگی می‌کنند. در نسخه تجدیدنظرشده قانون انتخابات (۲۰۱۶)، گزینه تقسیم حوزه‌های انتخاباتی به بخش‌های کوچک‌تر به عنوان یک اصل کلی در نظر گرفته شده است.^{۳۲} ماده ۳۵ قانون فعلی انتخابات پیشنهاد می‌کند که «با هدف تعیین حوزه‌های انتخاباتی و تقسیم آن‌ها به حوزه‌های کوچک‌تر، کمیسیون بایستی ولسی جرگه و شوراهای ولایتی را به شیوه‌ای تعیین کند که در آن مقررات بندهای ۴ و ۶ ماده ۸۳ قانون اساسی مراعات شده باشد.»^{۳۳} هر چند که پیشنهاد برای تقسیم حوزه‌های انتخاباتی به واحدهای کوچک‌تر ممکن است در خدمت پاسخ‌گو نگه‌داشتن نمایندگان مجلس واقع شود، اما با این وجود، شماری از سؤالات بدون پاسخ می‌ماند. قانون انتخابات تصریح نمی‌کند که آیا انتخابات از سیستم SNTV، سیستم FPTP یا از نوع متفاوتی از نظام تناسبی پیروی خواهد کرد. اگر حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر همچنان از سیستم SNTV استفاده کند، به این معنی که چندین نماینده از یک حوزه انتخاباتی به‌خصوص

۳۰. رینولدز و کری، «Fixing Afghanistan's Electoral System»، ص ۴.

۳۱. بر اساس ماده ۵۱ قانون انتخابات.

۳۲. قانون انتخابات افغانستان، جریده رسمی، ۲۰۱۶، شماره نشر: ۱۲۲۶.

۳۳. بر اساس بند ۴ و ۶ ماده ۸۳: «(۴): تعداد اعضای خانه ملت باید متناسب با جمعیت هر حوزه انتخاباتی باشد و بیش از حداکثر ۲۵۰ نفر نباشد. (۶): طبق قانون انتخابات از طریق نظام انتخاباتی باید به نمایندگی عمومی و عادلانه برای تمام مردم کشور، و به تناسب جمعیت هر ولایت، به طور متوسط حداقل دو زن از هر ولایت برای خانه ملت انتخاب شوند.»

نمایندگی کنند، آن وقت حساب‌دهی و پاسخ‌گویی نمایندگان مجلس ممکن است باز هم محدود باشد.

مسئله نامشخص دیگر مربوط به سکونت است. ماده ۳۹ قانون انتخابات تنها بیان می‌کند که «فردی که برای گرفتن عضویت مجلس ملی وارد رقابت یا منصوب می‌شود، برعلاوه دارابودن شرایط یک رأی‌دهنده... بایستی یک شهروند افغان باشد یا شهروندی دولت افغانستان را حداقل ۱۰ سال پیش از روز نامزدی یا انتصاب، به دست آورده باشد.» این ماده این را می‌رساند هر کسی که از یک سطح حمایت سیاسی در یک حوزه خاص برخوردار بود، می‌تواند برای به دست آوردن کرسی پارلمان، در هر زمان و از هر کجا وارد رقابت شود. حامی‌گرایی (Clientelism) و سیاست‌ورزی قومی برخی از مشکلاتی‌اند که ممکن است در چارچوب این قاعده تحمل شوند.

توهم و سرخوردگی ناشی از سیستم SNTV

یک انتقاد کلیدی از سیستم SNTV در افغانستان این است که این سیستم به پارلمان ضعیف و چندپارچه منجر می‌شود. اندرو رینولدز در مقاله‌اش تحت عنوان «The Curious Case of Afghanistan» تأکید می‌کند که انتخاب سیستم SNTV بر اساس درک کافی از این سیستم نبوده، بلکه این سیستم به خاطر بی‌توجهی و سوءتفاهم انتخاب شده است. به گفته وی، پیشنهاد اولیه این بود که یک سیستم تناسبی فهرست‌بسته انتخاب شود، اما به این خاطر که این سیستم به درستی معرفی نشد، به نفع SNTV کنار گذاشته شد: «افغانستان با SNTV سردچار شد، نه به دلیل مشورت گسترده و ارزیابی دقیق مزایا و معایب آن، بلکه به خاطر یک روند نسبتاً تصادفی حذف.»^{۳۴} دیگران در وضعیت بدبینانه‌تر ادعا کردند که ایالات متحده سیستم SNTV را پیشکش کرد؛ زیرا آن‌ها یک قوه مقننه ضعیف را ترجیح دادند که قوه اجرایی را به چالش نکشد.^{۳۵}

رینولدز در مورد نارسایی سیستم با بیان این که «پیامدهای نامطلوب SNTV، عدم تناسب بالا میان آرا و کرسی‌ها، تمایل به حذف احزاب اقلیت، افزایش حامی‌گرایی و فساد و چندپارچگی حزب حاکم را شامل می‌شود»^{۳۶} هشدار داد. به همین ترتیب، بارنت روبین می‌نویسد: این سیستم «تقریباً تشکیل یک پارلمان رهبران محلی را که در آن نمایندگی راستین و انگیزه‌ای برای همکاری با یکدیگر و یا

۳۴. اندرو رینولدز، «The Curious Case of Afghanistan»، ژورنال دموکراسی، جلد ۱۷، شماره ۲، اپریل ۲۰۰۶، صص ۱۰۴-۱۱۷.

۳۵. بر اساس گفتگو با مقامات امریکایی که در پیشنهاد سیستم SNTV برای افغانستان دخیل بودند.

۳۶. اندرو رینولدز، «The Curious Case of Afghanistan».

دولت موجود نیست، تضمین می‌کند. این سیستم باعث خریداری رأی و ارباب بیشتر می‌شود؛ زیرا که نوسانات حتی تعداد کمی از آرا می‌تواند به راحتی نتیجه را متأثر کند. احزاب به خوبی سازمان‌یافته که می‌توانند شمار محدودی از نامزدان‌شان را معرفی و رأی‌دهندگان را برای پخش رأی‌شان در میان آن‌ها سازمان‌دهی کنند، می‌توانند سهم نامتناسبی از کرسی‌ها را به دست آورند.^{۳۷}

نتایج انتخابات سال ۲۰۰۵ نمونه‌ی رسایی از نارسایی و ناهنجاری غیرمعمول سیستم SNTV است. توماس جانسون در تحلیلش از این انتخابات دریافت که: «کابل پرجمعیت‌ترین ولایت کشور با بیش از سه میلیون نفر است. با این حال ۱,۲۹۳,۴۷۲ رأی‌دهنده ثبت‌نام‌شده تنها ۳۹۹,۸۱۰ رأی معتبر (۳۵ درصد) را به صندوق ریختند. همان طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، محمد محقق بالاترین درصد (۱۳,۲ درصد) آرا را نسبت به هر نامزد دیگری در کابل دریافت کرده است. قانونی و دوستم به ترتیب با ۷,۸ درصد و ۷,۷ درصد، دو کاندیدای دیگری بوده‌اند که بیشترین آرا را به دست آورده‌اند. سی نامزد پیروز دیگر از ۲,۵ تا ۰,۴ درصد آرا را کسب کرده‌اند. این که ۳۰ نفر از ۳۳ نماینده از پایتخت کشور هر کدام با دریافت کمتر از ۳ درصد آرای رأی‌دهندگان‌شان برای پارلمان انتخاب شده‌اند، متحیرکننده است. از حوزه انتخاباتی کابل، ۴۶ درصد برای کاندیداهای بازنده رأی داده‌اند، که اگر تنها دو یا سه نامزد در حال رقابت بودند، تعجب نداشت. اما برای نمایندگی کابل در مجلس قانون‌گذاری ۳۸۷ کاندیدا وارد رقابت انتخاباتی شده بودند. مجموع آرای سراسر کشور که توسط برنده‌های ولسی جرگه جمع‌آوری شده بودند، تنها ۳۵,۸ درصد مجموع آرا بود. یا به عبارت دیگر، ۶۴,۲ درصد رأی‌دهندگان افغانستان از کاندیداهای بازنده حمایت کرده بودند.»

یافته مهم تحقیق جانسون این است سیستم SNTV یک مفهوم بسیار ضعیف از نمایندگی دموکراتیک ایجاد می‌کند. با توجه به این که اکثر رأی‌دهندگان برای نامزدان بازنده رأی می‌دهند (در مورد کابل)، بنابراین مقامات منتخب را نمی‌توان واقعاً به طور گسترده به عنوان نمایندگان انتخاب کنندگان‌شان در نظر گرفت. تعداد زیادی از مقامات چنانچه با ۳۰ کرسی از ۳۳ کرسی کابل که کمتر از ۳ درصد آرا را دریافت کردند، ثابت شد با نسبت بسیار کمی از رأی انتخاب شدند. علاوه بر این، سیستم SNTV تناقضی را ایجاد می‌کند که در آن هر قدر کاندیداهای بیشتری وارد رقابت

۳۷. بارنت روبین، «Afghanistan: The Wrong Voting System»، نیویورک تایمز (۱۶ مارچ ۲۰۰۵)، لینک:

<http://www.nytimes.com/2005/03/16/opinion/afghanistan-the-wrong-voting-system.html>

شوند، تعداد آرای مورد نیاز برای کسب یک کرسی به علت تقسیم شدن رأی، کاهش می‌یابد. در مقابل، توانایی دروکردن مزایای بزرگ رأی‌دهی قومی، ارعاب رأی‌دهندگان، خریداری رأی و تقلب نیز افزایش می‌یابد. امری که به انتخابات کاملاً مملو از مشکلات منجر می‌شود. به عنوان مدرک چنین رفتار تقلب‌آمیز، در انتخابات سال ۲۰۰۵، مشارکت رأی‌دهندگان در سه ولایت بیشتر از ۱۰۰ درصد بود.^{۳۸}

سیستم SNTV در حالی که به نظر ساده و سراسر است می‌رسد، به نتایج عجیب و غریب - و از موضع نمایندگی، مشکل‌ساز - منجر می‌شود. جانسون استدلال می‌کند که «هدف هر روند انتخاباتی باید حصول اطمینان از این باشد که یک دولت نماینده می‌تواند شکل بگیرد. اما در مورد افغانستان، سیستم SNTV به طور قابل ملاحظه‌ای مانع توسعه نهادهای نمایندگی می‌شود... سیستم SNTV به وضوح حوزه‌های چندکرسی را تحریف می‌کند.» سیستم SNTV به نتیجه نابرابر و نامتوازی منجر می‌شود که مناطق از لحاظ جمعیت شدیداً متراکم را نسبت به مناطق روستایی و وسیع بیشتر ترجیح می‌دهد: «در ظاهر پایه‌گذاری کرسی‌ها بر جمعیت ممکن است منطقی به نظر برسد، اما مناطق کم‌جمعیت در معرض خطر این قرار دارند که از آن‌ها در مجلس نماینده‌ای نباشد یا حداقل، نمایندگی‌شان کمتر باشد. این امر به عدم تعادل در سطح نمایندگی میان مناطق شهری و روستایی منجر می‌شود.»

حمایت ضعیف از گروه‌هایی با نمایندگی ناکافی

پارلمان یک نهاد چندعضوی و وظیفه آن تصمیم‌گیری از جانب شهروندان است. نمایندگان مجلس برای بحث و تصمیمی که شامل طیف متنوع و گسترده‌ای از دیدگاه‌ها باشد، تنوع جامعه افغانستان را باید بازتاب دهند. با این حال، رویکرد اکثریتی افغانستان نسبت به انتخابات، یعنی استفاده از سیستم SNTV، به وضوح به نفع تمام ذی‌نفعان واقع نمی‌شود. کاندیداهایی که از شبکه‌های حمایتی بزرگ برخوردارند، شانس بیشتری برای موفقیت دارند. رأی‌دهی قومی بر اساس این مفهوم که هر قدر کرسی‌های بیشتری در پارلمان به دست بیاوری، بیشتر صدایت در دولت شنیده خواهد

۳۸. این ولایات: نورستان، پکتیکا و پنجشیر بودند. سایر ولایات نیز به طور غیرمعمولی شاهد مشارکت بالا بودند. توماس جانسون، «Central Asian Survey»، «Afghanistan's post-Taliban transition: The state of state-building after war» (مارچ و جون ۲۰۰۶) ۲۵ (۱-۲)، صص ۱۷-۱۸.

شد، تشویق می‌شود.^{۳۹} گروه‌هایی که نفوس کم یا پراکنده دارند، ممکن است در پیروزی کاندیداهای‌شان ناموفق باشند و در نتیجه، نمایندگی آن‌ها در پارلمان محدود می‌شود.

دل‌سرد کردن احزاب سیاسی

در چارچوب سیستم SNTV نامزدان به عنوان افراد وارد رقابت می‌شوند نه به نمایندگی از احزاب یا بلوک‌ها. رأی‌دهندگان فردی به جای این‌که رأی‌شان را صرف احزاب سیاسی یا بلوک‌ها کنند، به نفع کاندیداهای فردی به صندوق می‌ریزند. با این‌که این پلت‌فرم به این خاطر که به نفع کاندیداهای مستقل است، ستایش می‌شود، اما منتقدان می‌گویند که SNTV سد راه استفاده احزاب از امکانات نظارتی و بسیج‌سازی‌شان در جریان انتخابات و درون پارلمان می‌شود. در چنین شرایطی، پیروزی در انتخابات شدیداً به برنامه‌ریزی استراتژیک احزاب سیاسی وابسته است تا بهترین نتیجه را از روند کلی روز انتخابات بگیرند.^{۴۰} با این حال، در چوکات سیستم SNTV، احزاب سیاسی گزینه‌های اندکی برای نظارت از نامزدان خود در دست دارند؛ زیرا آن‌ها انگیزه‌هایی دارند که به طور سیستماتیک سازمان‌دهی شوند. در بسیاری از موارد، نامزدان در حالی که از سوی احزاب سیاسی خاصی حمایت می‌شدند، تصمیم گرفتند که صرفاً محدود به آجندای حزب‌شان نباشند، زیرا آن‌ها ترجیح دادند که از شبکه‌های شخصی خود برای به پایان‌رساندن روند انتخابات استفاده کنند.^{۴۱}

سیستم SNTV به شدت علیه حضور احزاب سیاسی کار می‌کند. اندرو رینولدز و جان کری، سیستم SNTV را به شدت به باد انتقاد گرفته، می‌گویند: «هیچ سیستم انتخاباتی مورد استفاده دیگر برای انتخاب مجالس ملی چنین موانعی را سد راه توسعه احزاب یا توانایی آن‌ها برای تبدیل حمایت رأی‌دهندگان‌شان به نمایندگی قرار نمی‌دهد. به‌جز SNTV، تقریباً هر روش دیگر برای انتخاب نمایندگان از حوزه‌های انتخاباتی چند عضوی، گروه‌هایی از کاندیداها را اجازه می‌دهد که رأی خود را با یکدیگر شریک کنند تا حمایت از یکی، گروه را به طور کل کمک کند. این امر در مورد نظام‌های نمایندگی تناسبی فهرستی (list PR) که در اکثر کشورهای دموکراتیک استفاده

۳۹. توماس جانسون «The Illusion of Afghanistan's Electoral Representative Democracy: The Cases of Afghan Presidential and National Legislative Elections», Journal of Small Wars & Insurgencies, ۲۰۱۸، جلد ۲۹، شماره ۱.

۴۰. «احزاب سیاسی در افغانستان، مروری بر وضعیت احزاب سیاسی پس از انتخابات ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰»، مؤسسه دموکراتیک ملی، ۲۰۱۱.

۴۱. اولیور لوف، «حقوق برابر، فرصت‌های نابرابر: مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی و شورای ولایتی افغانستان»، AREU، ۲۰۱۲.

می‌شود)، در مورد نظام‌های رأی قابل انتقال (به عنوان مثال استرالیا و ایرلند) و برای سیستم‌های بلوک رأی که اجازه می‌دهد رأی‌دهندگان رأی‌شان را برای چندین نامزد به صندوق بریزند (مانند بسیاری از کشورهای عربی) صدق می‌کند.^{۴۲}

در چارچوب سیستم SNTV، احزاب سیاسی در جریان مبارزات انتخاباتی برای پیروزی در انتخابات، به بسیاری از ملاحظات تاکتیکی محدود هستند. در یک حوزه انتخاباتی معین، از آنجا که چندین کرسی در دسترس است، یک حزب سیاسی ممکن است چندین نامزد را برای رقابت در انتخابات تشویق کند. با این حال، این نامزدان هیچ دلیلی برای همکاری با یکدیگر ندارند، بلکه ترجیح می‌دهند آرای یکدیگر را برای پیروزی خودشان غصب کنند. علاوه بر این، اگر یک حزب سیاسی تصمیم بگیرد که تعداد بیش از حد کاندیداهای خود را وارد کارزار انتخابات کند، خود را در معرض خطر چندقدرتگی آرا و باخت در انتخابات قرار می‌دهد و کرسی‌ها از آن افراد یا احزابی می‌شود که آرای‌شان را تقسیم نکرده‌اند؛ حتی اگر حزب اولی در حوزه انتخاباتی محبوب‌تر باشد. بنابراین احزاب سیاسی در چارچوب سیستم SNTV با یک متعادل‌کننده غیرممکن مواجه می‌شوند که به موجب آن، از توسعه آن‌ها در نظام سیاسی جلوگیری می‌شود. در نتیجه، پارلمان تا حد زیادی چندپارچه و فاقد انسجام کلی می‌شود و اعضای آن به دنبال اهداف فردی خود یا اهداف حوزه‌های انتخاباتی‌شان راه می‌افتند.

احزاب سیاسی و تلاش مجدد برای اصلاحات انتخاباتی

در آخرین تلاش‌ها برای تغییر نظام کنونی انتخابات، رهبران و نمایندگان حدود ۲۱ گروه و حزب سیاسی بانفوذ (جهادی) در ۲۴ فیبروری ۲۰۱۸ با برگزاری کنفرانسی در کابل خواستار تغییر سیستم کنونی (SNTV) رأی‌دهی پارلمانی به سیستم نمایندگی تناسبی شدند. آن‌ها اعلام کردند که به عنوان احزاب سیاسی، حق دارند که نقش احزاب خود را در انتخابات پارلمانی تقویت کنند. احزاب سیاسی عمده از جمله جمعیت اسلامی، حزب اسلامی، وحدت اسلامی، جنبش ملی اسلامی، حرکت اسلامی، معاذ ملی اسلامی و حزب افغان ملت، «به‌ویژه خواستار این شدند که به احزاب اجازه داده شود که فهرست کاندیداهای مبتنی بر احزاب را تهیه و ارسال کنند و آرای که صرف این فهرست

۴۲. رینولز و کری، «Fixing Afghanistan's Electoral System».

می‌شوند در هر حوزه انتخاباتی قابل انتقال باشند تا «از ضایع شدن رأی مردم» جلوگیری شود.^{۴۳} این گروه همچنین در بیانیه‌شان تعدادی خواسته‌های دیگر را نیز مطرح کردند، از جمله این که احزاب سیاسی از طریق ایجاد یک ائتاق نظارت در کمیسیون مستقل انتخابات، بتوانند در کنار مقامات این کمیسیون تمام روند انتخابات را نظارت کنند. هرچند کمیسیون مستقل انتخابات در اصل، تقاضاهای احزاب سیاسی در رابطه با تغییر نظام انتخاباتی را درک و قدردانی کرد، اما مقامات این کمیسیون گفتند که در حال حاضر چنین اصلاحاتی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا می‌تواند چند انتخابات پیش‌رو را به تأخیر اندازد.

بار دیگر در ۱۲ جون ۲۰۱۸ نمایندگان ۳۵ حزب سیاسی مجدداً خواستار تغییر نظام انتخاباتی شدند و از دولت و کمیسیون مستقل انتخابات خواستند که نظام انتخابات را قبل از انتخابات پارلمانی پیش‌رو، اصلاح کند. نمایندگان احزاب سیاسی خواستار اصلاح و تغییر سیستم SNTV کنونی به سیستم MDR شدند.^{۴۴} آن‌ها تأکید کردند که تمام سهام‌داران از جمله شخصیت‌های ملی، احزاب و جنبش‌های سیاسی و رأی‌دهندگان به طور کل از نظام اصلاح‌شده سود خواهند برد. احزاب سیاسی معترض تهدید کردند که اگر خواسته‌ها و پیشنهادهای آن‌ها جدی گرفته نشوند، آن‌ها انتخابات پارلمانی پیش‌رو را تحریم خواهند کرد. آن‌ها همچنین دربارهٔ کارتهای شناسایی جعلی که ممکن است برای دست‌کاری انتخابات به نفع نامزدان مشخص استفاده شوند، هشدار دادند.

آخرین تلاش برای تقویت نقش احزاب سیاسی در نظام انتخاباتی بر اساس طرح پیشنهادی است که از سوی دولت از طریق کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی در سال ۲۰۱۵ پیشکش شد. در دسامبر ۲۰۱۵ کمیسیون ویژه اصلاحات انتخاباتی پیشنهاد داد که سیستم SNTV به یک سیستم نمایندگی تناسبی - مختلط تغییر کند.^{۴۵} با این حال، به خاطر اختلافات گسترده میان سهام‌داران

۴۳. علی‌یاور عادل، «Afghanistan Election Conundrum (5): A late demand to change the electoral system»، شبکه تحلیل‌گران افغانستان:

<https://www.afghanistan-analysts.org/afghanistan-election-conundrum-5-a-late-demand-to-change-the-electoral-system/>

۴۴. نمایندگی چندبعدی؛ تحت سیستم MDR در تئوری نامزدان در چهار کتگوری می‌تواند باشد: (۱) افراد مستقل (۲) فهرست ائتلاف ویژه افراد (۳) فهرست نامزدان حزبی و (۴) فهرست ائتلاف احزاب. این فهرست باز خواهد بود و رأی‌دهندگان به افراد رأی می‌دهند؛ اما تعیین برندگان در دو مرحله انجام می‌شود: اول اینکه چند کرسی را فهرست‌هایی که بهترین عملکرد را داشته‌اند، کسب کرده‌اند و سپس دادن کرسی‌ها به افرادی که در این فهرست‌ها بیشترین رأی را دارند.

۴۵. احمدالله ارجی‌وال، «Afghanistan's Broken Electoral System»، فارین پالیسی، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵، لینک: <http://foreignpolicy.com/2015/11/11/afghanistans-broken-electoral-system/>

مختلف سیاسی و مشکلات بروکراتیک،^{۴۶} این اصلاحات هنوز در سیستم انتخابات فعلی اتخاذ نشده است.^{۴۷}

کمیسیون مستقل انتخابات ۲۰ اکتوبر ۲۰۱۸ را به عنوان تاریخ انتخابات شورای قانون‌گذاری (پارلمان) و شوراهای ولسوالی تعیین کرده است. مقامات کمیسیون مستقل انتخابات تأکید کردند که «رأی‌گیری در سال جاری با وجود مشکلات در مناطق تحت کنترل طالبان می‌تواند ادامه یابد».^{۴۸} همچنین رئیس‌جمهور اشرف‌غنی وعده داده است که انتخابات پارلمانی را قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار کند که قرار است سال آینده برگزار شود. پیش از این، «رأی‌گیری بارها به دلیل ترس‌های امنیتی و چالش‌های تدارکاتی به عقب انداخته شده است».^{۴۹}

۴۶. طبق قانون اساسی، پارلمان نمی‌تواند قانون انتخابات را در آخرین سال کاری خود اصلاح کند. ظاهراً پس از پایان دوره پنج ساله اصلی پارلمان فعلی (یعنی سال ۲۰۱۵)، دولت هر سالی را که گذشته به عنوان «سال کاری آخر» آن حساب کرده است.

۴۷. طبق توافق‌نامه دولت وحدت ملی - که در سال ۲۰۱۴ امضا شد - دولت وحدت ملی به اصلاح نظام انتخاباتی پیش از انتخابات پارلمانی که قرار بود در سال ۲۰۱۵ برگزار شود، ملزم بود.

۴۸. گزارش، «افغانستان وعده می‌دهد انتخابات پارلمانی در ماه اکتوبر برگزار شود»، رویترز نیوز، ۱ اپریل ۲۰۱۸، لینک: www.reuters.com/article/us-afghanistan-election/afghanistan-pledges-october-date-for-parliamentary-election-idUSKCN1H810L

۴۹. گزارش «افغانستان ماه اکتوبر را برای برگزاری انتخابات پارلمانی تعیین کرد»، رادیو آزادی، یک اپریل ۲۰۱۸، لینک: <https://www.rferl.org/a/afghanistan-parliamentary-elections-october-taliban-security/29138221.html>

برخی از نگرانی‌ها و چالش‌های اصلی در رابطه با انتخابات پارلمانی پیش‌رو در این گزارش مورد بحث قرار گرفته است.

روش پژوهش

برای تجدید نظر در نظام انتخاباتی پارلمانی افغانستان باید بدانیم که ویژگی‌های نظام انتخاباتی کنونی افغانستان چیست. ما باید درک خود از نظام انتخاباتی را از طریق بررسی مجدد تجربیات رأی‌دهندگان اصلاح کنیم. ادبیات موجود برخی از مشکلات ناخوشایند انتخابات پارلمانی افغانستان از جمله نقص سیستم SNTV را برجسته می‌کند، اما از ارائه اطلاعات در مورد تجربیات رأی‌دهندگان در چند انتخابات پارلمانی قاصر است.

بر اساس بررسی ادبیات و تحقیقات اولیه، تیم پژوهش تصمیم گرفت که رأی‌دهندگان عادی و کاندیداها، برای انتخابات پیش‌روی مجلس، دو ذی‌نفع عمده اصلاحات انتخاباتی‌اند. بنابراین، این نظرسنجی در چارچوب تحقیق آمیخته (ترکیب روش تحقیق کمی و کیفی) در دو مرحله انجام شده است. بر این اساس، یک پرسش‌نامه کمی و یک راهنمای سؤال برای ارزیابی دیدگاه منتفع‌شوندگان در مورد سیاست‌های پارلمانی در کشور و روایات بدیل برای تغییر نظام انتخاباتی طراحی شد. پرسش‌نامه از طریق به چالش کشاندن سیستم کنونی رأی‌دهی پارلمانی SNTV، عموماً بر اساس موضوعات زیر ساخته شد:

- (۱) ارزیابی عمومی همه انتخابات پارلمانی قبلی
- (۲) برداشت عمومی رأی‌دهندگان درباره عملکرد پارلمان و مسئولیت‌های نمایندگان مجلس
- (۳) گزینه‌های رأی‌گیری جایگزین
- (۴) وضعیت حوزه‌های انتخاباتی
- (۵) وضعیت احزاب سیاسی در سیاست پارلمانی
- (۶) نقش زنان در انتخابات پارلمانی
- (۷) نگرش‌ها نسبت به طرز العمل‌های مختلف تصمیم‌گیری^{۵۰}

این پژوهش، چشم‌انداز و دیدگاه‌های ۱۳۰۵ نفر را در ۱۳ ولایت افغانستان پوشش می‌دهد؛ امری که آن را بزرگ‌ترین و جامع‌ترین پژوهش در مورد انتخابات افغانستان می‌سازد که تا به امروز انجام شده است.

۵۰. پرسش‌نامه نظرسنجی در ضمیمه ۱ در دسترس است.

در رابطه با نمونه‌برداری، به علت عدم سرشماری در مورد میزان جمعیت افغانستان، ما اندازه (Size) نمونه‌برداری خود را بر اساس ظرفیت سازمانی خود تعیین کردیم. بنابراین ۱۲۸۷ نفر در هفت ولایت، کابل، هرات، قندهار، بلخ، بامیان، غرني و جوزجان مورد نظرسنجی/ بررسی قرار گرفتند. در ولایت کابل، حدود ۴۰۰ نفر نظرسنجی شدند و در سایر ولایات از هر کدام ۱۵۰ نفر مصاحبه شدند. تعداد پاسخ‌دهندگان زن و مرد که مصاحبه شده‌اند با هم برابرند. برای اطمینان از ارتباط فرهنگی با پاسخ‌دهندگان در مناطق مختلف، هم مرد و هم زن مصاحبه‌گر حرفه‌ای از قومیت و زبان‌های مختلف در کار میدانی این پژوهش، دخیل بوده‌اند. این نظرسنجی هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی در سراسر طبقه‌بندی‌های دموگرافیک، از جمله سن، جنسیت، درآمد، قومیت، پس‌زمینه آموزشی، وضعیت تأهل و وضعیت اشتغال انجام شده است. اما همان طور که قومیت نقش مهمی در سیاست افغانستان ایفا می‌کند، ما تلاش کردیم که کل نمونه را به طور مساوی میان چهار گروه قومی اصلی افغانستان، یعنی ازبیک‌ها، تاجیک‌ها، پشتون‌ها و هزاره‌ها تقسیم کنیم. با این حال، حدود ۱۰۰ نفر به صورت کاملاً تصادفی، صرف‌نظر از طبقه‌بندی گروه‌های قومی، نظرسنجی و مصاحبه شدند. علاوه بر این، نگرانی‌های امنیتی بر فعالیت‌های میدانی ما در مناطق روستایی تأثیر گذاشت و بنابراین، ما این نظرسنجی را در مناطق امن‌تر انجام دادیم. این نظرسنجی از جنوری تا اپریل ۲۰۱۸ انجام شده است.

در بخش کیفی این نظرسنجی حدود ۱۸ نامزد پارلمانی در شش ولایت یعنی بدخشان، فاریاب، فراه، پکتیا، دایکندی و نیمروز برای مصاحبه عمیق (جامع و کامل) در نظر گرفته شدند. در هر ولایت ۳ نفر مصاحبه شدند. حداقل یک نامزد زن در هر ولایت مصاحبه شده است. با نامزدان به صورت تصادفی در جوامع مختلف صحبت شده است تا از این‌که هم نامزدان باتجربه و هم بی‌تجربه فرصتی برای بیان دیدگاه‌های انتخاباتی خود داشته باشند، اطمینان حاصل شود. محققان ساحوی همچنین تلاش کرده‌اند تا با انواع مختلف نامزدان از جمله نامزدان مستقل، نامزدان احزاب سیاسی و نامزدان وابسته به سازمان‌های جامعه مدنی مصاحبه کنند. نظراتی که از مصاحبه‌های کیفی تهیه شده، به ارائه زمینه بزرگ‌تر و بیشتر به برخی از یافته‌های کمی این پژوهش، کمک کرد و به نحوی، موازنه‌ای را برای دیدگاه‌های رأی‌دهندگان فراهم می‌کند. در این پژوهش به نامزدان پارلمانی به عنوان «آگاهان» و به رأی‌دهندگان به عنوان «پاسخ‌دهندگان» اشاره شده است.

پویایی های دموگرافیک

جنسیت	زن	مرد
	٪۴۹,۶	٪۵۰

جدول ۲: نسبت اشتراک کنندگان بر اساس جنسیت

سکونت	روستایی	شهری
	٪۲۶,۵۵	٪۷۳,۳۵

جدول ۳: نسبت اشتراک کنندگان بر اساس محل سکونت

تفکیک ولایتی						
کابل	غزنی	جوزجان	کندهار	هرات	مزار	بامیان
٪۳۰,۱	٪۱۱,۷	٪۱۱,۷	٪۱۱,۷	٪۱۱,۷	٪۱۱,۷	٪۱۱,۷

جدول ۴: نسبت اشتراک کنندگان بر اساس ولایت

قومیت					
تاجیک	پشتون	هزاره	ازبیک	مختلط	سایر
٪۲۶,۹	٪۲۷,۳	٪۲۶,۸	٪۱۶,۱	٪۰,۸	٪۲,۲

جدول ۵: نسبت اشتراک کنندگان بر اساس قومیت

گروه سنی			
۱۸ - ۳۰ سال	۳۱ - ۴۵ سال	۴۶ - ۶۰ سال	۶۱ به بالا
۶۲,۴٪	۲۴,۴٪	۱۰,۸٪	۲,۴٪

جدول ۶: نسبت اشتراک کنندگان بر اساس سن

سطح تحصیلات						
بی سواد	مکتب	مکتب متوسطه	لیسه	لیسانس	ماستری و دکترا	تحصیلات دینی
٪۱۸,۷	٪۸,۹	٪۸,۸	٪۲۳,۷	٪۳۴,۳	٪۴,۲	٪۱,۵

جدول ۷: نسبت اشتراک کنندگان بر اساس تحصیلات

اشتغال					
بیکار	شاگرد دانشگاه	زن خانه دار	سکتور خصوصی	سکتور دولتی	سایر موارد

٪۲۰,۷	٪۱۴,۵	٪۱۰,۹	٪۳۳,۸	٪۱۷,۵	٪۲,۵
-------	-------	-------	-------	-------	------

جدول ۸: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس اشتغال

سطح درآمد (به افغانی)	
بالاتر از ۱۰۰۰۰۰	۰,۹٪
۷۱۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	۱,۵٪
۴۱۰۰۰-۷۰۰۰۰	۷,۳٪
۲۱۰۰۰-۴۰۰۰۰	۱۳,۳٪
۱۱۰۰۰-۲۰۰۰۰	۳۳,۲٪
۱-۱۰۰۰۰	۴۳,۹٪

جدول ۹: نسبت اشتراک‌کنندگان بر اساس درآمد

داده‌های مربوط به مصاحبه‌های کیفی

ولایات	تعداد کل نامزدان انتخابات پارلمانی که مصاحبه	تعداد نامزدان زن که مصاحبه
فراه	۳	۱
نیمروز	۳	۱
دایکندی	۳	۱
فاریاب	۳	۱
بدخشان	۳	۱
پکتیا	۳	۱

جدول ۱۰: داده‌های اشتراک‌کنندگان در مصاحبه کیفی

محدودیت‌های پژوهش

در رابطه با دموگرافیک‌های این نظرسنجی چند رفع مسئولیت وارد است. در حالی که هر گونه تلاش برای به دست آوردن دیدگاه‌های طیف وسیعی از مردم صورت گرفت، این پژوهش اما با محدودیت‌های خاصی نیز مواجه شد. اول این‌که ناامنی در مناطق خاصی از کشور به‌ویژه مناطق روستایی، انجام نظرسنجی را در این مناطق غیرممکن ساخت. در نتیجه، درصد افراد نظرسنجی‌شده تقریباً سه‌چهارم از مناطق شهری و یک‌چهارم از مناطق روستایی‌اند. در حالی که این رقم

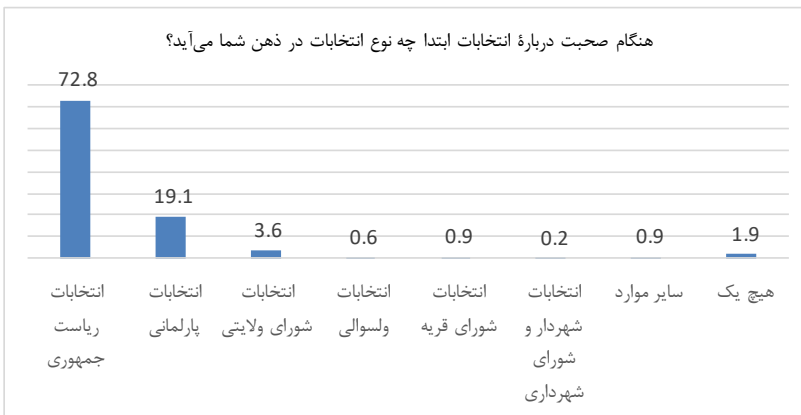
نشان‌دهنده جمعیت نسبتاً بزرگ شهری است، اما با توجه به این‌که تعداد زیادی از شهروندان افغانستان خارج از مناطق شهری زندگی می‌کنند، نظرسنجی بیشتر از مناطق دورافتاده مطلوب بود. دوم این‌که دسته‌های قومیت، اشتغال و سطح تحصیلات، با این‌که به صورت متغیری پخش است، اما از دسته‌های دموگرافیکی کشور نمایندگی نمی‌کند. چالش‌ها و اتفاقات غیرمترقبه که در انجام نظرسنجی در یک جامعه درگیر منازعه رخ می‌دهد، برای نظرسنجی این امر را که کاملاً با دموگرافیک کل نفوس هم‌خوانی داشته باشد، دشوار می‌کند. بنابراین، بهترین گزینه بعدی این بود که اطمینان حاصل شود نمایندگی وسیعی از رأی‌دهندگان تحت پوشش این نظرسنجی قرار بگیرد. علاوه بر این، یافته‌های این نظرسنجی با توجه به رده‌های مختلف، هنگامی که برای نشان‌دادن جزئیات یافته‌های نظرسنجی مربوط باشند، از هم تفکیک شده‌اند.

به طور کلی، این نظرسنجی تا امروز بزرگ‌ترین و سیستماتیک‌ترین پژوهش در مورد انتخابات پارلمانی افغانستان است که اطلاعات دقیقی در مورد تجربه رأی‌دهندگان، ترجیحات، تردیدها و تمایل به اصلاحات را پوشش می‌دهد. علاوه بر این، این مقاله یافته‌های این نظرسنجی را از طریق چارچوبی برای اصلاحات انتخاباتی تحلیل می‌کند.

یافته‌های نظرسنجی اصلاحات انتخاباتی

۱. شناسایی انتخابات پارلمانی

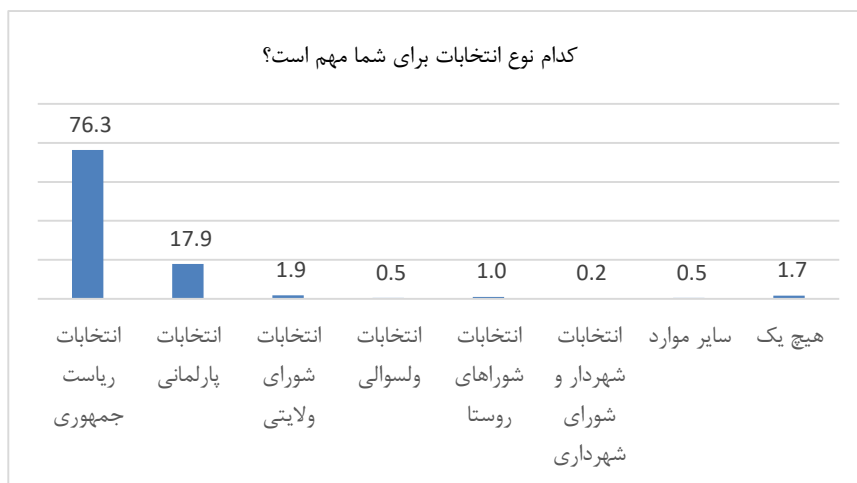
هرچند آمادگی برای برگزاری دور بعدی انتخابات پارلمانی روی دست است، وقتی از پاسخ‌دهندگان نظرسنجی پرسیده شد که «چه نوعی از انتخابات در ذهن شما اول خطور می‌کند»، اکثر آن‌ها (۷۲ درصد) گفتند وقتی صحبت از انتخابات می‌شود، آن‌ها به انتخابات ریاست جمهوری فکر می‌کنند. در مقایسه، تنها ۱۹ درصد از پاسخ‌دهندگان به انتخابات پارلمانی اشاره کردند. حدود ۳ درصد از پاسخ‌دهندگان به انتخابات شورای ولایتی اشاره کردند و ۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که وقتی صحبت از انتخابات می‌شود، چیزی به ذهن‌شان نمی‌رسد. (شکل ۱)



شکل ۳۳: انتخابات و مردم

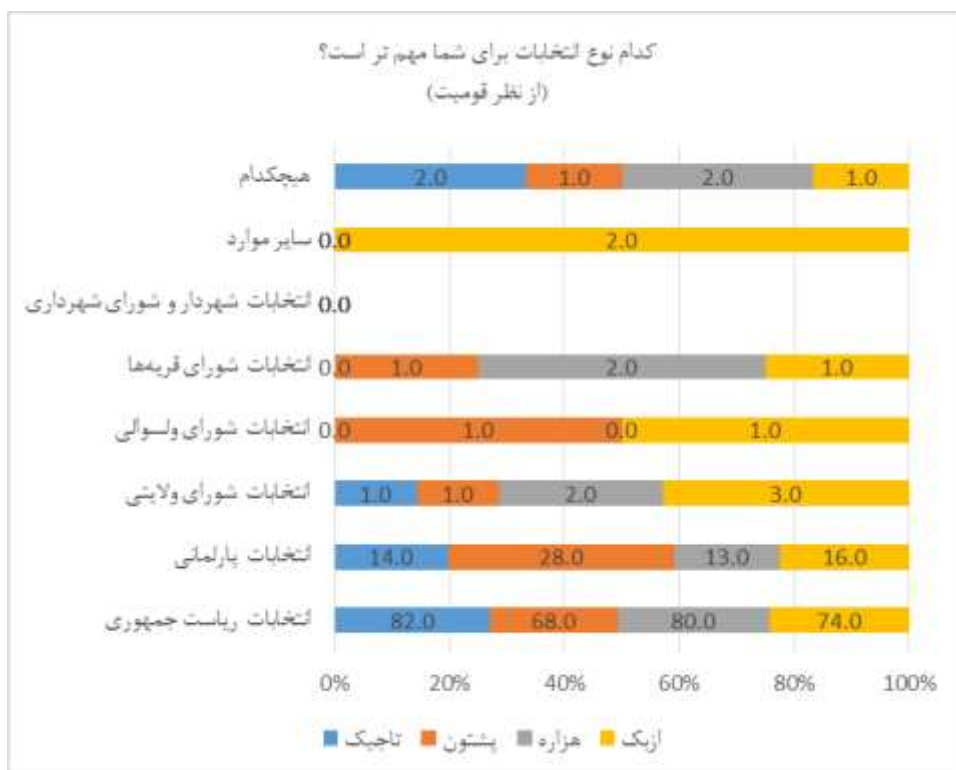
این روند با پاسخ‌های داده‌شده به سؤال در مورد «مهم‌ترین نوع انتخابات» متناقض نیست. اکثر پاسخ‌دهندگان (۷۶ درصد) گفته‌اند که آن‌ها «انتخابات ریاست جمهوری» را مهم‌ترین نوع انتخابات می‌دانند، در حالی که ۱۷ درصد از پاسخ‌دهندگان «انتخابات پارلمانی» را به عنوان مهم‌ترین نوع انتخابات فکر می‌کنند. تنها ۱ درصد از پاسخ‌دهندگان در این رابطه از «انتخابات شورای ولایتی» نام برده‌اند و ۱ درصد آن‌ها هم «انتخابات شوراهای روستا» را به عنوان مهم‌ترین نوع انتخابات نام برده‌اند. در ضمن، ۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که فکر نمی‌کنند کدام نوعی از انتخابات مهم باشد. یک پاسخ‌دهنده در مورد این مسئله چنین نظر داده است: «با توجه به این واقعیت که هیچ

کس به خدمت به مردم اهمیت نمی‌دهد، من هم برای هیچ یک از انواع انتخابات اهمیتی قائل نیستم.» (شکل ۲)



شکل ۳۴: اهمیت نوع انتخابات

با نگاهی به تفاوت میان قومیت‌ها، پاسخ‌دهندگان پشتون (۲۸ درصد) بیشتر از پاسخ‌دهندگان دیگر اقوام گفته‌اند که انتخابات پارلمانی مهم‌ترین نوع انتخابات است. در مقایسه، ۱۶ درصد پاسخ‌دهندگان ازبیک، ۱۴ درصد پاسخ‌دهندگان تاجیک و ۱۳ درصد پاسخ‌دهندگان هزاره، انتخابات پارلمانی را مهم‌ترین نوع انتخابات در نظر دارند. (شکل ۳)



شکل ۳۵: اهمیت نوع انتخابات (از نظر قومیت)

به طور نسبی، بیشتر پاسخ‌دهندگان از ولایت کندهار (۵۴ درصد) نسبت به پاسخ‌دهندگان سایر ولایات، از انتخابات پارلمانی به عنوان مهم‌ترین نوع انتخابات نام بردند. در مقایسه پاسخ‌دهندگان، از ولایت کابل ۱۳ درصد، از غزنی ۱۰ درصد، از جوزجان ۲۰ درصد، از هرات ۶ درصد، مزار ۱۲ درصد و بامیان ۱۵ درصد به این باورند که انتخابات پارلمانی مهم‌ترین نوع انتخابات است. زنان بیشتر (۲۲ درصد) از مردان (۱۳ درصد) فکر می‌کنند که انتخابات پارلمانی مهم‌ترین نوع انتخابات است. اما نظرات پاسخ‌دهندگان شهری و روستایی در پاسخ به این سؤال تفاوت قابل ملاحظه‌ای ندارد.^{۵۱}

آموزش درباره رأی‌دهی

حدود ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان گزارش داده‌اند که در مورد روند رأی‌دهی یک روز قبل یا در روز انتخابات آموزش دیده‌اند یا به آن‌ها کمک شده است. در حالی که ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان

۵۱. دشواری تفسیر یافته‌ها از پاسخ‌دهندگان «روستایی» در برابر پاسخ‌دهندگان «شهری» در این پژوهش، در بخش «مشارکت روستایی و شهری» توضیح داده شده است.

گفته‌اند که این کار (آموزش یا کمک) در مورد آن‌ها صورت نگرفته است. از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که: کدام نهاد آن‌ها را آموزش داده یا در رأی‌دهی به آن‌ها کمک کرده است؟ اکثر پاسخ‌دهندگان (۲۵ درصد) گفتند که قبل از روز انتخابات، آن‌ها در کارگاه‌هایی که از سوی «کمیسیون انتخابات» برگزار شده بود، یاد گرفتند که چگونه رأی بدهند. در حدود ۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گزارش دادند که قبل از روز انتخابات، آن‌ها در کارگاه‌هایی که از سوی یک «حزب سیاسی» برگزار شده بود، یاد گرفتند که چگونه رأی بدهند. و حدود ۴ درصد دیگر از پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها در نشست‌هایی که از سوی نامزدان مورد علاقه‌شان برگزار شده بود، رأی‌دادن را یاد گرفتند. حدود ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که قبل از روز انتخابات آن‌ها در «کارگاه‌هایی که از سوی کدام NGO برگزار شده بود»، یاد گرفتند که چگونه رأی بدهند؛ و ۲۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها «از اعضای خانواده و دوستان‌شان» آموختند که چگونه رأی بدهند. در عین حال، ۱۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که در روز انتخابات «یک مقام رسمی در مرکز رأی‌گیری» به آن‌ها در رأی‌دادن کمک کرده است. حدود ۶ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که در روز انتخابات آن‌ها برای رأی‌دادن از «کمک یک رأی‌دهنده دیگر» برخوردار شده‌اند. چهار درصد دیگر از پاسخ‌دهندگان گزارش دادند که در روز انتخابات «برخی کمپاینران انتخاباتی وابسته به نامزدان مورد نظرشان» به آن‌ها در روند رأی‌دهی کمک کرده‌اند. حدود ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان از منابع دیگر نظیر تلویزیون نام بردند که در رأی‌دهی به آن‌ها کمک کرده است (شکل ۵). این داده‌ها نشان می‌دهد که تعداد زیادی از رأی‌دهندگان فاقد آگاهی در مورد روند رأی‌دهی هستند و بنابراین به دیگران رو می‌آورند، که برخی از آن‌ها با رأی‌دهنده مذکور تضاد منافع واضح دارند.



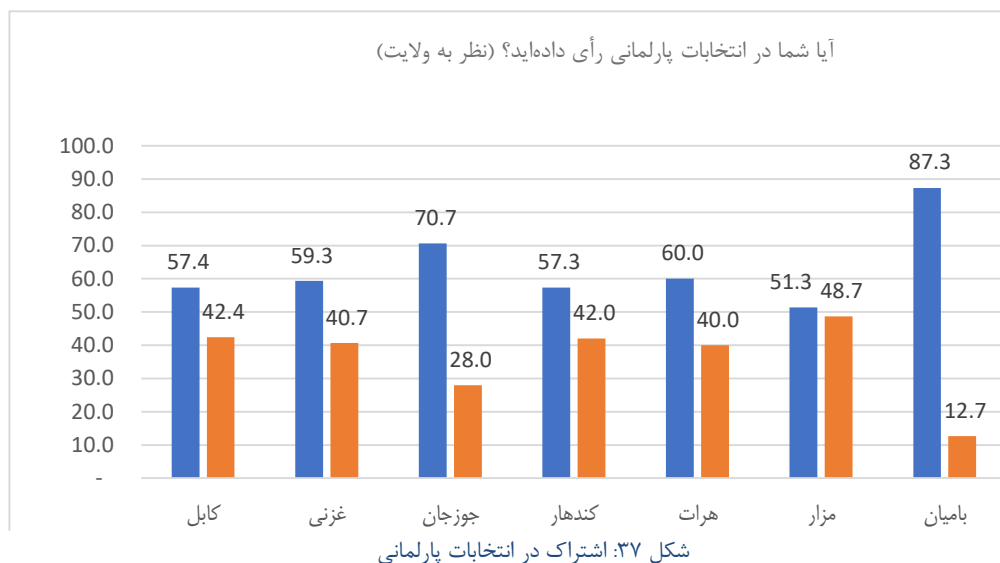
شکل ۳۶: آموزش روش رای‌دهی

همان طور که می‌توان مشاهده کرد، ظاهراً کمیسیون انتخابات کار نسبتاً شایسته‌ای را در آموزش مردم در مورد نحوه رای‌دادن در انتخابات پارلمانی انجام داده است. در مقایسه، سایر سازمان‌های رسمی از جمله احزاب سیاسی در روند آموزش انتخاباتی خیلی فعال نبوده‌اند. بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان از شبکه شخصی خود (خانواده و دوستان) در مورد روند رای‌دهی آگاهی یافته‌اند. داده‌ها نشان می‌دهد که رای‌دهندگان ناآگاه در روز انتخابات نسبت به دست‌کاری بالقوه غیرقانونی رای‌شان از سوی نیروهای دخالت‌کننده (مانند کمپاینر انتخاباتی، سایر رای‌دهندگان و مقامات در مراکز رای‌گیری) آسیب‌پذیر بوده‌اند.

سطح اشتیاق برای انتخابات پارلمانی

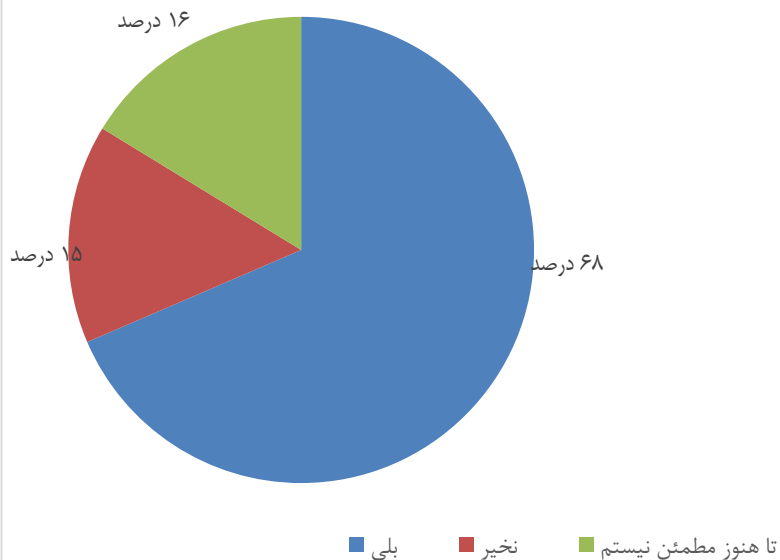
در این نظرسنجی ۶۲ درصد از پاسخ‌دهندگان گزارش دادند که در انتخابات پارلمانی قبلی رای داده‌اند، در حالی که ۳۷ درصد گفته‌اند که رای نداده‌اند. در مقایسه با تاجیک‌ها (۶۲ درصد)، پشتون‌ها (۵۳ درصد) و ازبیک‌ها (۶۲ درصد)، بیشتر پاسخ‌دهندگان هزاره (۶۹ درصد) گفته‌اند که در انتخابات پارلمانی دور قبل رای داده‌اند. از نظر ولایت، پاسخ‌دهندگان بیشتر از ولایت بامیان (۸۲

درصد) نسبت به پاسخ‌دهندگان هر ولایت دیگر گزارش داده‌اند که در انتخابات پارلمانی رأی داده‌اند. (شکل ۴)



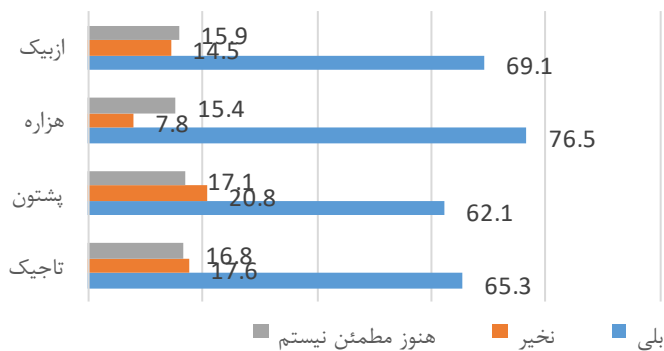
میزان بالای مشارکت در انتخابات پارلمانی در ولایت بامیان تا حدی به محیط نسبتاً امن این ولایت نسبت دارد. مشارکت بالا همچنین با این واقعیت مرتبط است که بامیان بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان هزاره (که در این نظرسنجی مصاحبه شده‌اند) را در خود جا داده است که بالاترین میزان مشارکت در انتخابات پارلمانی را از میان جوامع مختلف قومی گزارش داده‌اند. اکثر پاسخ‌دهندگان (۶۸ درصد) گفته‌اند که مایل هستند در انتخابات پارلمانی پیش‌رو شرکت کنند، در حالی که ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که در دور بعدی انتخابات پارلمانی شرکت نخواهند کرد. در ضمن حدود ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که هنوز در این مورد مطمئن نیستند. (شکل ۶)

تمایل به رأی‌دهی در انتخابات پارلمانی پیش‌رو



شکل ۳۸: تمایل به اشتراک در انتخابات پارلمانی پیش‌رو

تمایل به رأی‌دادن در انتخابات پارلمانی پیش‌رو (از لحاظ قومیت)



شکل ۳۹: تمایل به اشتراک در انتخابات پارلمانی پیش‌رو (به اساس قومیت)

در حالی که نسبت به پاسخ‌دهندگان از سایر اقوام، پاسخ‌دهندگان پشتون بیشتر به انتخابات پارلمانی به عنوان مهم‌ترین نوع انتخابات اشاره کردند، اما پاسخ‌دهندگان پشتون (۶۲ درصد) کمتر از سایر قومیت‌ها گفته‌اند که مایل به اشتراک و رأی‌دهی در انتخابات پارلمانی پیش‌رو هستند. پاسخ‌دهندگان از قومیت هزاره بیشتر از پاسخ‌دهندگان سایر قومیت‌ها اعلام کرده‌اند که قصد رأی‌دادن در انتخابات پارلمانی پیش‌رو را دارند. (شکل ۷)

سطح فعلی علاقه جوامع مختلف قومی به شرکت در انتخابات پارلمانی پیش‌رو ممکن است به عوامل متعددی از قبیل ذهنیت فرهنگی، وضعیت امنیتی و سواد انتخاباتی در حوزه‌های مختلف انتخاباتی نسبت داشته باشد.

هنگامی که از نقش انتخابات در اداره کشور پرسیده شد، پاسخ‌دهندگان کلیدی نقش مهم خود را در عملکرد مناسب دولت بیان کردند. یک پاسخ‌دهنده اظهار داشت: «انتخابات اعضای پارلمانی توسط مردم جنبه‌های مثبت زیادی دارد. آن‌هایی که از سوی مردم انتخاب می‌شوند، مشکلات و دردهای مردم را بهتر می‌دانند. انتخابات پارلمانی به مشکلات آمیخته در یک ملت - دولت کمک می‌کند.»^{۵۲} یکی دیگر از پاسخ‌دهندگان اظهار داشت: «انتخابات به طور عموم صرف‌نظر از دامنه و کیفیت آن یک پدیده مثبت است. اشتراک در انتخابات یک وظیفه اخلاقی است. انتخابات برای مردم تا بتوانند رهبران خود را انتخاب و قوانین را تعیین کنند، نیاز است.»^{۵۳}

با این وجود، پاسخ‌دهندگان همچنین در مورد سیستم انتخابات کنونی ابراز تردید کردند. سطح پایین سواد در میان کاندیداهای پارلمانی، فقدان دانش سیاسی در میان رأی‌دهندگان و فقر دیگر عوامل مخرب عمده‌اند که می‌توانند بر کل روند تأثیر منفی بگذارند. «دو عامل باعث می‌شود که روند انتخابات به بن‌بست بخورد: فقر و ناامنی. به خاطر فقر روی رأی‌گیری از طریق خرید و فروش آرا در برابر پول به خرابی کشیده می‌شود. از سوی دیگر، جنگ‌سالاران و افراد قدرت‌مند این روند را از طریق ارباب و ترور تهدید می‌کنند.»^{۵۴} موجودیت فساد به طور گسترده در جریان روند انتخابات ملاحظه می‌شود. «تقلب گسترده و فریب‌کاری مهم‌ترین چالش سد راه انتخابات پارلمانی است.

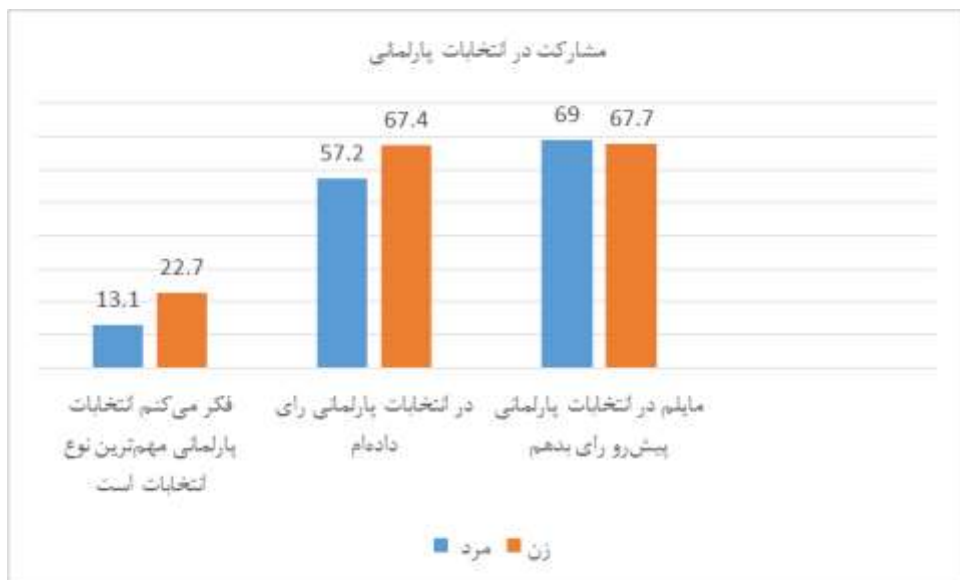
۵۲. جمعه‌خان ناصر، نامزد مستقل از ولایت نیمروز.

۵۳. عبدالطیف پدرام، نامزد حزب سیاسی از ولایت بدخشان.

۵۴. فرهاد ایثار، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

متأسفانه خرید و فروش رأی در انتخابات یک پدیده گسترده است. مردم می‌توانند چندین بار رأی دهند و هیچ کس به آن توجه نکند. دولت می‌تواند این را متوقف کند، اما نمی‌کند.»^{۵۵}

مشارکت مرد و زن

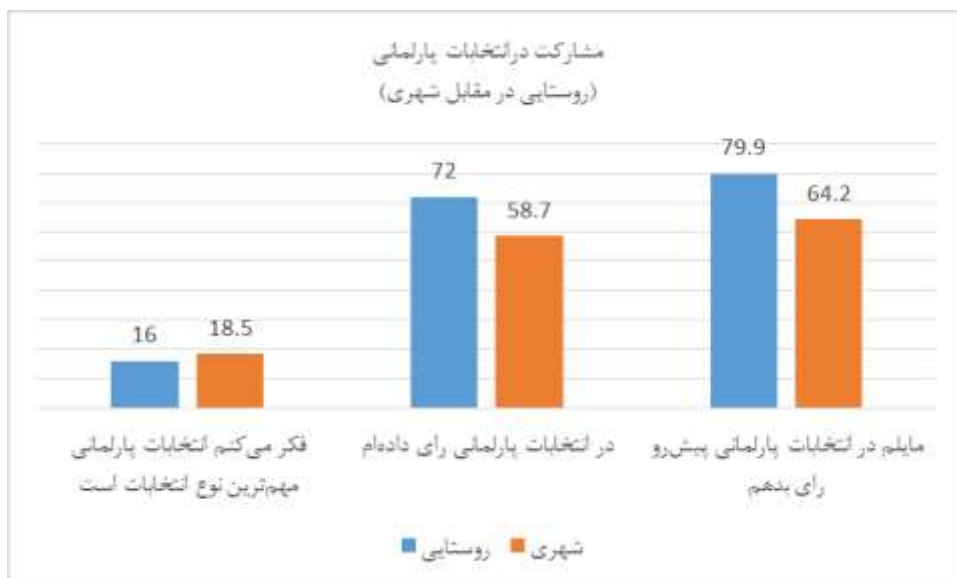


شکل ۴۰: مشارکت در انتخابات پارلمانی (از نظر جنسیت)

داده‌ها نشان می‌دهد که پاسخ‌دهندگان زن بیشتر درگیر انتخابات پارلمانی‌اند و در جنبه‌های خاصی، از پاسخ‌دهندگان مرد پیشی گرفته‌اند. (شکل ۸) بعداً در این گزارش نشان داده خواهد شد که مشارکت زنان در انتخابات پارلمانی از سوی اکثر پاسخ‌دهندگان مرد نیز حمایت می‌شود. (شکل‌های ۳۳ و ۳۴)

۵۵. گل احمد فراهی، نامزد مستقل از ولایت فراه.

مشارکت روستایی و شهری



شکل ۴۱: مشارکت در انتخابات پارلمانی (نظر به محل سکونت)

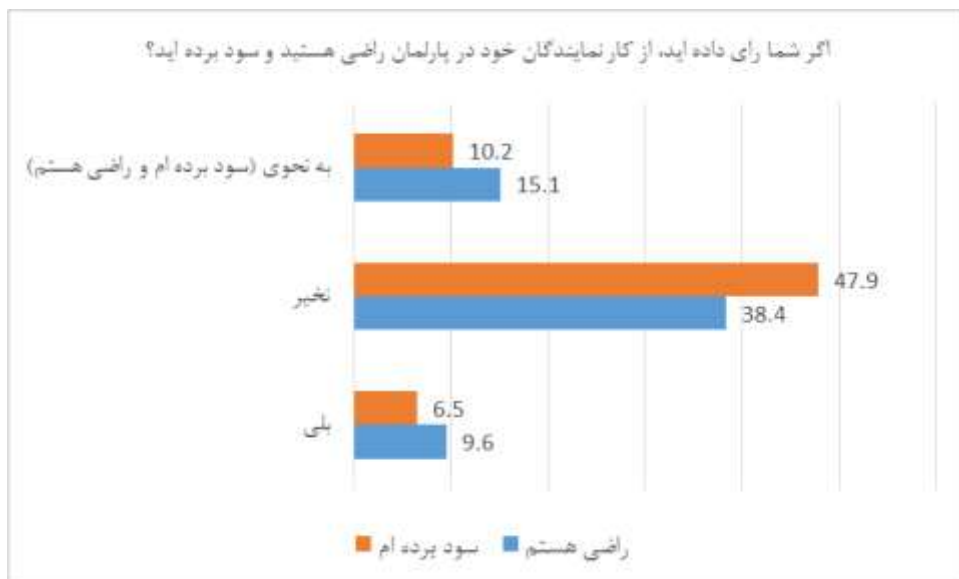
به طرز غافلگیرکننده‌ای پاسخ‌دهندگان روستایی (۷۲ درصد) بیشتر از پاسخ‌دهندگان شهری (۵۸ درصد) و پاسخ‌دهندگان زن (۶۷ درصد) بیشتر از پاسخ‌دهندگان مرد (۵۷ درصد) گزارش داده‌اند که در انتخابات پارلمانی رأی داده‌اند. برای این یافته شگفت‌آور ممکن است توضیحاتی وجود داشته باشد. اول این‌که همان‌طور که در شکل ۱۷ ذکر شده است، زنان بیشتر از مردان گفته‌اند که از برنامه سیاسی نامزدان خود آگاهی دارند؛ که در نتیجه [این آگاهی] به آن‌ها انگیزه بیشتری برای رأی‌دادن می‌دهد. دوم این‌که در مناطق روستایی، اقدامات گروهی قوی‌تر دانسته می‌شود و در نتیجه وقتی رهبران جامعه به بسیج مردم برای رأی‌دهی اقدام می‌کنند، احتمالاً در این‌که اعضای جامعه خود را به پای صندوق‌های رأی بیاورند، موفق‌ترند. با این وجود، ممکن است متناوباً این بحث مطرح شود که این یافته‌ها در مورد الگوهای رأی‌گیری شهری و روستایی ممکن است گمراه‌کننده باشد. همان‌طور که در بخش روش پژوهش ذکر شد، مناطق روستایی‌ای که نظرسنجی شده‌اند در مناطق امن‌تر موقعیت دارند، اما چنین محدودیتی در نظرسنجی مناطق شهری وجود نداشت. افرادی که در مناطق روستایی امن‌تر زندگی می‌کنند، عزم خاصی برای رأی‌دادن دارند؛ زیرا آگاه‌اند که در مناطق ناامن تعداد کمتری از رأی‌دهندگان به پای صندوق‌های رأی خواهند رفت؛ و در نتیجه، کاندیداهای مناطق ناامن رقیب جدی برای آن‌ها نخواهند بود. پژوهش‌های بعدی در آینده ممکن است به تشخیص

دقیق‌تر انگیزه رأی‌دهندگان که منجر به این الگوی شگفت‌انگیز در مورد رأی‌گیری شده است، کمک کند.

۲. پاسخ‌گویی و نمایندگی

سطح رضایت از عملکرد نمایندگان مجلس

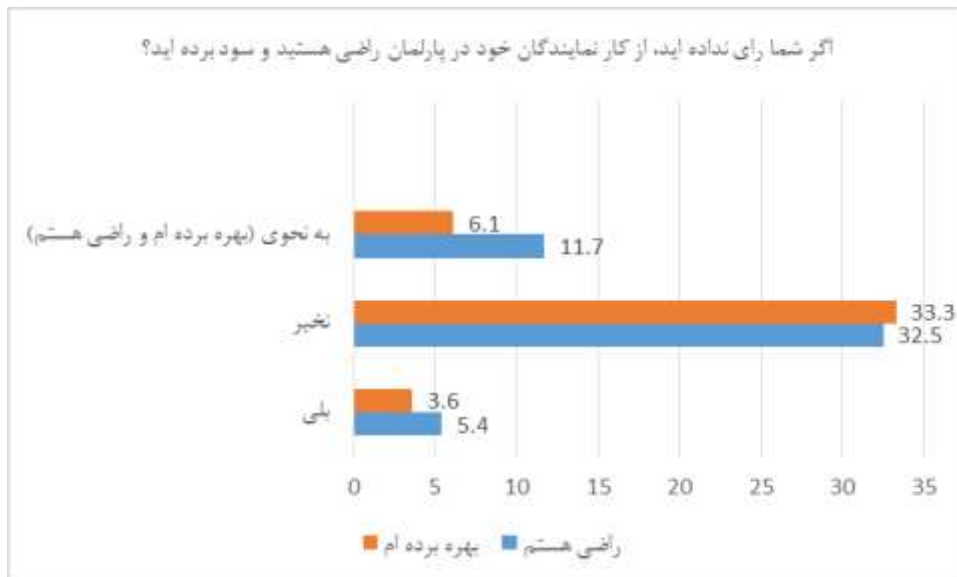
اکثر پاسخ‌دهندگان که در انتخابات پارلمانی رأی داده‌اند، از عملکرد نمایندگان‌شان در پارلمان ابراز «نارضایتی» کرده‌اند. فقط ۹ درصد از کل پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که آن‌ها «راضی» هستند و ۱۵ درصد گفته‌اند که آن‌ها «به نحوی راضی» هستند. از همین طبقه از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که آیا آن‌ها از تلاش‌های یکی از نمایندگان‌شان در مجلس هیچ سودی برده‌اند یا خیر؟ حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان (۴۷ درصد) گفتند که از تلاش نمایندگان‌شان در پارلمان هیچ بهره‌ای نبرده‌اند. بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان (۶ درصد) گفتند که آن‌ها از تلاش نمایندگان‌شان در مجلس بهره‌مند شده‌اند و ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها «به نحوی سود برده‌اند». (شکل ۱۰)



شکل ۴۲: کسانی که راضی‌اند و سود برده‌اند (رای داده‌اند).

این روند با پاسخ‌های داده‌شده از سوی آن عده از پاسخ‌دهندگانی که در انتخابات پارلمانی رأی نداده‌اند، سازگار است. اکثر پاسخ‌دهندگانی که در انتخابات پارلمانی رأی نداده‌اند (۳۲ درصد) تأکید

کرده‌اند که از عملکرد نمایندگان مجلس رضایت ندارند و حدود ۳۳ درصد گزارش داده‌اند که آن‌ها از تلاش نمایندگان مجلس نفعی نبرده‌اند. تنها ۵ درصد این گروه از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که از عملکرد نمایندگان مجلس رضایت دارند و ۳ درصد آن‌ها گفته‌اند که از تلاش نمایندگان مجلس سود برده‌اند. حدود ۱۱ درصد این طبقه از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که آن‌ها «به نحوی رضایت دارند» و ۶ درصد از آن‌ها هم گفته‌اند که از تلاش‌های نمایندگان مجلس «به نحوی سود برده‌اند.» (شکل ۱۱)



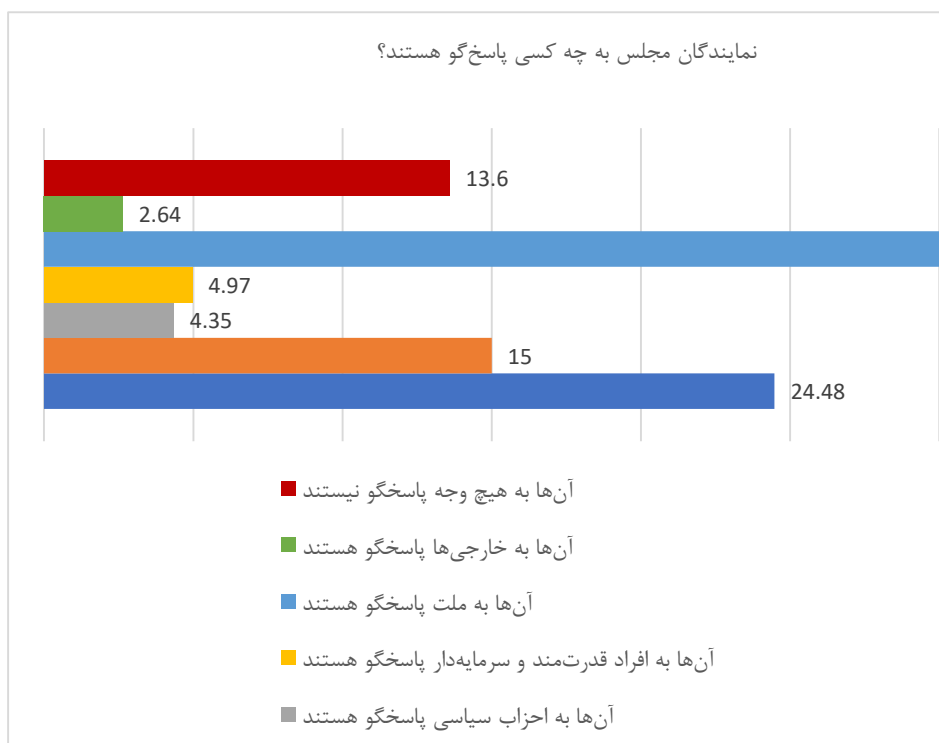
شکل ۴۳: کسانی که راضی‌اند و سود برده‌اند (رای داده‌اند).

واضح است که نارضایتی از عملکرد نمایندگان مجلس، هم در میان پاسخ‌دهندگان که در انتخابات پارلمانی رأی داده‌اند و هم در میان آن‌هایی که رأی نداده‌اند، روند غالب است. سطح شدید نارضایتی در میان کسانی که رأی نداده‌اند، می‌تواند تا حدی در وهله اول عدم علاقه آن‌ها به رأی‌دهی را توضیح دهد. از سوی دیگر، این واقعیت که در میان هر دو گروه پاسخ‌دهندگان، میزانی از نارضایتی از کار نمایندگان مجلس وجود دارد، می‌تواند به عنوان موفقیت جزئی اعضای پارلمانی در خدمت به منافع رأی‌دهندگان، تفسیر شود.

کی به چه کسی پاسخ‌گو است؟

از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که: فکر می‌کنند نمایندگان مجلس به کی‌ها پاسخ‌گو هستند؟ یک بخش قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌دهندگان (۳۱ درصد) گفتند که «آن‌ها به ملت پاسخ‌گو هستند»، در

حالی که ۲۴ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «آنها به حوزه‌های انتخاباتی خود پاسخ‌گو هستند.» حدود ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که «آنها به رئیس‌جمهور پاسخ‌گو هستند» و ۴ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که «آنها به احزاب سیاسی پاسخ‌گو هستند.» در همین حال ۱۳ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که «آنها به هیچ وجه پاسخ‌گو نیستند.» حدود ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که «آنها به مردم قدرت‌مند و سرمایه‌دار پاسخ‌گو هستند»، در حالی که بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان (۲ درصد) معتقدند که نمایندگان مجلس «به خارجی‌ها پاسخ‌گو هستند.» (شکل ۱۲) چند تن از پاسخ‌دهندگان در رابطه با این موضوع گفتند که «نمایندگان مجلس فقط به منافع و امتیازات شخصی خود فکر می‌کنند.»



شکل ۴۴: پاسخ‌گویی نمایندگان مجلس

روند غالب نشان می‌دهد که به طور عموم پاسخ‌دهندگان به شدت بر این باورند که نمایندگان مجلس باید به مردم پاسخ‌گو باشند. این واقعیت که تنها ۲۵ درصد از پاسخ‌دهندگان می‌دانستند که مسئولیت اصلی و عمده نمایندگان مجلس متوجه حوزه‌های انتخاباتی‌شان است، حاکی از فقدان اساسی دانش در مورد هدف انتخابات است. علاوه بر این، از آنجا که پارلمان نقش نظارت و کنترل بر

قوه مجریه را عهده‌دار است، این مسئله که ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان احساس می‌کنند که نمایندگان مجلس باید به رئیس‌جمهور پاسخ‌گو باشند، نگران‌کننده است.

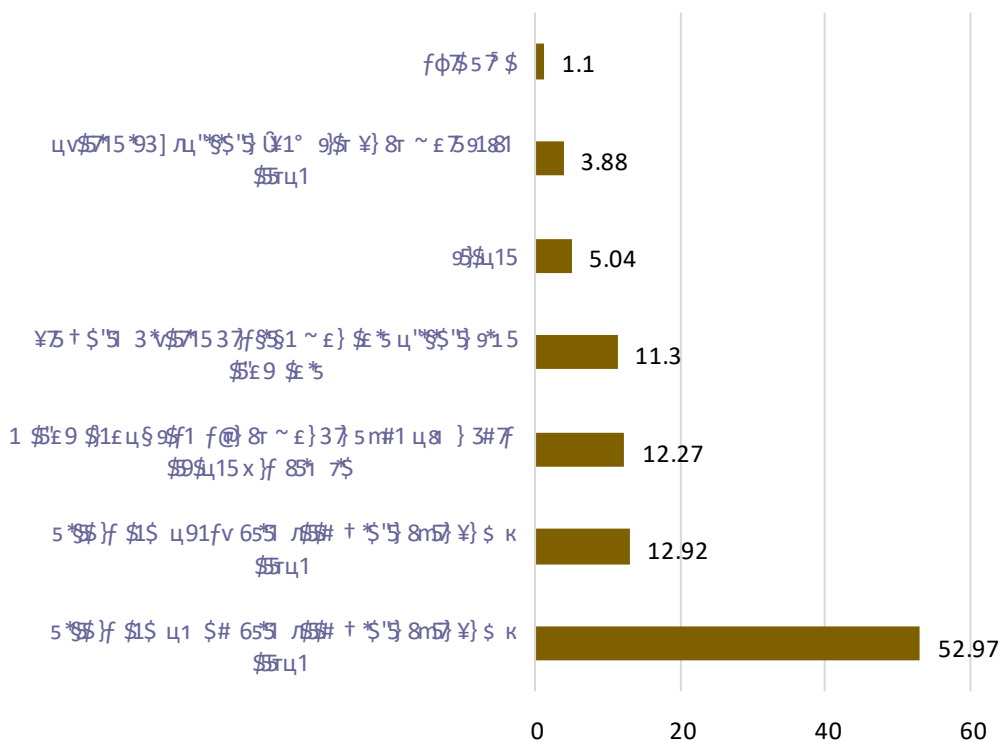
دلایل عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس

از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که دلایل اصلی عملکرد ضعیف نمایندگان پارلمان چیست. از دید حدود ۵۳ درصد پاسخ‌دهندگان، دلیل اصلی عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس این است که «پس از این‌که نامزدان به عنوان نمایندگان مجلس انتخاب شدند، آن‌ها به دنبال منافع شخصی‌شان می‌روند». حدود ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که «نمایندگان مجلس یکبار که انتخاب شدند به دنبال منافع گروهی خود می‌روند». یکی دیگر از دلایل مهم عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس، نرخ پایین سواد در میان رأی‌دهندگان گفته می‌شود: «ریشه اصلی این مشکل این است که اکثر مردم بی‌سواد هستند و خالصانه رأی نمی‌دهند» (۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان). حدود ۱۱ درصد از پاسخ‌دهندگان تأکید کردند که «نظام انتخاباتی فاسد است و از این‌رو نمایندگان منتخب نیز فاسد هستند». در مقابل تنها ۳ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که «معلوم نیست از کدام حوزه انتخاباتی آن‌ها نمایندگی می‌کنند». حدود ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که آن‌ها [دلیل عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس را] «نمی‌دانند»، در حالی که ۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از گزینه‌های دیگر نام بردند. برخی از نظرات پاسخ‌دهندگان: «اکثر نمایندگان مجلس دانش مناسب و مهارت لازم را برای اداره امور مجلس به صورت مناسب ندارند؛ آن‌ها افراد بی‌سواد هستند.» «مشکل این است که نمایندگان مجلس به جناح‌های مختلف تقسیم شده‌اند.» «سیاست‌ورزی قومی غالب در داخل مجلس، علت اصلی این مشکل است.» «آن‌ها در انتخابات تقلب کرده‌اند، بنابراین آن‌ها نمایندگان واقعی مردم نیستند.» یکی از پاسخ‌دهندگان به‌ویژه در مورد این مسئله چنین گفت: «به خاطر این‌که آن‌ها وعده‌های خود را برآورده نمی‌کنند، آن‌ها به عنوان نمایندگان مردم قابل‌اعتماد نیستند.» (شکل ۱۳)

از داده‌ها می‌توان تفسیر کرد که قطع ارتباط میان نمایندگان مجلس و رأی‌دهندگان پس از انتخابات یک عامل سببی مهم برای عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس است. نمایندگان مجلس از منافع

شخصی و گروهی خود پیروی می کنند و اساساً هیچ کسی نیست که آن ها را پاسخ گو نگه دارد. اکثر پاسخ دهندگان احساس می کنند که نمایندگان مجلس باید به خاطر عملکرد ضعیف شان مقصر شناخته شده و سرزنش شوند. در این راستا دیدگاه های پاسخ دهندگان از طبقه های مختلف دموگرافیک تفاوت چشمگیری ندارد.

دلایل اصلی عملکرد ضعیف نمایندگان منتخب در شورای ملی چیست؟



شکل ۴۵: دلایل اصلی ضعف نمایندگان

این یافته با دیگر یافته ها در شکل های ۱۰ و ۱۱ در مورد نارضایتی افراد از نمایندگان مجلس مرتبط است. افراد بسیاری معتقدند که نمایندگان مجلس فاقد پاسخ گویی و حساب دهی اند و یک بار که انتخاب شدند، دست شان باز گذاشته می شود.

عملکرد نامطلوب نمایندگان برحال مجلس به عنوان کمبودی عمده نظام فعلی دانسته می‌شود. یک نماینده پارلمان گفته است که: «در این وضعیت رأی‌دهندگان عادی نمی‌توانند آنچه را که می‌خواهند، به دست بیاورند. آن‌ها اعتقادی به انتخابات ندارند. آن‌هایی که در انتخابات پیشین پیروز شدند، مسئولیت‌های خود را برآورده نکردند. واقعیت این است که بسیاری از نامزدان در انتخابات پیشین با کمک احزاب سیاسی خاص با استفاده از کمک‌های مالی غیرقانونی پیروز شدند.»^{۵۶}

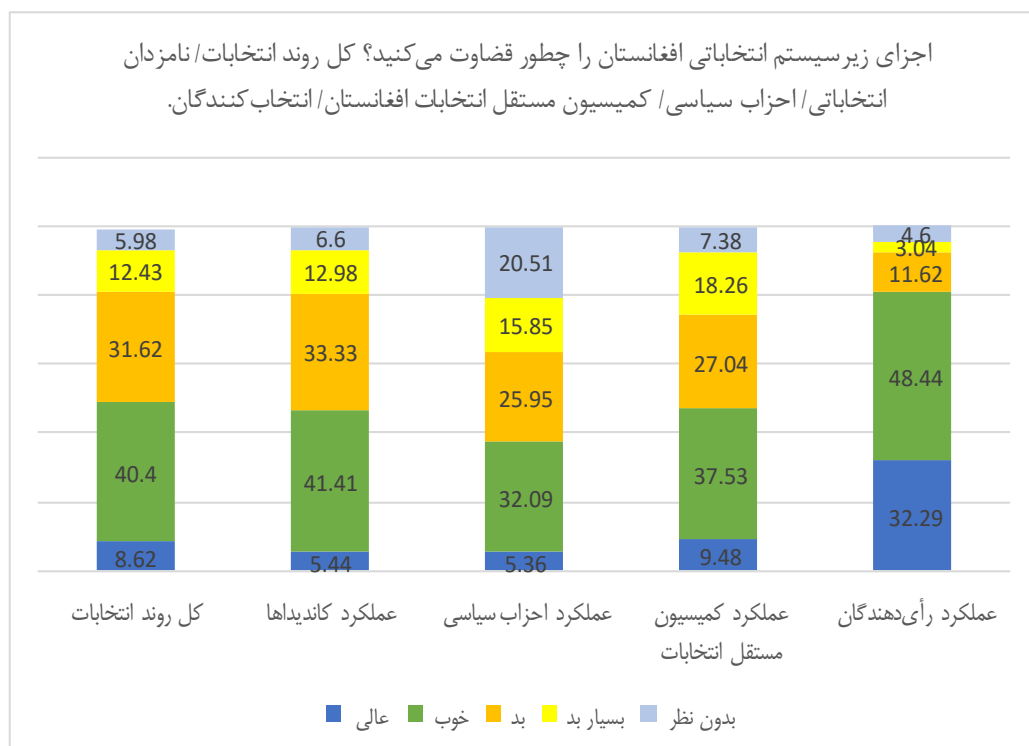
ارزیابی کلی از انتخابات پارلمانی قبلی

حدود ۳۹ درصد پاسخ‌دهندگان رضایت کامل و حدود ۱۹ درصد رضایت نسبی خود را از جنبه‌های تدارکاتی انتخابات قبلی از جمله زمان انتخابات و محل واقعی مراکز رأی‌گیری گزارش دادند. غافلگیرکننده این‌که تنها ۷ درصد پاسخ‌دهندگان ابراز نارضایتی کردند. این نشان می‌دهد که کمیسیون مستقل انتخابات در تعیین زمان و مکان انتخابات پارلمانی پیشین در حوزه‌های انتخاباتی مختلف عملکرد نسبتاً خوبی داشته است.

علاوه بر این‌که از پاسخ‌دهندگان خواسته شد در مورد روند انتخابات در کل ابراز نظر کنند، از آن‌ها پرسیده شد که نظر خود را در مورد عملکرد بازیگران مختلف در انتخابات پارلمانی دور قبل، از جمله رأی‌دهندگان عادی ابراز کنند. حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان (۴۸ درصد) نظر مثبتی در مورد روند کلی انتخابات داشتند، در حالی که نیمی دیگر از پاسخ‌دهندگان (۴۳ درصد) نظر منفی داشتند. در همین حال حدود ۶ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که نظری در این خصوص ندارند. این مسئله شبیه به ارزیابی عمومی از پاسخ‌دهندگان در عملکرد نامزدان پارلمان است. در حالی که حدود ۴۶ درصد پاسخ‌دهندگان نظر مثبتی در مورد عملکرد کاندیداها داشتند، حدود ۴۵ درصد آن‌ها نظر منفی داشتند. حدود ۴۰ درصد پاسخ‌دهندگان بر نظر منفی خود در مورد عملکرد احزاب سیاسی تأکید کردند، در حالی که ۳۷ درصد آن‌ها نظر مثبت داشتند. بخش قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌دهندگان (۲۰ درصد) اعلام کردند که آن‌ها در این مورد نظری ندارند.

۵۶. محمدحسن سرداش، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

در رابطه با عملکرد کمیسیون مستقل انتخابات، حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان (۴۶ درصد) نظر مثبت دارند و نیم دیگر آن‌ها یعنی حدود ۴۵ درصد، نظر منفی دارند.



شکل ۴۶: ارزیابی انتخابات پارلمانی پیشین

حدود ۷ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها نظری در مورد عملکرد کمیسیون مستقل انتخابات ندارند. جالب اینجاست که اکثر پاسخ‌دهندگان (۸۰ درصد) دید مثبتی نسبت به عملکرد رأی‌دهندگان دارند، در حالی که ۱۴ درصد پاسخ‌دهندگان بر نظر منفی خود در این مورد تأکید می‌کنند. حدود ۴ درصد از آن‌ها هم گفته‌اند که نظری در این خصوص ندارند. (شکل ۱۴)

داده‌ها به وضوح نشان می‌دهد که سطح آمادگی رأی‌دهندگان در انتخابات پارلمانی پیشین بیش از همه عوامل و بازیگران دخیل در این روند بوده است. علاوه بر این، این اطلاعات نشان می‌دهد که برداشت افراد از روند انتخابات نسبت به برداشت آن‌ها از عملکرد نمایندگان مجلس متفاوت دیده شده است. پاسخ‌دهندگان تا حد زیادی از روند انتخابات راضی بودند، گرچه آن‌ها عمدتاً از عملکرد مقامات منتخب خود رضایتی نداشتند. (شکل ۱۰ و ۱۱)

نامزدانی که مصاحبه شده‌اند، نسبت به تغییر پیوسته قوانین مربوط به شرکت در انتخابات، ابراز نارضایتی و سرخوردگی کردند. یکی از آن‌ها گفت که: «هر روز کمیسیون مستقل انتخابات از برخی مقررات جدید حرف می‌زند. یک بار آن‌ها گفتند که افراد برای ثبت‌نام به عنوان رأی‌دهندگان انتخابات، باید تذکره خود را ارائه کنند. سپس آن‌ها قوانین را تغییر داده و گفتند که نسخه کاپی تذکره برای ثبت‌نام کافی است. بعد دوباره آن‌ها خواهان نسخه اصلی تذکره شدند و گفتند که باید برچسب زده شود. مردم به کمیسیون انتخابات اعتماد ندارند.»^{۵۷} سایر پاسخ‌دهندگان در مورد این که صدای رأی‌دهندگان در روند انتخابات نادیده گرفته شده است، ابراز نظر کردند: «رأی‌دهندگان در هسته هر انتخابات قرار دارند. امیدوارم که رأی‌دهندگان آنچه را می‌خواهند به دست بیاورند. اما من به هیچ‌وجه خوش‌بین نیستم. رأی‌دهندگان عادی از نقش مهمی در ساختار قدرت برخوردار نیستند. در انتخابات ریاست‌جمهوری قبلی، آن‌ها آرای رأی‌دهندگان را نادیده گرفتند و متعاقباً دولت ائتلافی تشکیل دادند.»^{۵۸}

به گفته این نامزدان، چالش اصلی کمیسیون مستقل انتخابات این است که چگونه مستقلانه عمل کند: «اول از همه کمیسیون مستقل انتخابات باید استقلال خود را حفظ کند. از آنجا که تمامی کمیشنران توسط دولت منصوب می‌شوند، کمیسیون انتخابات نمی‌تواند مستقلانه عمل کند. کمیسیون انتخابات باید تحت نظارت یک نهاد دموکراتیک متشکل از نمایندگان واقعی مردم باشد. این امر باید هدف اصلی اصلاحات انتخاباتی باشد.»^{۵۹}

۵۷. سمیع‌الله احمدزی، نامزد جامعه مدنی از ولایت پکتیا.

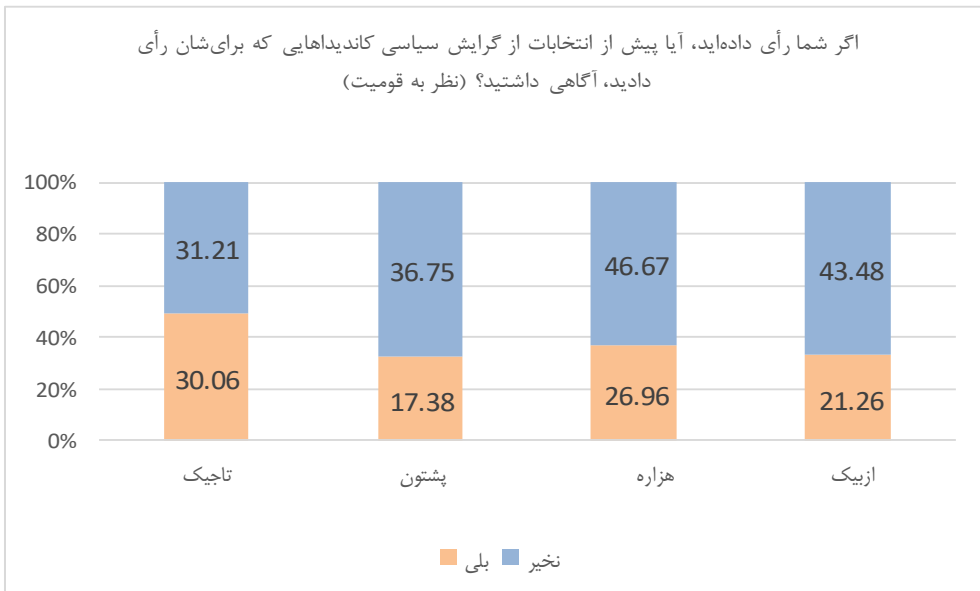
۵۸. احمدجاوید رفعت، نامزد مستقل از ولایت فراه.

۵۹. فرهاد ایثار، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

۳. اصلاحات انتخاباتی در انتخابات پارلمانی

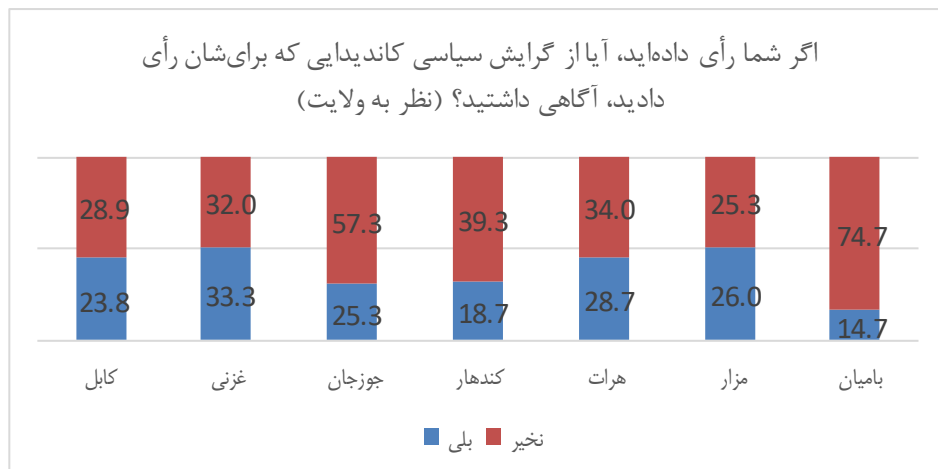
آگاهی سیاسی رأی‌دهندگان

حدود ۲۴ درصد پاسخ‌دهندگان که در انتخابات پارلمانی رأی داده‌اند، گفتند که قبل از رأی‌دادن آن‌ها از گرایش‌ها و جهت‌گیری سیاسی نامزدان خود آگاهی داشتند؛ در حالی که ۳۹ درصد آن‌ها گفتند که آن‌ها در این مورد آگاهی نداشتند. بیشتر پاسخ‌دهندگان مناطق روستایی (۵۲ درصد) نسبت به مناطق شهری (۳۴ درصد) گزارش دادند که از گرایش سیاسی نامزدانی که برای‌شان رأی دادند، بی‌خبر بودند. سطح آگاهی پاسخ‌دهندگان نسبت به گرایش سیاسی نامزدانی که آن‌ها برای‌شان رأی داده بودند، تا حدی هم در سطح ولایات و هم در میان پاسخ‌دهندگان از قومیت‌های مختلف، متفاوت بود. (شکل ۱۵ و ۱۶)



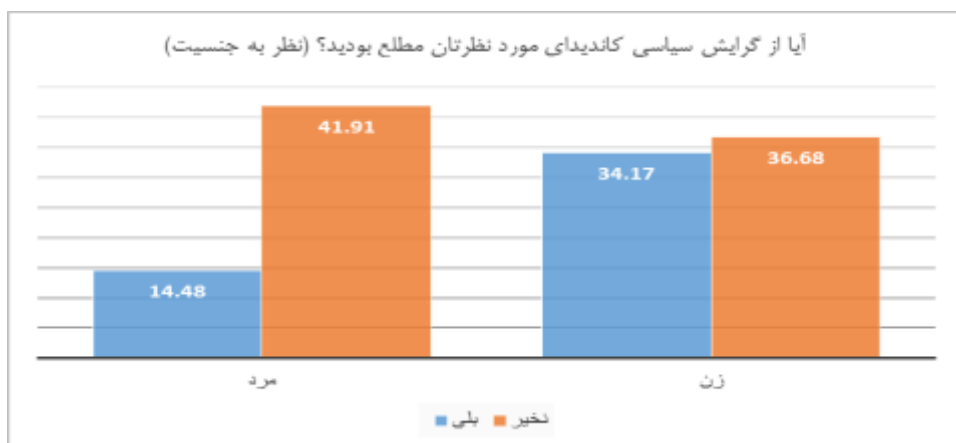
شکل ۴۷: آگاهی از گرایش سیاسی کاندیداها (نظر به قومیت)

در میان پاسخ‌دهندگان قومیت‌های مختلف، پشتون‌ها سطح نسبتاً بالاتری از بی‌خبری نسبت به گرایش سیاسی نامزدانی که برای‌شان رأی داده بودند، را گزارش دادند. از سوی دیگر، بیشتر پاسخ‌دهندگان تاجیک نسبت به سایر اقوام گزارش دادند که از گرایش سیاسی کاندیداهایی که در انتخابات پارلمانی پیشین برای‌شان رأی داده بودند، آگاهی داشتند.



شکل ۴۸: آگاهی از گرایش سیاسی کاندیدها (نظر به ولایت)

جالب اینجاست که بیشتر زنان (۳۴ درصد) نسبت به مردان (۱۴ درصد)، پاسخ دادند که قبل از رأی‌گیری از گرایش سیاسی کاندیداهایی که برای‌شان رأی داده‌اند، آگاه بودند. (شکل ۱۷) با توجه به ماهیت شدیداً محافظه‌کار جامعه، این مسئله می‌تواند این گونه تفسیر شود: زنانی که در انتخابات شرکت کرده‌اند، یا به نظر خویشاوندان مرد خود در مورد گرایش سیاسی کاندیداهای مورد نظر خود اعتماد کرده‌اند یا به کاندیداهای شناخته‌شده رأی داده‌اند.



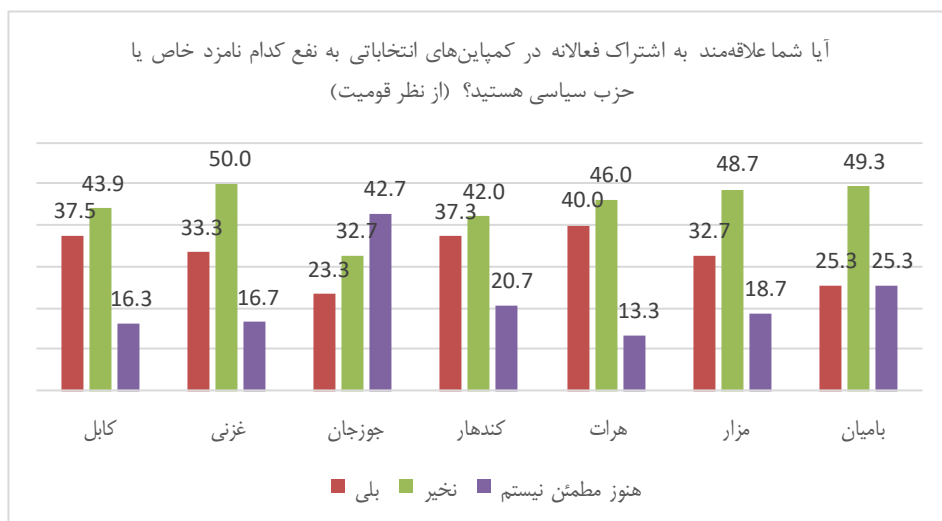
شکل ۴۹: آگاهی از گرایش سیاسی کاندیداها (نظر به جنسیت)

دلیل کلی عدم آگاهی رأی‌دهندگان در رابطه با گرایش سیاسی کاندیداها واضح است. به احتمال زیاد این حفره می‌تواند به نوپایی (عدم بلوغ) نمایندگی دموکراتیک در افغانستان نسبت داده شود. رأی‌دهندگان و حتی بسیاری از نامزدان هنوز به نقش و مسئولیت‌شان در انتخابات پارلمانی خو نگرفته‌اند. علاوه بر این، شمار زیادی از نامزدان - همان طور که در سیستم SNTV انتظار می‌رود - به عنوان نامزد مستقل وارد رقابت می‌شوند. نامزدان مستقل ممکن است بر خلاف یک حزب سیاسی، گرایش سیاسی کمتر به وضوح توسعه‌یافته داشته باشند؛ زیرا آن‌ها تنها نمایندهٔ صدای واحد در مجلس هستند.

از پاسخ‌دهندگان در مورد تمایل‌شان به شرکت فعالانه در کمپاین انتخاباتی به نفع یک نامزد خاص پرسیده شد. اکثر پاسخ‌دهندگان (۴۴ درصد) گفتند که علاقه‌مند شرکت در مبارزات انتخاباتی به نفع کاندیداهای خاص نیستند؛ در حالی که ۳۳ درصد آن‌ها گفتند که به فعالیت در کمپاین‌های انتخاباتی علاقه‌مند هستند. حدود ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که هنوز در این مورد تصمیم نگرفته و مطمئن نیستند. نظر پاسخ‌دهندگان به این پرسش، به نحوی میان ولایات مختلف متفاوت است. (شکل ۱۸)

کاندیدان مجلس نمایندگان که در این پژوهش مصاحبه شده‌اند، بر لفاظی‌هایی که [توقع می‌رود] برای هدف قراردادادن پایگاه وسیعی از رأی‌دهندگان تأکید کردند. در حالی که رأی‌گیری‌های قومی همچنان نسبت به انتخابات پارلمانی یک آفت است، هیچ یک از نامزدان خودشان را با این عمل پیوند نداده، بلکه بیشتر بر رویکردهای «خیرخواهانه» خود تأکید کردند: «من در میان مردم از هر

قشر و طبقه‌ای کمپین می‌کنم. در طول زندگی حرفه‌ای‌ام در شورای ولایتی، من به مردمان بسیاری کمک کردم. مردم دیر زمانی است که مرا می‌شناسند. با این حال، امیدوارم که مردم محله خودم به من رأی بدهند. من فکر می‌کنم که جوانان و فعالان جامعه مدنی نیز برای من رأی خواهند داد.^{۶۰} «من عمدتاً با جوانان و روشنفکران صحبت می‌کنم. من شخصاً از یک خانواده روشنفکر می‌آیم و بنابراین انتظار دارم که افراد تحصیل کرده به من رأی دهند. من از مجراهای مختلف برای فرستادن پیامم و همچنین برگزاری جلسات با بزرگان و رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنم.»^{۶۱} «مخاطبان من رأی‌دهندگان به طور کل‌اند؛ از جمله روشنفکران، تاجران، بازرگانان، کشاورزان و همه شهروندان دیگر. من از حزب کنگره ملی افغانستان نمایندگی می‌کنم و بنابراین، هزینه کمپین من از سوی اعضای حزب سیاسی‌ام و طرفداران حزب تأمین می‌شود.



شکل ۵۰: تمایل به اشتراک در کمپین انتخاباتی (نظر به ولایت)

در گذشته در برخی از مکان‌ها ما یک افغانی هم مصرف نمی‌کردیم، چراکه خود هواداران محلی ما کارزار انتخاباتی را سازمان‌دهی می‌کردند.^{۶۲} جای تعجب نیست که نمایندگان منتخب مجلس به دنبال کسب آرا از یک پایگاه وسیع رأی‌دهندگان باشند؛ زیرا تعداد بیشتر آرا همیشه به نفع آن

۶۰. حفیظ‌الله مبارز، نامزد مستقل از ولایت پکتیا.

۶۱. عزیزالله نورزی، نامزد مستقل از ولایت نیمروز.

۶۲. عبدالطیف پدram، نامزد حزب سیاسی از ولایت بدخشان.

هاست. هیچ نامزدی به طور صریح اشاره‌ای به تکیه بر «رأی قومی» (یعنی رأی به دلیل وابستگی قومی) نکرد.

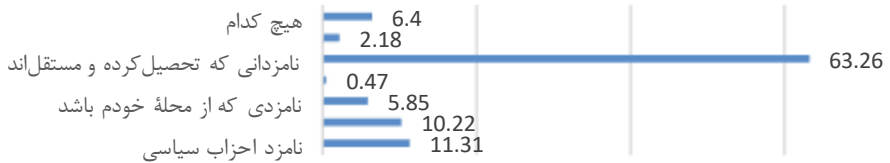
در حالی که چنین شیوه رأی‌دهی گسترده است، اما ذکر آشکار وابستگی - چه رسد به پشتیبانی تاکتیکی‌شان - به آرای قومی با توجه به این‌که رأی‌دهندگان به صورت گسترده این عمل را عار می‌شمارند - حتی اگر آن را انجام دهند - برای نمایندگان مجلس خطرناک خواهد بود.

از میان جوامع مختلف قومی، پاسخ‌دهندگان ازبیک اشتیاق کمتری (۲۸ درصد) به کمپین‌های انتخاباتی به نفع نامزد خاص نشان دادند؛ در حالی که پاسخ‌دهندگان پشتون بیشترین علاقه (۳۸ درصد) را به این موضوع ابراز کردند. در میان پاسخ‌دهندگان تاجیک و هزاره میزان علاقه به اشتراک در کارزار انتخاباتی مشابه است، هر کدام ۳۳ درصد. پاسخ اشتراک‌کنندگان به این سؤال در نظرسنجی، از لحاظ طبقه‌بندی‌های مختلف دموگرافیکی تفاوت چشم‌گیری ندارد. به عنوان یک گرایش کلی، پاسخ‌دهندگانی که از سطوح تحصیلی بالاتری برخوردارند، نسبت به آن‌هایی که تحصیلات پایین‌تری دارند، بیشتر به اشتراک در کارزارهای انتخاباتی علاقه‌مندند.

قابل اعتماد بودن نامزدان از لحاظ سیاسی

وقتی از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که «شما به کدام نوع از نامزدان در انتخابات پارلمانی اعتماد می‌کنید؟»، اکثر پاسخ‌دهندگان (۶۳ درصد) گفتند که آن‌ها به «کاندیداهای تحصیل‌کرده و مستقل» اعتماد می‌کنند. حدود ۱۱ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها به نامزدان احزاب سیاسی اعتماد دارند و ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها به کاندیداهایی اعتماد می‌کنند که از جامعه قومی خودشان باشد.

شما به کدام نوع از کاندیدها اعتماد می‌کنید؟



شکل ۵۱: اعتماد به نوع کاندیدها

بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان (۵ درصد) گفتند که آن‌ها به کاندیدهایی اعتماد می‌کنند که از محله خودشان باشد. حدود ۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها به دیگر [انواع] نامزدان اعتماد می‌کنند و ۶ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها به هیچ یک از انواع مختلف کاندیدها اعتماد نمی‌کنند. (شکل ۱۹)

داده‌ها نشان می‌دهد که اولویت‌دادن به «کاندیدهای مستقل و تحصیل کرده» نسبت به سایر نامزدان، یک روند شایع در میان تمام طبقه‌بندی‌های دموگرافیکی است. اما گرایش به کاندیدهای گوناگون در طبقه‌بندی‌های مختلف دموگرافیکی، متفاوت است. در این میان، پاسخ‌دهندگان زن (۶۸ درصد) بیشتر از مردان (۵۸ درصد) به «نامزدان مستقل و تحصیل کرده» متمایل‌اند؛ در حالی که مردان (۶۶ درصد) بیشتر از زنان (۶۲ درصد) علاقه‌مند «کاندیدهای احزاب سیاسی»‌اند. شکل ۲۰ تمایلات مختلف پاسخ‌دهندگان نسبت به نامزدان مختلف را نظر به ولایات نشان می‌دهد.

نرخ تأیید نظر به ولایت							انواع گوناگون نامزدان انتخابات پارلمانی
ټولټاکنه	ښار	ښار	ښار	ښار	ښار	ښار	
۷,۳	۴,۷	۱۰	۱۴,۷	۱۲	۵,۳	۱۶,۸	نامزدان احزاب سیاسي
۸	۱۴,۷	۱,۳	۱۰,۷	۱۰,۷	۱۲	۱۱,۸	نامزد گروه قومي خودم
۱۴	۱,۳	۲,۷	۱۳,۳	۴	۵,۳	۳,۷	نامزد از محله خودم
۰,۷	۰,۷	۰,۷	۰,۷	۰,۷	-	۰,۳	نامزدان قدرت مند و از لحاظ سياسي بانفوذ
۵۸	۶۱,۳	۸۱,۳	۵۲	۶۳,۳	۷۱,۳	۶۰,۲	نامزدان مستقل و تحصیل کرده
-	۸,۷	۱,۳	۰,۷	۲	۳,۳	۱,۱	سایر نامزدان
۱۲	۸,۷	۲,۷	۸	۴,۷	۲,۷	۶,۳	هیچ کدام

جدول ۱۱: اعتماد به نوع نامزدان انتخابات پارلمانی

سطح بالای اعتماد پاسخ‌دهندگان نظرسنجی به «نامزدان مستقل و تحصیل‌کرده» ممکن است با سیستم انتخاباتی موجود (SNTV) که رأی‌دادن به چهره‌های فردی قوی را تشویق می‌کند، نسبت داشته باشد. همان طور که شکل ۲۱ در ذیل نشان می‌دهد، مردم طرفداری خود را از سیستم «یک نفر، یک رأی» ابراز کرده‌اند، امری که نشان می‌دهد رأی‌دهندگان با سیستم SNTV آشنا شده‌اند. داشتن وابستگی به وضعیت فعلی برای فرد در برابر عدم اطمینانی از تغییر، غیرمنطقی نیست، حتی اگر آن [سیستم فعلی] را ناقص بباید. سطح پایین اعتماد به «نامزدان احزاب سیاسی» می‌تواند تا حدودی با این واقعیت نسبت داشته باشد که اصطلاح «احزاب سیاسی» در افغانستان به سرعت تصاویر حزب کمونیست شوروی و احزاب مختلف مجاهدین را همراه با خشونت‌های مربوطه که در طول آن دوره‌ها در افغانستان اتفاق افتاده، خلق می‌کند. بسیاری از احزاب سیاسی کنونی، باقی‌مانده و میراث همان احزاب پیشین‌اند. علاوه بر این، احزاب سیاسی عمدتاً بدون یک برنامه ملی واضح، هنوز قوم‌محور مانده‌اند.

یافته غافلگیرکننده در مورد سطح پایین اعتماد به نامزدان «جامعه» قومی و «محله» خود یک شخص، ممکن است دست‌کم در اصل، نشانه‌ای از نارضایتی گسترده در مورد دست‌کاری انتخابات توسط رهبران قومی و محلی باشد. با این حال، این مسئله این واقعیت را رد نمی‌کند که در عمل، بسیاری از افراد همچنان بر اساس تصمیم رهبران جامعه خود رأی می‌دهند.

نظر غالبی که از سوی برخی از پاسخ‌دهندگان ارائه شده، تأکید می‌کند که «مهم نیست که چه کسی از من در پارلمان نمایندگی می‌کند، آن‌ها باید به مردم خدمت کنند و از قدرت خود سوءاستفاده نکنند.» چند تن از پاسخ‌دهندگان در رابطه با این موضوع گفتند که «من به آن عده از کاندیداهایی اعتماد می‌کنم که مورد اعتماد اعضای خانواده‌ام‌اند.» بعضی از پاسخ‌دهندگان زن گفتند که به هر کسی که شوهرشان اعتماد کند، اعتماد می‌کنند. بعضی از پاسخ‌دهندگان از جامعهٔ ازبیک در رابطه با این موضوع گفتند که «ما به هر کسی که مورد اعتماد «بابه دوستم» باشد، اعتماد می‌کنیم.» این نظرات، نشان‌دهندهٔ تعدد دیدگاه‌ها در مورد چگونگی انتخاب یک نامزد است که از تأکید بر نامزدان واجد شرایط به نامزدانی که از قبل به نحوی به شبکهٔ اجتماعی گسترده‌تر فرد متصل است، تغییر می‌کند.

بخشی از دلیل برتری نامزد مستقل، برداشت منفی رأی‌دهندگان از احزاب به خاطر تجربهٔ گذشته است. یکی از نامزدان مصاحبه‌شده خاطرنشان کرد که: «در دوره‌های قبلی انتخابات پارلمانی، آن عده از نامزدانی که به احزاب سیاسی پیوسته بودند، برنده نشدند. اما همان افراد، در انتخابات به عنوان نامزد مستقل موفق شدند. در حال حاضر، این طریقهٔ غالب است. با توجه به تجارب گذشته، من فکر می‌کنم که اکثر مردم - حداقل در بدخشان - به احزاب سیاسی رأی نخواهند داد.»^{۶۳} احزاب سیاسی همچنان به عنوان نیروهای متعصب و غیرمؤثر دیده می‌شوند. «از طریق سیستم انتخاباتی موجود، هر کس می‌تواند مستقلانه وارد رقابت شود. آن‌ها می‌توانند برنامه‌های خود را ارائه و اعتماد مردم را به دست آورند. از آنجایی که احزاب سیاسی موجود هیچ برنامه‌ای ندارند، نمی‌توانند آرای چندانی به دست آورند.»^{۶۴} «مردم از کارکرد احزاب سیاسی راضی نیستند. آن‌ها به احزاب سیاسی به عنوان جنگ‌سالاران فکر می‌کنند. مردم از نخبگان تحصیل‌کردهٔ جوان حمایت می‌کنند.»^{۶۵}

با این وجود، هرچند ممکن است نامزدان مستقل ترجیح داده شوند، اما لزوماً به آن‌ها به عنوان راه‌حل روشن برای مشکلات موجود در پارلمان نگریسته نمی‌شود. آن‌ها اغلب ضعیف و ناهماهنگ‌اند که این مسئله از تأثیر صدای آن‌ها در پارلمان می‌کاهد. «نامزدان مستقل نمی‌توانند نقشی در انتخابات پارلمانی بازی کنند. انتخابات توسط تعدادی از افراد خاص و احزاب سیاسی به سرعت رفته

۶۳. نیلوفر ابراهیمی، نامزد مستقل از ولایت بدخشان.

۶۴. محمداسلام یفتلی، نامزد مستقل از ولایت بدخشان.

۶۵. گل‌حیدر صالحی، نامزد مستقل از ولایت دایکندی.

است. تنها تعداد اندکی از نامزدان مستقل، به این خاطر که توده‌پسندند، موفق به ورود به مجلس می‌شوند.^{۶۶} «نامزدان مستقل باید در هر انتخابات نقش مهمی را ایفا کنند. اما من باور نمی‌کنم که آن‌ها بتوانند نقش مهمی را در دور بعدی انتخابات پارلمانی بازی کنند؛ زیرا آن‌ها پول و وسیله ندارند. این چیزی است که مهم است.»^{۶۷} علاوه بر این، یک آگاه دیگر همچنین خاطرنشان کرد که خط میان نامزدان مستقل و نامزدان حزبی گاهی اوقات می‌تواند مبهم و غیر قابل تشخیص باشد. «می‌گویند که اگر نامزدان وابسته به احزاب سیاسی نباشند، می‌توانند به راحتی برنده انتخابات شوند. اما شخصاً من هرگز نامزد مستقلی را ندیده‌ام که بتواند در انتخابات مستقلانه برنده شود. من معتقدم که برای پیروزی در انتخابات، هر نامزدی نیاز به حمایت سیاسی دارد.»^{۶۸}

انتخاب سیستم رأی‌گیری

از اشتراک‌کنندگان در نظرسنجی پرسیده شد که: آیا سیستم رأی‌گیری به‌خصوصی را نسبت به دیگری ترجیح می‌دهند یا خیر؟ پاسخ‌دهندگان به ترتیب اولویت پاسخ‌های زیر را ارائه کردند: (a) شما یک رأی دارید و آن را به نفع کاندیدای مستقل مورد علاقه خود به صندوق می‌ریزید (۵۴ درصد). (b) شما یک رأی دارید و آن را برای یک حزب سیاسی به صندوق می‌ریزید (۷ درصد). (c) شما یک رأی دارید و آن را برای کاندیدای مورد نظر خود از یک حزب سیاسی به صندوق می‌ریزید (۱۱ درصد) و (d) شما چند رأی دارید و آن را به ترتیب اولویت‌های خود برای چندین نامزد در حوزه‌های مختلف به صندوق می‌ریزید (۱۰ درصد). حدود ۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند برای حمایت از آن‌ها دانشی در مورد سیستم‌های رأی‌گیری مختلف ندارند و ۳ درصد پاسخ‌دهندگان به سایر سیستم‌های رأی‌گیری بدون توضیح بیشتر اشاره کردند.

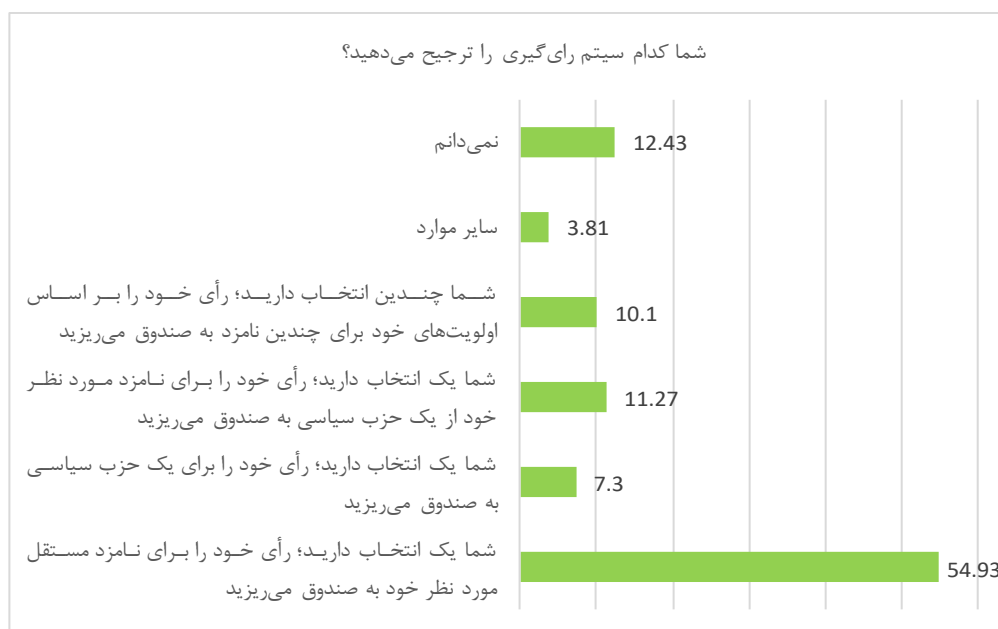
همان طور که می‌توان ملاحظه کرد، اکثر پاسخ‌دهندگان تمایل خود نامزدان مستقل را مجدداً تأیید کردند. (شکل ۲۱)

۶۶ روزان بارکزی، نامزد جامعه مدنی از ولایت فراه.

۶۷ گل احمد فراهی، نامزد مستقل از ولایت فراه.

۶۸ محمدظاهر قولک‌زاده، نامزد حزب سیاسی از ولایت دایکندی.

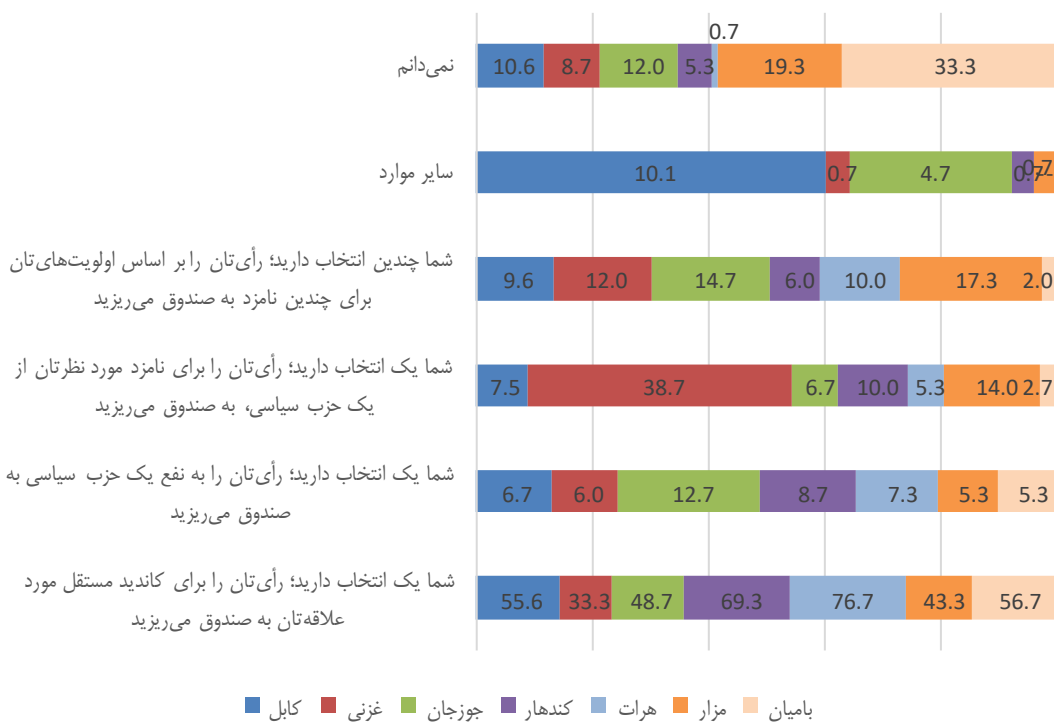
داده‌ها نشان می‌دهد که پس از دو دور انتخابات پارلمانی، نظام انتخاباتی اکثریتی، سطحی از مشروعیت را به دست آورده است؛ زیرا از روش ترجیح داده‌شده رأی‌گیری نمایندگی می‌کند. این یافته همچنین در برابر این واقعیت باید سنجش شود که اکثر پاسخ‌دهندگان کمتر از ۳۰ سال سن دارند و به همین دلیل اکثر آن‌ها هرگز کدام تجربه دیگری از انتخابات نداشته‌اند.



شکل ۵۲: ترجیح سیستم رأی‌گیری

سیاست‌های حزبی و نظام چندرأیی (Multi-Voting) مفاهیم رایج و محبوب در میان پاسخ‌دهندگان نیستند. یکی از پاسخ‌دهندگان در رابطه با این موضوع چنین گفت: «منطقی نیست که هم‌زمان به چند کاندیدا رأی بدهیم؛ زیرا ممکن است قدرت رأی خود را از دست بدهید.» دلایل مختلف می‌تواند این پاسخ را توضیح دهد؛ از جمله عدم تجربه پاسخ‌دهندگان در مورد تغییر سیستم‌های رأی‌گیری و عدم درک نسبت به این‌که چندین رأی از لحاظ پاسخ‌گویی نمایندگان مجلس چه معایب و مزایایی خواهد داشت.

شما کدام نوع سیستم رأی‌گیری را در انتخابات پارلمانی ترجیح می‌دهید؟ (نظر به ولایت)



شکل ۵۳: ترجیح سیستم رأی‌گیری (به اساس ولایت)

با این وجود، با توجه به همه جایگزین‌ها (یعنی جایگزین‌های «یک نفر، یک رأی» از سوی ۵۴ درصد پاسخ‌دهندگان حمایت می‌شود)، بخش قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌دهندگان (۴۳ درصد) یا به دنبال

گزینه‌های بدیل‌اند یا به سادگی پذیرای سایر سیستم‌های رأی‌گیری هستند. رویکردهای پاسخ‌دهندگان نسبت به سیستم‌های رأی‌گیری مختلف به طور کلی در میان طبقه‌بندی‌های مختلف دموگرافیکی مشابه هستند. با این حال، تنوع انتخاب‌های پاسخ‌دهندگان در میان ولایات، تفاوت‌های جالبی را نشان می‌دهد. (شکل ۲۲)

داده‌ها نشان می‌دهد که انتخاب پاسخ‌دهندگان در ولایات مختلف تا حدودی تحت تأثیر محیط آنجا قرار دارد. عوامل مختلف بافتاری از جمله فرهنگ انتخاباتی مردم و قرارگرفتن آن‌ها در معرض ایده‌های تغییرات انتخاباتی، می‌تواند به عنوان عوامل تأثیرگذار نام برده شود. جالب اینجاست که شمار قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان از ولایت غزنی به یک سیستم تناسبی فهرست‌باز (PR) متمایل هستند در حالی که در هرات، اکثریت قاطع نامزدان انتخابات سیستم SNTV را ترجیح می‌دهند. فقط تعداد انگشت‌شماری از آگاهان کلیدی در مورد سیستم‌های مختلف رأی‌گیری می‌دانستند. «من فکر می‌کنم که سیستم انتخاباتی موجود که مبتنی بر رأی آزاد، سری و مستقیم است، خوب است. به این ترتیب افراد می‌توانند خودشان مراقب شفافیت در انتخابات باشند. مشکل این نیست، مشکل روند نظارت است که به صورت مناسب تطبیق نمی‌شود.»^{۶۹} دیگران به سیستم‌های رأی‌گیری بایومتریک، الکترونیکی و کامپیوتری به عنوان بهترین سیستم‌های رأی‌گیری جایگزین اشاره کردند. «بهترین سیستم رأی‌گیری، سیستم بایومتریک است که هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک رأی استفاده کند؛ هیچ فرد زیر سن قانونی نمی‌تواند در انتخابات شرکت کند. برای اصلاح نظام انتخاباتی اول از همه باید تذکره الکترونیکی جایگزین تذکره فعلی شود و دوم این‌که برای ما مهم است که از سیستم رأی‌گیری کامپیوتری استفاده کنیم.»^{۷۰}

برخی از نمایندگان (پارلمانی) مصاحبه‌شده در این نظرسنجی، توصیه خاصی برای اصلاحات نداشتند؛ اما پذیرفتند که «آرای به هدر رفته» ناشی از سیستم SNTV است. «متأسفانه به واسطه سیستم رأی‌گیری کنونی، اراده رأی‌دهندگان به حاشیه رانده شده است. معیارهای مناسبی برای تعیین تعداد کاندیداها در هر حوزه انتخاباتی وجود ندارد. با افزایش جمعیت، تعداد کاندیداها نیز افزایش می‌یابد و بنابراین رأی رأی‌دهندگان پراکنده می‌شود. به همین دلیل است که منافع رأی‌دهندگان جدی گرفته نمی‌شود. چند نفر به اهداف‌شان می‌رسند، اما اراده اکثریت به حاشیه

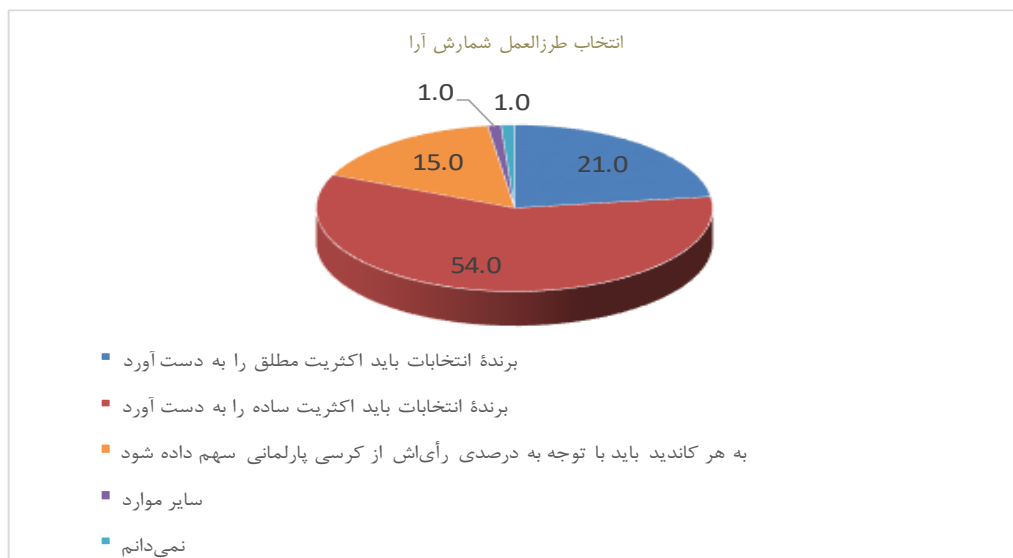
۶۹. نیلوفر ابراهیمی، نامزد مستقل از ولایت بدخشان.

۷۰. محمدحسن سرداش، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

رانده می‌شود.^{۷۱} یکی دیگر از آگاهان افزود: «من هیچ نظر متفاوتی در این رابطه ندارم. من فقط امیدوارم که هر سیستم رأی‌گیری که انتخاب می‌شود، رأی‌رأی‌دهندگان دزدی نشود.»^{۷۲}

طرز العمل شمارش آرا

از پاسخ‌دهندگان در مورد روش شمارش آرای انتخابات پارلمانی مورد ترجیح‌شان پرسیده شد. با توجه به پاسخ‌ها، پاسخ‌دهندگان به وضوح یک رویکرد کلی اکثریتی را ترجیح داده‌اند. اکثر پاسخ‌دهندگانی (۵۴ درصد) که به این سؤال پاسخ دادند، گفتند که آن‌ها با یک سیستم شمارش آرای اکثریت ساده موافق خواهند بود؛ در حالی که حدود ۲۱ درصد پاسخ‌دهندگان سیستم شمارش آرای اکثریت مطلق را ترجیح داده‌اند. در مقایسه، تنها ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان با سیستم شمارش آرای تناسبی موافق بوده‌اند. حدود ۱ درصد از پاسخ‌دهندگان به گزینه‌های دیگر اشاره کرده‌اند و ۱ درصد دیگر هیچ نظر روشنی در مورد قاعده‌های گوناگون شمارش آرا نداشته‌اند. (شکل ۲۳)



شکل ۵۴: ترجیح نوع سیستم شمارش آرا در انتخابات پارلمانی

باز هم روند غالب در انتخاب طرز العمل شمارش آرا ممکن است تا حدودی به آشنایی پاسخ‌دهندگان

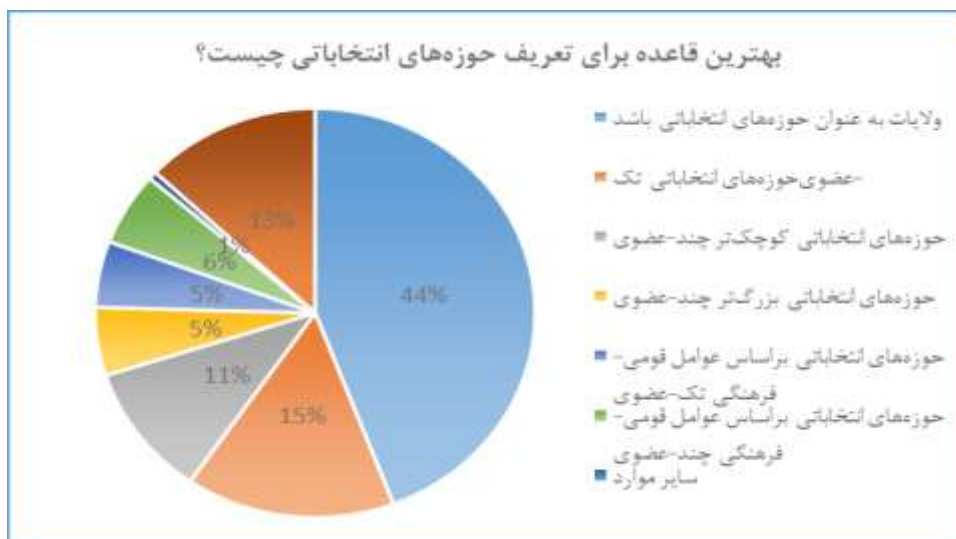
۷۱. سمیع‌الله احمدزی، نامزد مستقل از ولایت پکتیا.

۷۲. احمدجاوید رفعت، نامزد مستقل از ولایت فراه.

با سیستم انتخاباتی موجود نسبت داشته باشد که از قانون اکثریت ساده پیروی می‌کند.

اندازه حوزه‌های انتخاباتی

در رابطه با اندازه حوزه‌های انتخاباتی در انتخابات پارلمانی، ۴۴ درصد پاسخ‌دهندگان وضع کنونی را ترجیح دادند که در آن هر ولایت به عنوان یک حوزه انتخاباتی چندعضوی در نظر گرفته می‌شود. حدود ۱۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها حوزه‌های انتخاباتی تک‌عضوی را ترجیح می‌دهند. ۱۰ درصد دیگر از پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها طرفدار حوزه‌های انتخاباتی چندعضوی کوچک‌تر هستند. در حالی که حدود ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان حوزه‌های انتخاباتی چندعضوی بزرگ‌تر را ترجیح دادند. سایر گزینه‌ها از جمله (الف) تقسیم حوزه‌های انتخاباتی بر اساس عوامل قومی - فرهنگی به حوزه‌های انتخاباتی تک‌کرسی و (ب) تقسیم حوزه‌های انتخاباتی بر اساس عوامل قومی - فرهنگی به حوزه‌های انتخاباتی چندعضوی، هر کدام از سوی ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان ترجیح داده شدند. حدود ۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که آن‌ها «نمی‌دانند.» (شکل ۲۴)



شکل ۵۵: بهترین قاعده برای تعریف حوزه‌های انتخاباتی

هرچند بخش بزرگی از پاسخ‌دهندگان (۴۴ درصد) طرفدار قاعده (فرمول) کنونی برای تقسیم حوزه‌های انتخاباتی‌اند، بخش قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌دهندگان (۴۰ درصد) نیز در صورتی که گزینه‌های جایگزین متفاوت با یکدیگر در نظر گرفته شود، طرفدار تغییرند. گزینه‌های «حوزه‌های انتخاباتی تک

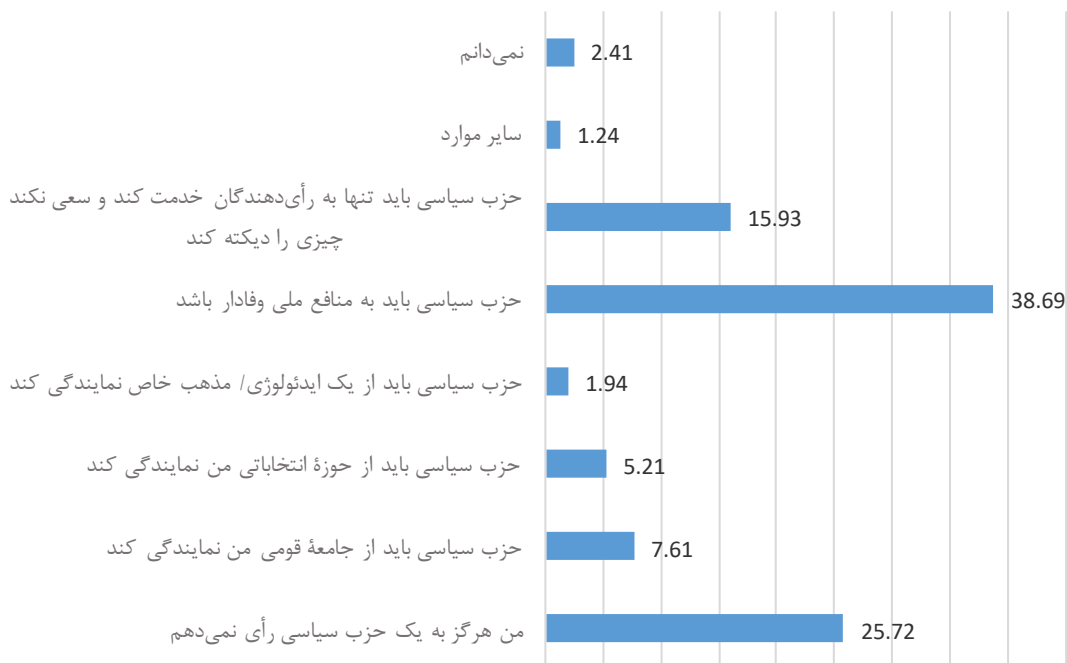
عضوی» و «حوزه‌های چندعضوی کوچک‌تر» به ترتیب دومین و سومین گزینه‌های پرتعداد هستند. این روند در میان طبقه‌بندی‌های دموگرافیکی یکسان است. برخی از آگاهان کلیدی خاطرنشان کردند که دولت باید در رسیدگی به مناطق دورافتاده عملکرد بهتری داشته باشد: «ما انتظار داریم که دولت مشارکت رأی‌دهندگان در انتخابات را تسهیل کند. در برخی از مناطق دورافتاده مردم برای رفتن به مراکز رأی‌گیری باید دو ساعت پیاده‌روی کنند. مراکز رأی‌گیری بیشتری باید ایجاد شود.»^{۷۳}

انتخاب احزاب سیاسی

هنگامی که در مورد ویژگی ایدئال یک حزب سیاسی پرسیده شد، اکثر پاسخ‌دهندگان (۳۸ درصد) گفتند: «یک حزب سیاسی باید به منافع ملی وفادار باشد»، در حالی که ۱۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «یک حزب سیاسی فقط باید به رأی‌دهندگان خدمت کند و سعی نکند چیزی را دیکته کند». بخش قابل‌توجهی از پاسخ‌دهندگان (۲۵ درصد) گفتند که «هرگز به یک حزب سیاسی رأی نمی‌دهند». حدود ۷ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «یک حزب سیاسی باید از جامعه قومی‌ام نمایندگی کند»، در حالی که حدود ۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «یک حزب سیاسی باید از حوزه انتخاباتی‌ام نمایندگی کند». بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان (۱ درصد) گفتند که «یک حزب سیاسی باید از یک ایدئولوژی/مذهب خاص نمایندگی کند» و ۲ درصد پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که «نمی‌دانند». (شکل ۲۵)

۷۳. محمدظاهر قولک‌زاده، نامزد حزب سیاسی از ولایت دایکندی.

اگر شما به یک حزب سیاسی در انتخابات پارلمانی رأی بدهید، کدام نوع حزب سیاسی را ترجیح می‌دهید؟



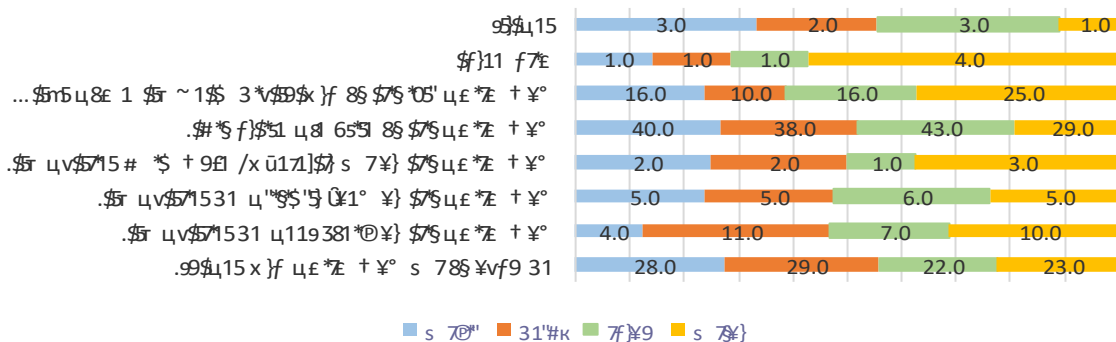
شکل ۵۶: انتخاب احزاب سیاسی

این واقعیت که ۷۵ درصد پاسخ‌دهندگان حداقل به صورت فرضی مفهوم احزاب سیاسی را پذیرا بوده‌اند، نشان می‌دهد که چنین احزابی فرصت دارند از طریق انتخابات، نفوذ خود را گسترش دهند. پاسخ‌دهندگان از طبقه‌بندی‌های دموگرافیکی مختلف، با تفاوت‌های اندک، طرفدار یک حزب سیاسی ملی‌گرا و برنامه‌گرا هستند. این نشان می‌دهد برای این که احزاب سیاسی قادر به گسترش باشند، باید با نیازهای رأی‌دهندگان و ملت - نه صرفاً منافع قومی، مذهبی و منطقه‌ای‌شان - آشنا و هماهنگ باشند. با این وجود، این تمایل به تغییر با چالش‌های فراوان، مخصوصاً این که در حال حاضر احزاب بر وابستگی‌های قومی تمرکز دارند، مواجه است. این احزاب و به‌ویژه رهبران آن‌ها با ظهور احزاب وسیع و فراگیر، چیز زیادی برای از دست دادن دارند و در نتیجه ظهور چنین احزابی احتمالاً مانع پیشرفت آن‌ها خواهد شد. نتیجه این است که کشور در رابطه با توسعه احزاب سیاسی که از تأمین صرفاً منافع قومی، فراتر باشند، در معمای مرغ و تخم‌مرغ گیر کرده است.

چندین نماینده مجلس نیز خواستار این می‌باشند که احزاب سیاسی نقش بزرگ‌تری را در آینده ایفا کند: «من طرفدار بازگرداندن سیاست حزبی در افغانستان هستم. اما ایجاد احزاب سیاسی قابل اعتماد زمان می‌برد. در حال حاضر، سیستم انتخاباتی فعلی که از نامزدان مستقل حمایت می‌کند، قابل ترجیح است. در انتخابات پیشین، ما شاهد بودیم که حتی رهبران احزاب سیاسی برای به دست آوردن رأی، خودشان را به عنوان نامزد مستقل ثبت‌نام کردند. مردم خاطرات خوبی از احزاب سیاسی ندارند.»^{۷۴} یکی دیگر اظهار داشت: «متأسفانه ما احزاب سیاسی مانند احزابی که در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد، نداریم. احزاب سیاسی در افغانستان اغلب سیاست‌های قومی را بازی می‌کنند و حزب سیاسی واقعاً ملی وجود ندارد. حمایت از چنین احزابی تنها باعث فاجعه می‌شود.»^{۷۵}

شکل ۲۶، انتخاب پاسخ‌دهندگان را نشان می‌دهد که با توجه به قومیت آن‌ها از هم تفکیک شده است. داده‌ها نشان می‌دهد که همه گروه‌های قومی احزاب سیاسی‌ای را ترجیح می‌هند که بر اساس «منافع ملی» باشد و بتواند به «رأی‌دهندگان خدمت کند.» هیچ گروه قومی، به رغم این که رأی‌دهی بر اساس قومیت گسترده است، از احزاب سیاسی بر اساس «جامعه قومی» حمایت نکرده است. همان طور که قبلاً ذکر شد، این یافته‌ها تفاوت در چگونگی دید رأی‌دهندگان نسبت به نقش احزاب «در اصل» و الگوهای رأی‌دهی آن‌ها را «در عمل» نشان می‌دهد.

اگر شما در انتخابات پارلمانی به یک حزب سیاسی رأی بدهید، کدام نوع حزب سیاسی را ترجیح می‌دهید؟ (نظر به قومیت)



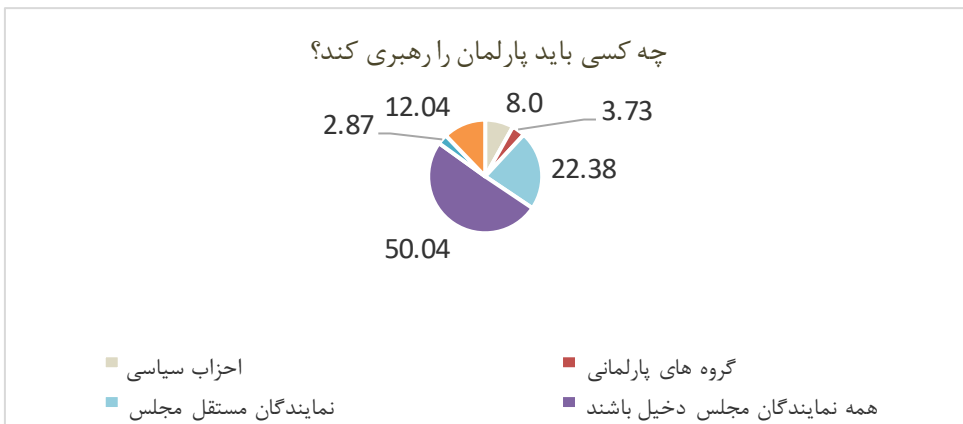
شکل ۵۷: انتخاب حزب سیاسی در انتخابات پارلمانی (نظر به قومیت)

۷۴. نور اکبری، نامزد حزب سیاسی از ولایت دایکندی.

۷۵. فروزان فراهی، نامزد مستقل از ولایت فراه.

نحوه رهبری در پارلمان

از پاسخ‌دهندگان درباره رهبری در مجلس پرسیده شد. نیمی از آن‌ها (۵۰ درصد) گفتند که «همه نمایندگان مجلس باید در مدیریت امور مجلس دخیل باشند»، در حالی که ۲۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «نمایندگان مستقل در مجلس» باید امور مجلس را رهبری کنند. در مقایسه، تنها ۸ درصد پاسخ‌دهندگان از ایده «احزاب مستقل» به عنوان رهبران پارلمان حمایت کردند. حدود ۳ درصد آن‌ها گفتند که «گروه‌های پارلمانی» باید امور پارلمان را رهبری کنند و بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان (۲ درصد) به گزینه‌های دیگر اشاره کردند. یکی از پاسخ‌دهندگان در این رابطه گفت که «مهم نیست که چه کسی مجلس را رهبری کند، آن‌ها باید در فکر مردم فقیر باشند.» یکی دیگر از پاسخ‌دهندگان گفت که «دولت باید یک اداره را برای رهبری پارلمان ایجاد کند.» پاسخ‌دهنده دیگر گفت که «مجلس باید از هر گونه تحمیل آزاد باشد.» در همین حال حدود ۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «آن‌ها نمی‌دانند.» (شکل ۲۷)



شکل ۵۸: رهبری پارلمان

از داده‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که اکثر پاسخ‌دهندگان طرز العمل‌های تصمیم‌گیری توافقی را در پارلمان ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، نمایندگان مستقل به وضوح نسبت به آن‌هایی که به یک سازمان سیاسی وابسته‌اند، ترجیح داده می‌شوند. این روند در میان طبقه‌بندی‌های دموگرافیکی یک سان بود.

آگاهان به وضوح از عملکرد ضعیف نمایندگان مجلس در پارلمان ابراز نارضایتی می‌کنند: «نحوه

بحث نمایندگان مجلس در مورد مسائل در پارلمان قابل قبول نیست. بعضی از نمایندگان مجلس کاملاً در جلسات پارلمانی غیرحاضرند، زیرا آن‌ها به دنبال کسب‌وکار شخصی خود هستند. آن‌ها همیشه در پارلمان بر سر مشکلات جزئی و بی‌اهمیت با یکدیگر جنگ می‌کنند. آن‌ها به ندرت در مورد مسائل مهم و بزرگ همچون مشکلات مربوط به امنیت و رفاه مردم بحث می‌کنند. اگر یک وزیر رأی اعتماد دریافت نکند، این تصمیم به راحتی از طریق معامله‌های سیاسی تغییر می‌کند.^{۷۶} «من تجربه نمایندگی در مجلس را ندارم، اما اگر آن‌ها را بر اساس قوانین و طرزالعمل‌های پارلمان قضاوت کنم، عملکرد آن‌ها قابل قبول نیست. صدای برخی از نمایندگان مجلس شنیده می‌شود و صدای برخی از آن‌ها شنیده نمی‌شود. آن‌ها فرصت این را ندارند که دیدگاه‌های خود را در آجنداهای مجلس شامل کنند.»^{۷۷} «روش بحث فردی بر تصمیم‌گیری در پارلمان تأثیر می‌گذارد، و این قابل قبول نیست. نمایندگان مجلس باید مسائل را با توجه به قوانین و طرزالعمل‌های مجلس مطرح و به بحث بگیرند.»^{۷۸}

تنظیم سیاست‌های حزبی در مجلس

از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که «بهترین آرایش/ ترتیب برای سیاست‌های حزبی در پارلمان چیست؟» حدود ۲۶ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها «نظام تک‌حزبی» را ترجیح می‌دهند. حدود ۱۲ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «نظام دوحزبی» بهترین آرایش برای سیاست حزبی در پارلمان خواهد بود. ترتیبات دیگر مانند «داشتن دو حزب سیاسی بزرگ با احزاب سیاسی کوچک‌تر در اطراف آن‌ها» و «داشتن سه حزب سیاسی قدرت‌مند با احزاب سیاسی کوچک‌تر در اطراف آن‌ها»، هر کدام به ترتیب ۱۰ درصد و ۱۲ درصد حمایت را از مجموع پاسخ‌دهندگان دریافت کردند. بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان (۱۶ درصد) گفتند که بهترین آرایش برای سیاست‌های حزبی در مجلس وضعیتی خواهد بود که در آن «چند حزب سیاسی تقریباً با قدرت یک‌سان» امور پارلمان را با هم مدیریت کنند. حدود ۳ درصد از پاسخ‌دهندگان به گزینه‌های دیگر اشاره کردند؛ در حالی که بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان گفتند که آن‌ها «نمی‌دانند». چند تن دیگر از پاسخ‌دهندگان در رابطه با این موضوع تأکید کردند که «آن‌ها به احزاب سیاسی فعلی اعتماد ندارند؛ زیرا آن‌ها فقط به منافع جناحی خود توجه می‌کنند.» یکی از پاسخ‌دهندگان گفت که «هیچ نظام حزبی بهترین ترتیب برای تنظیم سیاست در افغانستان نخواهد بود.» پاسخ‌دهنده دیگر گفت که «تنها چیزی

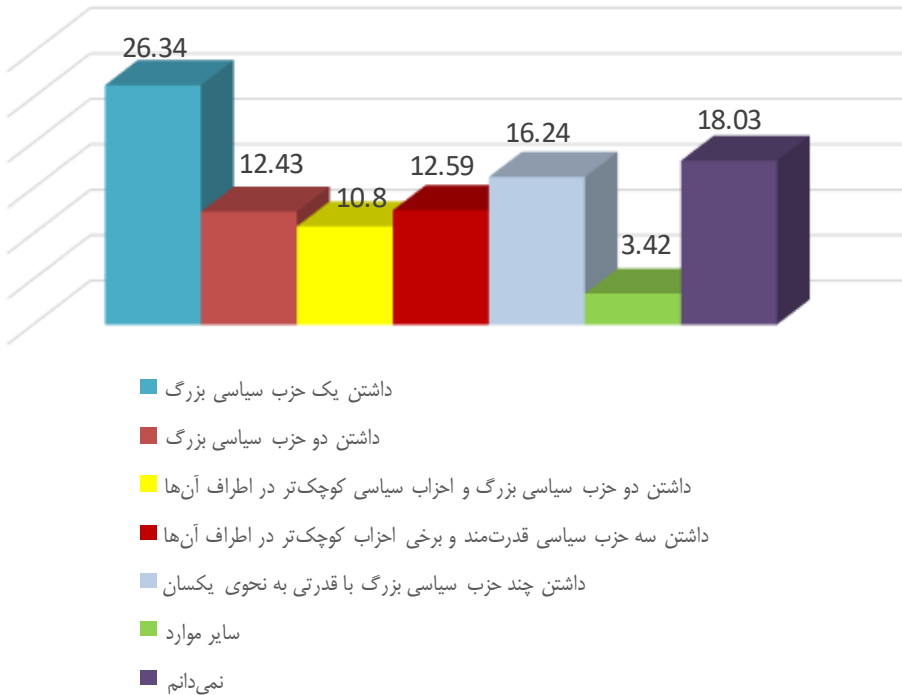
۷۶. احمدجاوید رفعت، نامزد مستقل از ولایت فراه.

۷۷. تهمینه شجاع، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

۷۸. فرهاد ایثار، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

که مهم است، ثبات و صلح در کشور است.» (شکل ۲۸)

اگر یک حزب سیاسی پارلمان را اداره کند، کدام ترتیب را شما ترجیح می‌دهید؟

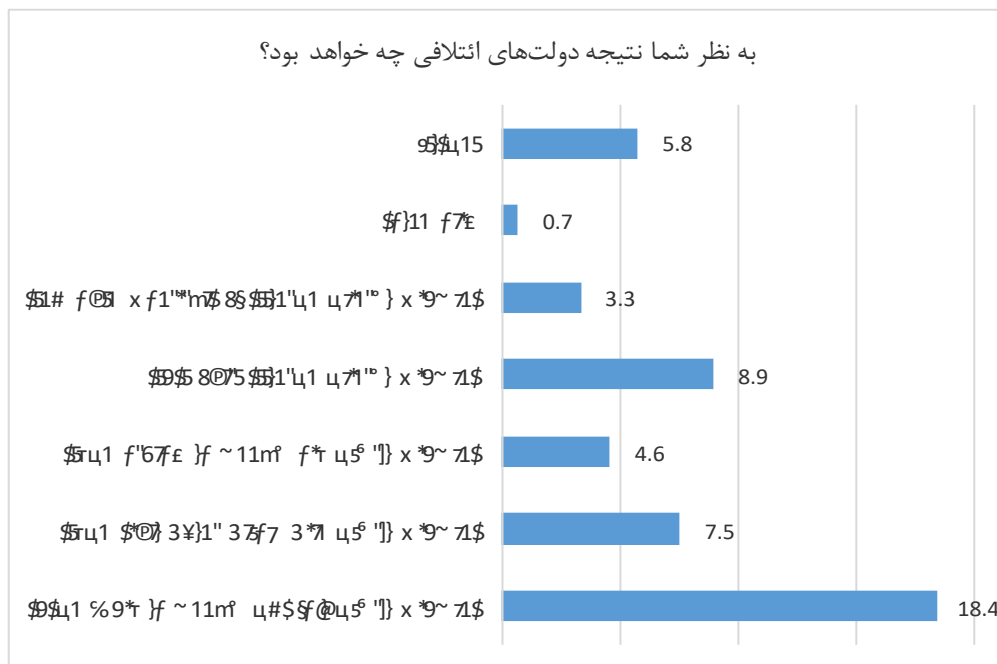


شکل ۵۹: بهترین آرایش برای سیاست حزبی در پارلمان

داده‌ها نشان می‌دهد در حالی که «نظام تک‌حزبی» محبوب‌ترین انتخاب پاسخ‌دهندگان است، اما اکثر پاسخ‌دهندگان، با در نظر گرفتن تمام گزینه‌ها با هم، طرفدار نظام چندحزبی می‌باشند. همچنین این مسئله که شمار قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان (۱۸ درصد) که نظر خاصی نداشتند، حاکی از فقدان دانش عمومی در میان پاسخ‌دهندگان در مورد چگونگی فعالیت احزاب سیاسی و حفظ پاسخ‌گویی در پارلمان از طریق کنترل و ارائه توازن است. علاوه بر این، برداشت کلی منفی پاسخ‌دهندگان از دولت‌های ائتلافی (در بخش بعدی ارائه شده است) چالش بزرگی برای سیاست‌های حزبی در پارلمان خواهد بود.

دولت‌های ائتلافی

از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که آیا چیزی در مورد «دولت‌های ائتلافی» می‌دانند. پاسخ اکثر اشتراک‌کنندگان (۵۵ درصد «نخیر» بود؛ در حالی که ۳۴ درصد آن‌ها «بلی» را پاسخ دادند. یک بخش دیگر از پاسخ‌دهندگان (۸ درصد) گفتند که آن‌ها «مطمئن نیستند». علاوه بر این، در رابطه با پیامدهای احتمالی دولت‌های ائتلافی، حدود ۱۸ درصد اشتراک‌کنندگان گفتند که «دولت‌های ائتلافی تأثیرگذاری حکومت را کاهش داده و باعث اختلاف می‌شود». ۸ درصد دیگر پاسخ‌دهندگان گفتند که «دولت‌های ائتلافی می‌توانند به دیکتاتوری منجر شوند». در مقایسه، تنها ۷ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که «دولت‌های ائتلافی میان طرفین توازن ایجاد می‌کنند» و ۴ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «دولت‌های ائتلافی کار حکومت را سریع‌تر می‌کند». حدود ۵ درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که آن‌ها «نمی‌دانند». چند تن از پاسخ‌دهندگان نظرشان را در این رابطه چنین بیان کردند که: «تنها زمان به ما می‌گوید که چه اتفاقی خواهد افتاد.» (شکل ۲۹)



شکل ۶۰: نتیجه دولت‌های ائتلافی

با توجه به این واقعیت که قبل از تشکیل دولت وحدت ملی تاکنون، مردم افغانستان هرگز دولت ائتلافی را تجربه نکرده بودند؛ این که اکثر پاسخ‌دهندگان ایده‌ای در مورد چنین دولت ندارند، به نظر طبیعی می‌رسد. علاوه بر این، می‌توان تصور کرد که تجربه طولانی مدت اختلاف و درگیری میان نیروهای رقیب در افغانستان معاصر، موجب بدبینی عمیق نسبت به ایجاد دولت‌های ائتلافی شده است. با توجه به این واقعیت که قبل از تشکیل دولت وحدت ملی تاکنون، مردم افغانستان هرگز دولت ائتلافی را تجربه نکرده بودند؛ این که اکثر پاسخ‌دهندگان ایده‌ای در مورد چنین دولت ندارند، به نظر طبیعی می‌رسد.

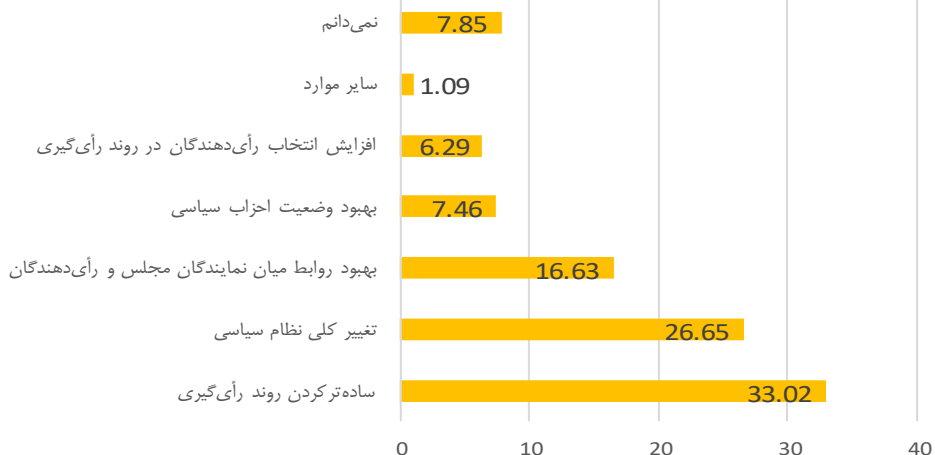
علاوه بر این، می‌توان تصور کرد که تجربه طولانی مدت اختلاف و درگیری میان نیروهای رقیب در افغانستان معاصر، موجب بدبینی عمیق نسبت به ایجاد دولت‌های ائتلافی شده است.

هدف اصلاحات انتخاباتی

از پاسخ‌دهندگان در مورد اهداف پایانی که باید از طریق اصلاحات انتخاباتی به دست آید، پرسیده شد. حدود ۳۳ درصد آن‌ها گفتند که «ساده‌تر کردن روند رأی‌گیری» باید هدف نهایی اصلاحات انتخاباتی باشد. یک بخش قابل توجهی از پاسخ‌دهندگان (۲۶ درصد) از «تغییر کلی نظام سیاسی» حمایت کردند؛ در حالی که ۱۶ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که «بهبود روابط میان نمایندگان مجلس و رأی‌دهندگان» باید هدف نهایی اصلاحات انتخاباتی باشد. در مقایسه، تنها ۷ درصد از پاسخ‌دهندگان از «بهبود وضعیت احزاب سیاسی» حمایت کردند؛ در حالی که ۶ درصد پاسخ‌دهندگان «افزایش انتخاب رأی‌دهندگان در روند رأی‌گیری» را ترجیح دادند. حدود ۷ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کردند که آن‌ها «نمی‌دانند»؛ در حالی که بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان (۱ درصد) به گزینه‌های دیگر اشاره کردند. چند تن از پاسخ‌دهندگان اظهار داشتند که «اول و مهم‌تر از همه اعتبار انتخابات باید بازگردانده شود»، «شفافیت انتخابات باید تضمین شود» و «یگانه مسئله مهم بهبود وضعیت امنیتی در کشور و ایجاد فرصت‌های شغلی برای مردم است.» یکی از پاسخ‌دهندگان گفت که: «اصلاحات انتخاباتی چیزی نیست که ارزش واقعی داشته باشد، و از این رو من توقعی ندارم.» (شکل ۳۰)

اگر قرار باشد نظام انتخاباتی فعلی اصلاح شود، نتیجه نهایی اصلاحات انتخاباتی باید چه

باشد؟



شکل ۶۱: هدف نهایی اصلاحات انتخاباتی

با این که درک گزینه «ساده‌تر کردن روند رأی‌گیری» به نحوی آسان است، اما هنوز می‌تواند تفاسیر گوناگونی داشته باشد. یکی از راه‌های ساده‌تر کردن روند رأی‌گیری استفاده از دستگاه‌های تکنولوژیکی است که به موجب آن به شمارش آرا کمک می‌شود. علاوه بر این، ورق رأی‌دهی می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که استفاده از آن برای رأی‌دهندگان عادی راحت باشد. در انتخابات سال ۲۰۱۰، کابل در مجموع ۳۳۶ نامزد داشت که برای مجموعاً ۳۳ کرسی پارلمانی وارد رقابت شده بودند.^{۷۹} در نتیجه ورق رأی‌گیری شکل یک سند طولانی را گرفته بود که رأی‌دهی را برای سواد محدود بسیاری از رأی‌دهندگان، پیچیده‌تر از پیش کرد.

جالب این که دومین گزینه محبوب که به عنوان هدف نهایی اصلاحات انتخاباتی ذکر شد، تقاضا برای اصلاحات ساختاری در نظام سیاسی بود. این گرایش با یافته‌های دو پژوهش قبلی انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان درباره سیاست تطبیقی مطابقت دارد.^{۸۰} هر دوی این مطالعات نشان

۷۹. توماس جانسون (۲۰۱۸) «The Illusion of Afghanistan's Electoral Representative Democracy: The Cases of »

Afghan Presidential and National Legislative Elections, Small Wars & Insurgencies, ۲۹: ۱-۳۷، ۱۴.

۸۰. مقاله حاضر سومین پژوهش متوالی از سری پژوهش‌های انسیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در مورد سیاست تطبیقی است. اولین پژوهش تحت عنوان: «قانون اساسی افغانستان و جامعه در حال گذار؛ ارزیابی دیدگاه‌ها و پیشنهادات عمومی برای تعدیل

دادند که تقاضا برای تغییر در نظام سیاسی فعلی یک روند محبوب در سراسر افغانستان در بخش وسیعی از جامعه است.

آگاهان کلیدی اظهار داشتند که اصلاحات کنونی از سوی کمیسیون مستقل انتخابات با صدور برچسب بر شناسنامه‌های ملی مطلوب نبود: «قراردادن برچسب روی تذکره شفافیت را تضمین نمی‌کند. بهتر است که تذکره الکترونیکی را جایگزین آن کنند. علاوه بر آن یک دیتابیس الکترونیکی برای کنترل رأی‌گیری باید ایجاد شود.»^{۸۱} دیگران نیز اهمیت یک سیستم شفاف و کامپیوتری را بازتاب دادند: «ما باید سیستم رأی‌گیری را ارتقا دهیم. از طریق استفاده از تکنولوژی جدید و سیستم‌های کامپیوتری، می‌توان نتایج انتخابات را بلافاصله پس از برگزاری انتخابات اعلام کرد. تأخیر در شمارش نتایج انتخابات یک عامل مخرب عمده است.»^{۸۲}

همچنین برخی از آگاهان کلیدی خاطرنشان کردند که دولت نیز باید نظارت مالی بیشتری بر روند انتخابات داشته باشد: «دولت باید هزینه‌های انتخابات را تنظیم و کنترل کند. در عین حال، نامزدان انتخابات باید از سوی دولت و جامعه جهانی حمایت و تأمین شوند. به‌ویژه نامزدان مستقل باید حمایت شوند، چراکه آن‌ها حمایت احزاب سیاسی را با خود ندارند.»^{۸۳} با این وجود، سایر آگاهان از ناتوانی دولت برای ایفای چنین نقشی بیزار بودند: «دولت فقط از افراد ثروتمند و وابستگان احزاب سیاسی حمایت می‌کند، در حالی که بقیه ما را نادیده می‌گیرد. ما کاملاً ناامید هستیم، زیرا هیچ کس به ما توجه نمی‌کند. ما به حمایت مالی و معنوی نیاز داریم. ما پول خود را در مبارزات انتخاباتی مصرف می‌کنیم، اما ما به هیچ وجه امیدوار نیستیم.»^{۸۴}

قانون اساسی (۲۰۱۶) و پژوهش دوم تحت عنوان: «راه دشوار مردم‌سالاری در افغانستان؛ ارزیابی و نقد گفتمان‌های ملی پیرامون نظام‌های سیاسی بدیل در افغانستان» (۲۰۱۸) منتشر شده است.

۸۱. محمدظاهر قولک‌زاده، نامزد حزب سیاسی از ولایت دایکندی.

۸۲. جمعه‌خان ناصر، نامزد مستقل از ولایت نیمروز.

۸۳. محمدحسن سرداش، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

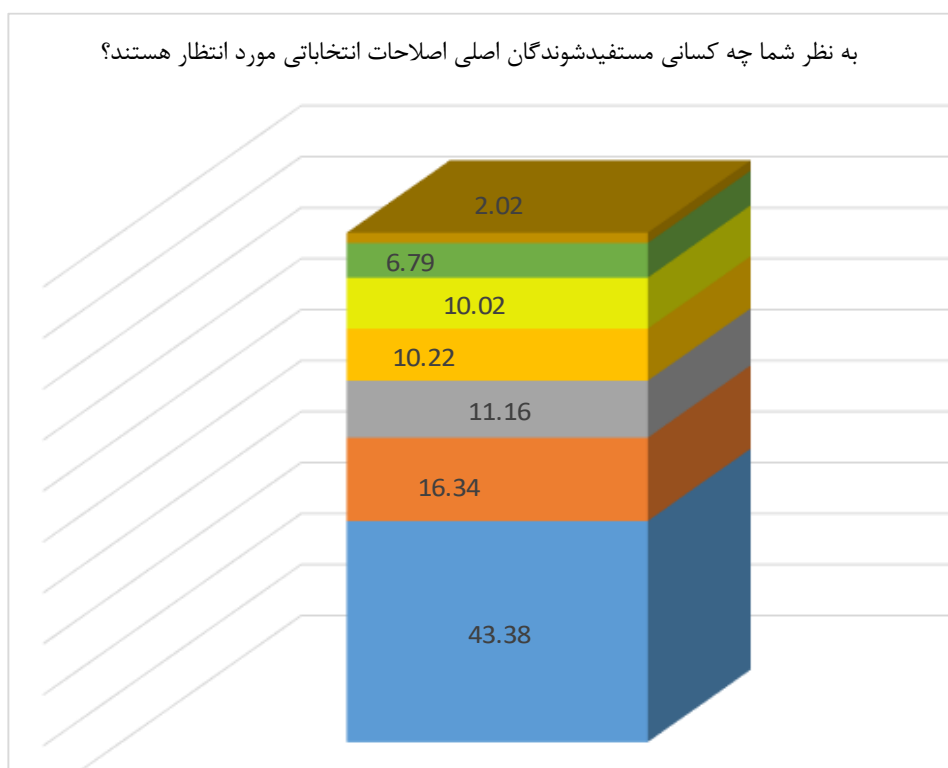
۸۴. گل‌احمد فراهی، نامزد مستقل از ولایت فراه.

منتفع‌شوندگان اصلی اصلاحات انتخاباتی

بخش قابل ملاحظه‌ای از پاسخ‌دهندگان (۴۳ درصد) گفته‌اند که «رأی‌دهندگان عادی» مستفیدشوندگان اصلی اصلاحات انتخاباتی‌اند. حدود ۱۶ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که «نامزدان مستقل» ذی‌نفعان اصلی اصلاحات انتخاباتی‌اند؛ در حالی که ۱۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که «مقامات دولتی» مستفیدشوندگان اصلی اصلاحات انتخاباتی‌اند. حدود ۱۰ درصد پاسخ‌دهندگان از «احزاب سیاسی» به عنوان مستفیدشوندگان اصلی نام برده‌اند و بخش کوچکی از پاسخ‌دهندگان (۶ درصد) گفته‌اند که اصلاحات انتخاباتی به نفع «افراد ثروتمند و قدرتمند» خواهد بود. در ضمن حدود ۱۰ درصد از پاسخ‌دهندگان اعلام کرده‌اند که آن‌ها «نمی‌دانند». حدود ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان به گزینه‌های دیگر اشاره کرده‌اند.

چند تن از پاسخ‌دهندگان نظر داده‌اند که: «احزاب اپوزیسیون از اصلاحات انتخاباتی سود خواهند برد»، «اصلاحات انتخاباتی ثبات دولت را تضمین خواهد کرد»، «بستگی به ماهیت اصلاحات و چهره‌های اصلی آن دارد»، «تنها زمان به ما می‌گوید که چه اتفاق خواهد افتاد» و «تنها خدا می‌داند چه اتفاق خواهد افتاد». یکی از پاسخ‌دهندگان مشخصاً گفت که: «گلبدین حکمتیار از اصلاحات انتخاباتی سود خواهد برد، زیرا او قصد دارد با طالبان متحد شود و مردم را بکشد». یکی دیگر از پاسخ‌دهندگان گفت که: «اگر روند اصلاحات شفاف باشد، به نفع ملت خواهد بود.»

داده‌ها نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌دهندگان مفهوم اصلاحات انتخاباتی را به عنوان چیز مثبت در نظر دارند که متضمن پاداش امیدوارکننده برای بازیگران مختلف سیاسی به‌ویژه رأی‌دهندگان عادی و نامزدان مستقل است. با این وجود، این نگرانی نیز وجود داشت که هر گونه اصلاحات ممکن است به نفع گروه کوچک و قدرت‌مندی از مقامات ختم شود. یکی از اهداف اصلاحات باید فراهم‌آوردن شناخت بیشتر از روند انتخابات برای رأی‌دهندگان باشد؛ زیرا این درک هنوز در افغانستان به بلوغ نرسیده است.



شکل ۶۲: مستفیدشوندگان اصلی اصلاحات انتخاباتی

«هم رأی‌دهندگان و هم نامزدان اطلاعات لازم در مورد نقش و مسئولیت‌های‌شان ندارند. کمیسیون انتخابات می‌تواند کارگاه‌های آموزشی را برای آموزش مردم در این مورد، برگزار کند. نامزدان پارلمانی باید در مورد مسئولیت‌های‌شان به عنوان نمایندگان مجلس آموزش ببینند. اما کمیسیون

انتخابات نباید تحت تأثیر سیاستمداران قرار بگیرد. در حال حاضر، قوانین و طرز العمل کمیسیون انتخابات ناقص است و باید تجدید نظر شود.^{۸۵}

۴. اظهارات

شناسایی رأی دهندگان

در بخش نهایی این نظرسنجی از پاسخ دهندگان خواسته شد که دیدگاه‌های خود را جمع به مجموعه‌ای از اظهارات در مورد وضعیت سیاسی و شخصی‌شان را بیان کنند. جدول ۱۲ گرایش‌های غالب را با توجه به وضعیت پاسخ دهندگان نشان می‌دهد.

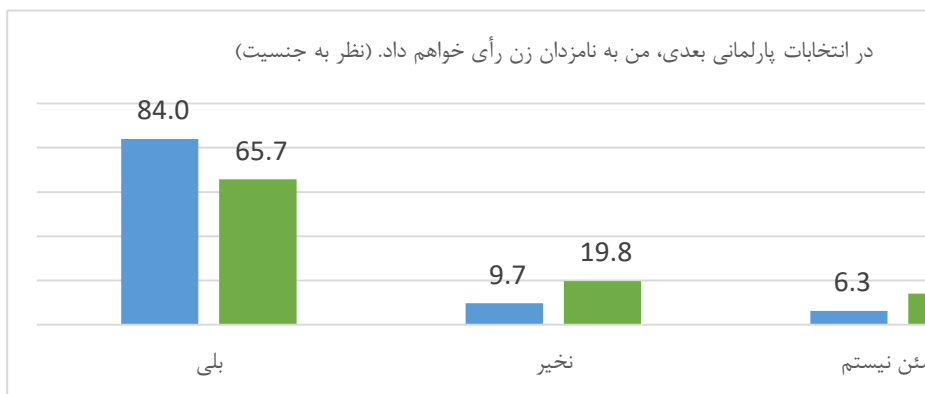
نرخ تأیید (به درصد)		اظهارات		
مطمئن نیستم	نخیر	بلی		
۶	۳۰	۶۲	من نقش پارلمان در افغانستان را درک می‌کنم.	S1
۱۸	۲۰	۵۹	در انتخابات پارلمانی من به کسی که رأی می‌دهم، اعتماد می‌کنم.	S2
۸	۶۱	۲۹	هنگام رأی دادن در انتخابات پارلمانی به روابط شخصی‌ام با نامزدان فکر می‌کنم.	S3
۱۰	۲۰	۶۹	هنگام رأی دادن در انتخابات پارلمانی به روابط کاندیدا با جامعه‌ام فکر می‌کنم.	S4
۱۷	۳۶	۴۶	هنگام رأی دادن در انتخابات پارلمانی به وعده‌های نامزدان فکر می‌کنم.	S5
۱۳	۶۵	۲۰	هنگام رأی دادن در انتخابات پارلمانی، من راهنمایی حزب سیاسی‌ام را می‌پذیرم که به من می‌گوید به چه کسی و چگونه رأی بدهم.	S6
۱۵	۳۰	۵۳	جامعه من تمام مشکلاتش را بدون اتکا به نمایندگان مجلس حل می‌کند.	S7
۲۲	۴۹	۲۸	نماینده من در پارلمان به نظر من و نظرات جامعه من علاقه‌مند است.	S8
۱۰	۱۴	۷۴	در انتخابات پارلمانی بعدی من به نامزدان زن رأی خواهم داد.	S9
۵	۲۴	۶۹	در پارلمان باید به زنان کرسی‌های تعیین شده/ رزرو شده داده شود.	S10

جدول ۱۲: اظهارات در مورد وضعیت سیاسی

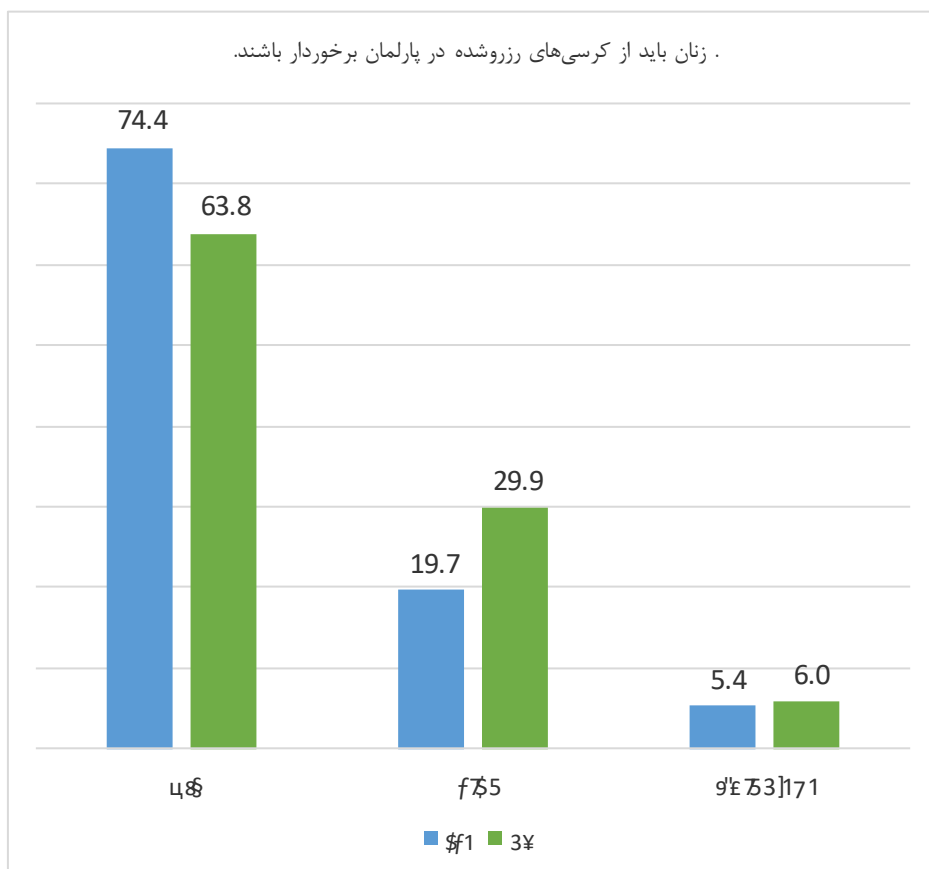
۸۵. سمیع‌الله احمدزی، نامزد مستقل از ولایت پکتیا.

گرایش دیگری که توسط داده‌ها آشکار شد این است که بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۶۲ درصد) معتقدند که آن‌ها نقش پارلمان را می‌دانند. این یافته با سایر پاسخ‌ها که نشان دادند رأی‌دهندگان ایده‌چندانی در مورد گرایش سیاسی نامزدان نداشتند، مغایرت دارد. علاوه بر این، به رغم انتقادات گوناگون از نظام انتخاباتی فعلی، بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۵۹ درصد) می‌گویند که در انتخابات پارلمانی به کسی که رأی می‌دهند، اعتماد خواهند کرد. همچنین نزدیک به نیمی از پاسخ‌دهندگان (۴۶ درصد) وعده‌های نامزدان انتخابات در طول مبارزات انتخاباتی را هنوز مهم می‌دانند.

چشم‌انداز عمومی نسبت به نقش زنان در انتخابات پارلمانی یکی دیگر از تحولات جالب است. حدود سه‌چهارم پاسخ‌دهندگان (۷۴ درصد) اظهار داشته‌اند که در دور بعدی انتخابات پارلمانی به نامزدان زن رأی خواهند داد. علاوه بر این، بیش از دوسوم پاسخ‌دهندگان (۶۹ درصد) بر نظرشان مبنی بر این‌که کرسی زنان در مجلس باید سهمیه‌بندی شده باشد، تأکید کردند. جالب این‌که در هر دو مورد، پاسخ‌دهندگان مرد بیشتر از زنان حمایت‌شان را از زنان در پارلمان ابراز کردند. (شکل ۳۱)



شکل ۳۱: تمایل به رأی‌دادن به نامزدان زن در انتخابات پارلمانی پیش‌رو



شکل ۶۴: کرسی رزرو شده برای زنان در پارلمان

همان طور که می‌توان مشاهده کرد، پاسخ‌دهندگان زن نسبت به پاسخ‌دهندگان مرد، کمتر به نقش زنان در مجلس خوش‌بین‌اند. آن‌ها همچنین نسبت به پاسخ‌دهندگان مرد، راجع به در نظر گرفتن کرسی‌های سهمیه‌ای برای زنان در پارلمان، بدبین‌تر هستند. (شکل ۳۲) در حالی که ۱۹ درصد پاسخ‌دهندگان زن اعلام کردند که برای نامزدان زن رأی نخواهند داد، حدود ۲۹ درصد از پاسخ‌دهندگان زن گفتند که آن‌ها مخالف کرسی‌های سهمیه‌ای برای زنان در پارلمان هستند. در حالی که می‌توان این را چنین تفسیر کرد که زنان کمتر از مردان از نامزدان زن حمایت می‌کنند؛ از

زاویه دیگر می‌توان چنین برداشت کرد که با تغییر قانون کرسی‌های سهمیه‌ای برای زنان در پارلمان، پاسخ‌دهندگان زن به دنبال نقش رقابتی‌تر برای نامزدان در انتخابات پارلمانی هستند.^{۸۶}

پاسخ‌دهندگان نظرات متفاوتی دربارهٔ سیستم سهمیه‌ای برای زنان در مجلس ارائه دادند. برخی‌ها با ابراز حمایت از این رویکرد گفتند که «با توجه به این واقعیت که زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند، لازم است که موقعیت آن‌ها در نهادهای منتخب بهبود بخشیده شود. حداقل دو تا سه زن از هر ولایت باید وارد پارلمان شوند. در جریان دهه‌های گذشته زنان از لحاظ سیاسی و فرهنگی سرکوب و محروم شده‌اند. این وظیفهٔ دولت و شهروندان است که وضعیت زنان را در جامعه بهبود ببخشند.»^{۸۷} دیگران اظهار داشتند در حالی که سهمیه‌بندی ممکن است نامزدان زن را تشویق کند، اما می‌تواند به طور بالقوه به عنوان عامل محدودکننده عمل کرده و از مشارکت آن‌ها جلوگیری کند. «حقوق سیاسی زنان توسط قانون سهمیه‌بندی کرسی‌ها محدود می‌شود. از یک طرف این قانون برای نامزدان زن دو کرسی در هر ولایت تضمین می‌کند و از سوی دیگر، این قانون مانع مشارکت سایر مدعیان زن در رقابت آزاد می‌شود. من فکر می‌کنم که علاوه بر کرسی‌های سهمیه‌ای، کاندیداهای زن باید از فرصتی برای ورود به پارلمان از طریق رقابت آزاد نیز برخوردار شوند.»^{۸۸}

در حالی که مشارکت بیشتر در انتخابات ممکن است برای برخی مطلوب باشد، این افراد به چالش‌هایی که زنان در روند انتخابات با آن مواجه‌اند نیز اذعان می‌کنند: «خواهران ما همان حق انتخاباتی را دارند که برادران ما از آن برخوردارند؛ اما متأسفانه وضعیت برای مشارکت معنادار زنان در انتخابات آماده نیست. در بعضی از مناطق، مراکز رأی‌گیری از مردم بسیار دور واقع شده و برخی از خانواده‌ها محدودیت‌های سفر را بر اعضای زن خانواده اعمال می‌کنند. در موارد دیگر، اعضای مرد خانواده زنان را مجبور می‌کنند که به نامزدان خاصی رأی بدهند.»^{۸۹} «دادن کرسی‌های سهمیه‌ای برای زنان در انتخابات مجلس چیز خوبی است؛ اما زنان نیز باید انگیزه‌های خود را داشته باشند و برای شرکت در انتخابات احساس امنیت کنند. امروزه در بسیاری از نقاط کشور، زنان حتی تذکره

۸۶. در حالی که ایدهٔ سیستم سهمیه‌ای، تشویق زنان برای رأی‌دهی است، این سیستم همچنین به عنوان یک سقف مؤثر عمل می‌کند؛ زیرا تحت سیستم کنونی، تعداد کرسی‌های اختصاص داده‌شده برای زنان نمی‌تواند از سهمیهٔ اضافه تجاوز کند.

۸۷. تهمینه شجاع، نامزد مستقل از ولایت فاریاب.

۸۸. عبدالطیف پدرام، نامزد حزب سیاسی از ولایت بدخشان.

۸۹. سمیع‌الله احمدزی، نامزد مستقل از ولایت پکتیا.

ندارند. آن‌ها پول و وسیله لازم برای استفاده از حقوق سیاسی‌شان را ندارند.^{۹۰} «اگر به زنان در احزاب سیاسی نقشی داده شود، می‌توانند وضعیت خود را بهبود ببخشند. در رابطه با حقوق زن، باید گفت که متأسفانه حق زن تنها روی کاغذ است. حقوق زنان در عمل نادیده گرفته و تضعیف می‌شود. من شخصاً به عنوان یک سناتور زن خوشحال هستم که توانسته‌ام نقش مؤثری در مجلس سنا ایفا کنم.»^{۹۱}

این واقعیت که بیش از دوسوم پاسخ‌دهندگان (۶۹ درصد) روابط جامعه خود با نامزدان پارلمانی را به عنوان یک اصل فکر می‌کنند، نشان می‌دهد که پیوندهای اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی را در تصمیم‌گیری رأی‌دهندگان ایفا می‌کند. با این وجود، بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان (۵۳ درصد) گزارش دادند که جوامع آن‌ها برای حمل مشکلات جامعه به نمایندگان‌شان در مجلس متکی نیستند. علاوه بر این، حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان (۴۹ درصد) فکر نمی‌کنند که نمایندگان‌شان در مجلس به شنیدن نظرات‌شان علاقه‌مند باشند. این یافته نشان می‌دهد در حالی که رأی‌دهندگان امیدوار می‌باشند که مقامات منتخب‌شان از نیازهای آن‌ها در پارلمان نمایندگی خواهند کرد، اما از این هم کاملاً آگاه‌اند که نمایندگان مجلس فاقد اراده برای پاسخ‌گویی می‌باشند و در نتیجه رأی‌دهندگان انتظار مشارکت مستمر نمایندگان مجلس در امور جامعه‌شان را ندارند. این داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که اکثر پاسخ‌دهندگان ترجیح می‌دهند که با توجه به وجدان و ضمیر خودشان از حق رأی خود استفاده کنند تا این‌که از سوی احزاب سیاسی راهنمایی شوند.

روندهای در حال ظهور شرکت در انتخابات

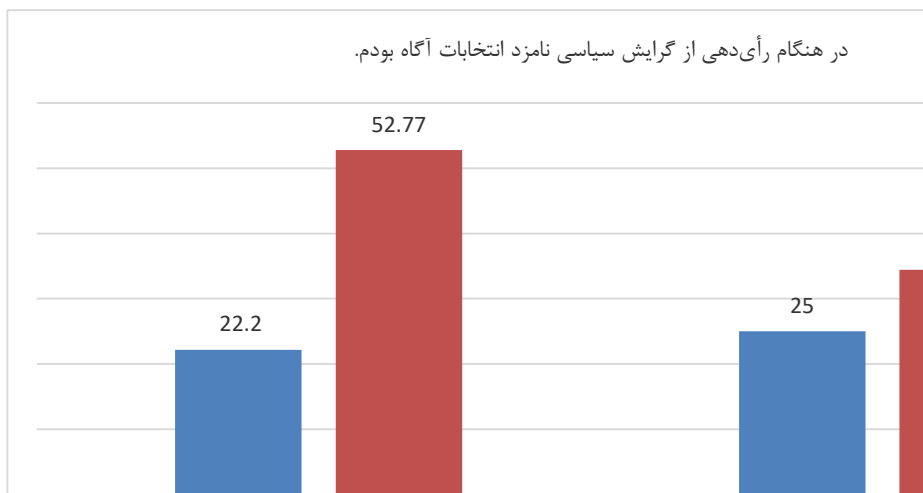
«تجربه رأی‌دهی» در برابر «تجربه با نمایندگان مجلس»

این پژوهش تفاوت روشنی را بین تجربه‌ای که رأی‌دهندگان از شرکت در انتخابات دارند - که به طور عموم مثبت بوده است - و تجربه آن‌ها از نمایندگان‌شان در مجلس - که بیشتر منفی بوده است - آشکار می‌کند. هنگامی که از پاسخ‌دهندگان درباره انتخابات پارلمانی پرسیده شد، ۶۲ درصد آن‌ها قبلاً در انتخابات پارلمانی رأی داده بودند. (شکل ۴) علاوه بر این، ۶۹ درصد پاسخ‌دهندگان

۹۰. احمدجاوید رفعت، نامزد مستقل از ولایت فراه.

۹۱. روح‌گل خیرزاد، نامزد مستقل از ولایت نیمروز.

علاقه خود به شرکت در انتخابات آینده را ابراز کردند و ۱۶ درصد آن‌ها هنوز تصمیم نگرفته‌اند. (شکل ۶) این اطلاعات با تجربه کلی افراد از روند انتخابات مطابقت می‌کند. نزدیک به ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان از این روند راضی بودند، در حالی که حدود ۴۴ درصد آن‌ها ناراضی بودند. (شکل ۱۴) علاوه بر این، بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان از عملکرد رأی‌دهندگان رضایت داشتند. در نتیجه پاسخ‌دهندگان از روند انتخابات و علاقه و تمایل‌شان به مشارکت (بیشتر) در انتخابات پارلمانی پیش‌رو، به طور کلی احساس رضایت نشان دادند. این یافته با مطالعات کیفی قبلی که میان «انتخابات» و «دموکراسی» وجه تمایز قائل می‌شوند، مطابقت می‌کند.^{۹۲} در حالی که مفهوم «دموکراسی» به خاطر دخالت «خارجی» و «غربی» بار معنایی منفی دارد، مفهوم «انتخابات» مثبت‌تر باقی مانده، زیرا به افراد امکان می‌دهد که در حکومت‌داری سیاسی مشارکت داشته باشند. داده‌ها روندهای بیشتری را در تجربه رأی‌دهی آشکار می‌کنند. اول از همه داده‌ها بیان‌گر این است که رأی‌دهندگان اطلاعات اندکی از گرایش سیاسی نامزدان دارند. شکل ۳۳ (در ذیل) به وضوح نشان می‌دهد که هم رأی‌دهندگان شهری و هم رأی‌دهندگان مناطق روستایی به طور یکسان، از گرایش سیاسی نامزدان‌شان به شدت ناآگاه‌اند. بنابراین انگیزه آن‌ها برای رأی‌دهی بایستی غیر از این باشد؛ آن‌ها ممکن است خواسته باشند که شرکت در انتخابات را تجربه کنند یا بزرگان جامعه‌شان (به‌ویژه در مناطق روستایی) ممکن است آن‌ها را به رأی‌دادن به یک نامزد خاص تشویق کرده باشند.



شکل ۶۵: آگاهی از گرایش سیاسی نامزدان انتخابات در مناطق روستایی و شهری

^{۹۲} آنا لارسون، «Deconstruction 'Democracy' in Afghanistan».

دوم این که در میان اقوام مختلف در مورد علاقه‌شان به شرکت در انتخابات، تفاوت‌هایی وجود دارد. از میان اشتراک‌کنندگان در نظرسنجی، هزاره‌ها ۷۶,۵ درصد، ازبیک‌ها ۶۹,۱ درصد، تاجیک‌ها ۶۵,۳ درصد و پشتون‌ها ۶۲,۱ درصد به شرکت در انتخابات بعدی علاقه‌مندند. این واقعیت که هزاره‌ها بیشترین علاقه‌مندی به مشارکت در انتخابات را نشان می‌دهند، ممکن است به سطح تحصیلات بالاتر بسیاری از هزاره‌ها، مناطق جغرافیایی امن‌تر و سطح نسبتاً بهتر سازمان‌دهی میان گروه‌های سیاسی هزاره نسبت داشته باشد که به معنای بسیج طرفداران بیشتر در انتخابات است.

تجربه پاسخ‌دهندگان از نمایندگان مجلس برخلاف تجربه آن‌ها از روند انتخابات بسیار منفی بود. افراد صرف‌نظر از این که رأی داده‌اند یا خیر، نارضایتی شدید خود را از نمایندگان مجلس ابراز کردند. (شکل ۱۰ و ۱۱) همین‌طور اکثر پاسخ‌دهندگان در مورد این که چگونه جامعه‌شان مشکلات داخلی را بدون کمک نمایندگان مجلس حل کنند (شکل ۳۲ و S7) و این که نمایندگان‌شان علاقه‌ای به نظرات آن‌ها و جامعه‌شان نداشتند (شکل ۳۲ و S8) ابراز نظر کردند. بنابراین افراد باور چندانی به توانایی نمایندگان‌شان در مجلس که از نیازهای آن‌ها نمایندگی کنند، نداشتند. غالباً پاسخ‌دهندگان این احساس را داشتند که نمایندگان مجلس پس از این که به پارلمان راه یافتند، صرفاً به دنبال منافع سیاسی خودشان می‌روند. (شکل ۱۳) با این که این مشکل می‌تواند با عوامل گوناگونی نسبت داشته باشد، اما احتمالاً با برداشت غالب رأی‌دهندگان از پاسخ‌گویی نمایندگان مجلس شدت یافته است. بیشترین پاسخ‌دهندگان (۳۱,۴ درصد) احساس می‌کردند که نمایندگان مجلس به ملت پاسخ‌گو هستند؛ در حالی که حدود یک‌چهارم آن‌ها (۲۴,۴۸ درصد) حس می‌کردند که نمایندگان مجلس در اصل در برابر موکلین‌شان مسئولیت دارند. با توجه به این که تعداد اندکی از پاسخ‌دهندگان احساس می‌کردند که نمایندگان مجلس نسبت به موکلین‌شان پاسخ‌گو هستند، این که نمایندگان مجلس در ایفای این نقش ناکام مانده‌اند - آن طور که در ناامیدی کلی نسبت به عملکرد آن‌ها نشان داده شد - نباید مایه تعجب باشد. علاوه بر این، هرچند نسبت به نمایندگان مجلس نارضایتی گسترده‌ای احساس می‌شد، پاسخ‌دهندگان به وضوح اعتماد خود را نسبت به نمایندگان که برای‌شان رأی داده‌اند، نشان دادند. (شکل ۳۲، S2) این امر ممکن است به این دلیل باشد که نامزدانی که پاسخ‌دهندگان به آن‌ها رأی داده‌اند، ممکن است در به دست آوردن کرسی در پارلمان موفق نشده باشند.

داده‌ها همچنین نشان‌دهنده تعداد تناقض‌ها در مورد پاسخ‌گویی بیشتر نمایندگان مجلس است. اول از همه با این‌که افراد احساس می‌کردند نمایندگان مجلس به جای منافع موکلین‌شان، به دنبال منافع شخصی خودشان می‌باشند، اما بخش قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها (۶۳ درصد) نامزدان مستقل و تحصیل‌کرده را ترجیح دادند. (شکل ۱۹) نامزدان مستقل ممکن است در پاسخ‌گو نگه‌داشتن دولت یک انتخاب منطقی به نظر برسد، اما پاسخ‌گو نگه‌داشتن خود آن‌ها نسبت به پاسخ‌گو نگه‌داشتن نامزدان حزبی دشوارتر است. از نامزدان حزبی حداقل انتظار می‌رود که پیرو گرایش‌های سیاسی حزب باشند. با این حال، تنها ۱۱ درصد پاسخ‌دهندگان از نامزدان حزبی ابراز حمایت کردند که این می‌تواند به سطح پایین اعتماد این افراد به احزاب سیاسی نسبت داده شود. این مسئله یک مشکل کلی در پاسخ‌گویی ایجاد می‌کند، زیرا عدم اعتماد به احزاب سیاسی باعث به میان آمدن معمای «چه کسی از نگهبانان نگهبانی می‌کند» می‌شود. ثانیاً بخش بزرگی از پاسخ‌دهندگان (۴۴ درصد) طرفدار این بودند که هر ولایت یک حوزه انتخاباتی باشد، هرچند که حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر احتمالاً پاسخ‌گویی بیشتر را افزایش می‌دهد. (شکل ۲۴) با این حال، داده‌ها حاکی از این‌اند که حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان طرفدار برخی از اشکال دیگر حوزه‌های انتخاباتی‌اند، که امکان تغییر را باز می‌گذارد.

آشنایی با نظام کنونی

افغانستان تا کنون دو دور انتخابات پارلمانی را پشت سر گذاشته است و از داده‌ها مشخص است که مردم به سطحی از آشنایی نسبت به سیستم‌های فعلی رسیده‌اند. اول این‌که مردم به شدت طرفدار سیستم «یک نفر، یک رأی» هستند. در حالی که سیستم SNTV از این روش رأی‌گیری پیروی می‌کند، سایر نظام‌های اکثریتی نیز همین کار را می‌کنند. پاسخ‌دهندگان از میان گزینه‌های در دسترس، به ریختن رأی‌شان در صندوق به نفع احزاب سیاسی در یک فهرست بسته کمتر علاقه‌مند بودند. ثانیاً، مردم به شدت (۶۲ درصد) طرفدار نامزدان مستقل و تحصیل‌کرده بودند، در حالی که به نامزدان احزاب سیاسی علاقه کمی (۲۱ درصد) نشان دادند. (شکل ۱۹) ثالثاً، از میان طرز‌العمل‌های مختلف شمارش آرا، افراد علاقه‌مند روش کنونی یعنی اکثریت ساده بودند. (شکل ۲۳) این روش شمارش آرا همان طور که SNTV از آن پیروی می‌کند، ممکن است منجر به پیروزی نامزدی شود

که بخش بسیار کوچکی از رأی مردم را به دست آورده است.^{۹۳} رابعاً، اکثر پاسخ‌دهندگان (۴۴ درصد) طرفدار اندازه فعلی حوزه‌های انتخاباتی (هر ولایت یک حوزه انتخاباتی) بودند، (شکل ۲۴) هرچند این واقعیت که حدود نیمی از پاسخ‌دهندگان حوزه‌های انتخاباتی در یک اندازه دیگر را ترجیح دادند، نشان می‌دهد که تمایلاتی برای تغییر وجود دارد.

این چهار یافته نشان می‌دهد که به رغم نگرانی‌های گوناگونی که مردم درباره روند انتخابات و مقامات منتخب دارند، تجربه اخیر انتخابات پارلمانی نقش مهمی را در شکل‌دهی انتظارات پاسخ‌دهندگان ایفا کرده است. رأی‌دهندگان قویاً از یک مدل رأی‌دهی اکثریتی حمایت می‌کنند، در حالی که نامزدان مستقل را نسبت به احزاب سیاسی نیز ترجیح می‌دهند. برای بسیاری از مردم در کشور (به‌ویژه کسانی که در دوره یا بعد از دوره مجاهدین در دهه ۱۹۹۰ متولد شده‌اند)، تجربه انتخابات یا بودن در معرض روندهای انتخاباتی هنوز هم محدود است. سیستم SNTV به منزله وسیله‌ای است - و مسلماً یک وسیله موفق - که به تدریج افراد را نسبت به اهمیت انتخابات برای حکومت به طور کل، تغییر ذهنیت می‌دهد.

هر گونه اصلاحات انتخاباتی باید حمایت قابل توجه موجود از سیستم فعلی را مد نظر داشته باشد. همان طور که رینولدز و کری نوشته‌اند: «یکی از اصول اصلاحات انتخاباتی این است که از نوسازی‌های سراسری اجتناب و تا جایی که ممکن است نهادها و تجربه‌های موجود را بهبود بخشد.»^{۹۴} تغییر اصلی‌ای که مردم در اصلاحات انتخاباتی در پی آن‌اند، ساده‌سازی روند رأی‌گیری است؛ (۳۳ درصد پاسخ‌دهندگان) به این معنی که آنچه که تغییر می‌کند و ایجاد می‌شود، باید بر پایه چیزی باشد که مردم از قبل با آن آشنایی دارند، نه تغییرات رادیکال در سیستم. (شکل ۳۰) با توجه به سطح پایین تحصیلات عمومی در سراسر افغانستان و مواجهه محدود اکثر مردم با مفهوم حکومت‌داری مبتنی بر قانون اساسی، اصلاحات رادیکال احتمالاً بیشتر باعث سردرگمی و سرخوردگی روند انتخابات می‌شود تا ترویج و تقویت آن. با این وجود، لازم به ذکر است که پاسخ‌دهندگان دومین هدف مطلوب از اصلاحات انتخاباتی را «تغییر کلی نظام سیاسی» می‌دانند؛ (۲۷ درصد پاسخ‌دهندگان؛ شکل ۳۰) به این معنی که سطح نارضایتی از آرایش سیاسی فعلی در

۹۳. توماس جاسون، «The Illusion of Afghanistan's Electoral Representative Democracy: The Cases of Afghan Presidential and National Legislative Elections»، توسط Journal of Small Wars & Insurgencies، ۲۰۱۸، جلد ۲۹، شماره ۱.

۹۴. رینولدز و کری، «Fixing Afghanistan's Electoral System»، ص ۱۸.

میان بسیاری از افراد بالاست؛ امری که ممکن است نشان‌گر این باشد که یک اصلاحات انتخاباتی شدید و جدی، بیش از حد منفی دیده خواهد شد. با این حال، مسیر ایمن‌تر این خواهد بود که اصلاحات به تدریج معرفی شوند و در عین حال دانش کلی مردم سراسر کشور در مورد روند انتخابات افزایش داده شود.

سیاست حزبی: «ایدئالیسم» در برابر «واقعیت»

تمایز روشنی به آنچه که مردم از احزاب سیاسی می‌خواهند و تجربه واقعی آن‌ها با احزاب وجود دارد. در حالی که افراد ممکن است بر این باور باشند که احزاب سیاسی در تئوری در ملت‌سازی نقش دارند، اما در عمل آن‌ها بی‌اعتمادی شدید و واضحی از خود نسبت به چنین احزابی را ابراز می‌کنند. احزاب سیاسی به عنوان یک عنصر ضروری در اکثر کشورهای دموکراتیک سراسر جهان دیده می‌شوند. افغان‌ها نیز می‌دانند که احزاب سیاسی توانایی تقویت ملت را دارا هستند. هنگامی که در مورد ویژگی‌های کلیدی احزاب سیاسی کامیاب پرسیده شد، بیشتر پاسخ‌دهندگان (۳۹ درصد) احساس می‌کردند که احزاب باید در خدمت منافع ملی باشند؛ در حالی که ۱۶ درصد دیگر گفتند که احزاب سیاسی باید به رأی‌دهندگان خدمت کنند. (شکل ۲۵) به همین ترتیب ۵۵ درصد پاسخ‌دهندگان گفتند که احزاب سیاسی می‌توانند نقشی در نظام سیاسی داشته باشند. با این وجود، این آرزو از آن دست آرزوهایی بوده است که رسیدن به آن دشوار است. قابل توجه این‌که همین ارقام نشان داد که یک‌چهارم این افراد هرگز به احزاب سیاسی رأی نمی‌دهند.

این داده‌ها به وضوح بیان‌گر بی‌اعتمادی عمیق نسبت به احزاب سیاسی است. تنها ۱۱ درصد پاسخ‌دهندگان احساس می‌کردند که مورد اعتمادترین نامزد آن‌ها از یک حزب سیاسی خواهند بود. در حالی که ۶۳ درصد آن‌ها از نامزدان مستقل ابراز حمایت کردند. (شکل ۱۹) به این ترتیب احزاب سیاسی به وضوح عامل محرک در انتخاب نامزد نیستند. یک نقش احزاب سیاسی این است که نامزدان را به مرام حزب پاسخ‌گو نگه می‌دارد. با این حال، تعداد اندکی از پاسخ‌دهندگان (۴ درصد) احساس می‌کردند که نامزدان به احزاب سیاسی پاسخ‌گو هستند. (شکل ۱۲) علاوه بر این، هنگامی که از اشتراک‌کنندگان درباره عملکرد بازیگران/ نهادهای مختلف طی انتخابات گذشته پرسیده شد، دیده شد که تأثیر عملکرد احزاب سیاسی بر آن‌ها در کمترین حد است. (تنها ۳۷ درصد

پاسخ‌دهندگان نگاه مثبت داشتند؛ شکل ۱۴) ۹۵ دیده شد که از میان همه ولایات، احزاب سیاسی بیشترین حمایت را از کابل برخوردارند که در آن هم تنها ۱۶٫۸ درصد پاسخ‌دهندگان از کابل [نسبت به احزاب سیاسی] ابراز حمایت کردند. (شکل ۲۰)

مقاومت قوی در برابر احزاب سیاسی، به منزله چالش‌های آشکار سد راه احزاب در ایفای نقش مرکزی در انتخاب سیستم رأی‌گیری خواهد بود. رأی‌دهندگان چه از طریق سیستم فهرست‌باز (۱۱ درصد حمایت) یا سیستم فهرست‌بسته (۷ درصد حمایت) علاقه‌مند رأی‌دادن به احزاب سیاسی در انتخابات نبودند؛ بلکه آن‌ها اکثراً نامزدان مستقل را ترجیح دادند. (۵۴ درصد؛ شکل ۲۱) علاوه بر این، تنها ۸ درصد مردم احساس می‌کردند که احزاب سیاسی باید پارلمان را رهبری کنند. (شکل ۲۷)

مفهوم روشن این یافته‌ها این است که احزاب سیاسی از منافع ملی حمایت نمی‌کنند و به همین دلیل، آن‌ها نتوانسته‌اند اعتماد را به رأی‌دهندگان القا کنند. احزاب سیاسی فعلی عمدتاً بر اساس قومیت پایه‌گذاری شده‌اند تا برخی از منافع ملی واضح. چهار حزب اصلی، جمعیت اسلامی، حزب اسلامی، حزب وحدت و جنبش تا حد زیادی حمایت خود را به ترتیب از حامیان تاجیک، پشتون، هزاره و ازبیک می‌گیرند. رهبران این احزاب به نسبت شهرت‌شان به عنوان رهبران جهادی سابق و شخصیت‌های برجسته جامعه، دارای شخصیت‌های فردی قوی‌اند و همچنان از حمایت‌های قابل ملاحظه در میان حامیان خود برخوردارند و از آن استفاده می‌کنند. ۹۶ همان طور که قبلاً ذکر شد، یکی از پاسخ‌دهندگان ازبیک گفت که طبق سفارشات «بابه دوستم» رأی خواهد داد. این کشور دارای احزاب سیاسی قدرتمندی نیست که بر اساس پایگاه وسیع مردمی بنیان نهاده شده و از مرزهای قومی عبور کرده باشد. با این که بعضی از چنین گروه‌های کوچک‌تر مانند حزب حق و عدالت ۹۷ وجود دارند، اما آن‌ها وسیعاً تحت‌الشعاع احزاب قومی قرار دارند.

در افغانستان به احزاب سیاسی هنوز با سوءظن و بدگمانی زیاد نگریده می‌شود. عموم مردم همچنان «احزاب سیاسی امروز را به خشونت‌های سال ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۱ پیوند می‌دهند»، که «در نظر

۹۵. سایر نهادها/ بازیگرانی که ارزیابی شدند، نامزدان فردی، کمیسیون مستقل انتخابات و رأی‌دهندگان بودند.

۹۶. آنا لارسون، «احزاب سیاسی در افغانستان»، مؤسسه صلح ایالات متحده، مارچ ۲۰۱۵، گزارش ویژه، ص ۷.

۹۷. حزب «حق و عدالت» متشکل از ائتلافی از مخالفان است که با رژیم حامد کرزی مخالف بودند. این حزب میزبان عضویت چندملیتی است و تحت سلطه هیچ گروه خاصی قرار ندارد.

گرفتن احزاب سیاسی به عنوان نهادهای سیاسی ساده، نه به عنوان جبهات سازمان‌های نظامی»^{۹۸} را با چالش‌های مواجه کرده است. علاوه بر این، با توجه به «عدم موجودیت اهداف مبتنی بر پالیسی و به جای آن وابستگی احزاب به شخصیت و شبکه‌های حمایتی رهبران‌شان»، مردم برای این‌که به نحوی نسبت به احزاب سیاسی بدگمان باشند، دلیل موجه دارند.^{۹۹} علاوه بر این، از روند آشکاری که به نظر برسد احزاب به سوی سکوهای توسعه‌یافته قوی در حال حرکت‌اند نیز خبری نیست؛ زیرا احزاب و نامزدان آن‌ها بر دستاوردهای سیاسی کوتاه‌مدت از طریق به دست آوردن کرسی‌های بیشتر در پارلمان، متمرکز مانده‌اند. علاوه بر این، سیستم SNTV ممکن است برخی از نامزدان فرصت‌طلب را از تقویت فعالانه سکوهای حزبی‌شان باز دارد و سلب انگیزه کند. زیرا در سیستم SNTV نامزدان حزبی در جریان انتخابات در برابر هم‌حزبی‌های‌شان وارد رقابت می‌شوند و پراکندگی رأی می‌تواند بر احتمال پیروزی آن‌ها تأثیر منفی بگذارد.^{۱۰۰}

انتخاب مناسب‌ترین سیستم

با نگاهی به پاسخ‌های نظرسنجی و شناسایی روندهای برجسته‌ای که از داده‌ها به وجود می‌آیند، این اطلاعات اکنون ممکن است برخلاف چارچوب‌های نظری پیشنهادشده از سوی پیا نوریس ارزیابی شود. چارچوب‌های پیا نوریس اهداف مختلف دولت و همچنین انتظارات رأی‌دهندگان را در نظر می‌گیرد. جدول زیر معیارهای مختلف ارائه شده توسط نوریس را در برابر پاسخ‌های ارائه‌شده توسط پاسخ‌دهندگان مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

پاسخ‌دهندگان به وضوح موافقت‌شان را با یک نظام اکثریتی بیان کردند. کسب یک اکثریت ساده برای کاندیدای برنده، نسبت به سایر روش‌های شمارش مانند اختصاص دادن کرسی متناسب با آرا، به وضوح ترجیح داده شد. (شکل ۲۳) جالب این‌که تعداد نسبتاً کمی از پاسخ‌دهندگان (۸ درصد) احساس می‌کردند که احزاب سیاسی باید پارلمان را رهبری کنند. در عوض آن‌ها قریب به اتفاق ترجیح دادند که نمایندگان مجلس باید مستقل باشند و بتوانند نظرات خود را بیان کنند. (شکل ۲۷) همین طور اکثریت قریب به	اثربخشی دولت
---	----------------------------

۹۸. آنا لارسون، «احزاب سیاسی در افغانستان»، ص ۲.

۹۹. همان.

۱۰۰. رینولدز و کری توضیح موجز و واضحی را از چالش‌هایی که احزاب سیاسی با معرفی چندین نامزد در انتخابات پارلمان، از لحاظ استراتژیک با آن‌ها روبرو خواهند بود، ارائه می‌کنند. زیرا توزیع نادرست آرا در میان نامزدان ممکن است تأثیرات بسیار نامطلوبی بر توانایی حزب برای حفاظت از کرسی‌های ممکن داشته باشد. به «Fixing Afghanistan's Electoral System»، ص ۵ مراجعه کنید.

	اتفاق رأی‌دهندگان گفتند که آن‌ها به نامزدان مستقل اعتماد می‌کنند و ترجیح می‌دهند به آن‌ها رأی بدهند، در حالی که بخش کوچکی از آن‌ها در نظر دارند به احزاب سیاسی رأی بدهند (شکل ۱۹ و ۲۱) علاوه بر این، هنگامی که از آن‌ها در مورد بهترین آرایش احزاب سیاسی در پارلمان پرسیده شد، بیشتری رأی‌دهندگان با سیستم تک‌حزبی موافقت کردند. (شکل ۲۸) در نهایت پاسخ‌دهندگان دیدگاه مثبتی نسبت به دولت‌های ائتلافی نداشتند. بیشترین تعداد رأی‌دهندگان احساس می‌کردند که دولت‌های ائتلافی «تأثیر حکومت را کم می‌کند». (شکل ۲۹) این ارزیابی در حقیقت درست است؛ زیرا دولت‌های ائتلافی تصمیم‌گیری را در تلاشی برای رسیدن به اجماع بین طرفین آهسته می‌کند. با این حال، پاسخ‌دهندگان نسبتاً کمتری با موضوع «کنترل و توازن» که اثر عمده دولت‌های ائتلافی است، ابراز موافقت کردند. (همان) به طور خلاصه، پاسخ‌دهندگان موافقت قوی خود با یک نظام اکثریتی را بیان کردند. دولت‌های ائتلافی نیازمند حضور احزاب سیاسی‌اند و داده‌ها نشان می‌دهد که بیزاری در میان رأی‌دهندگان نسبت به چنین احزابی ادامه دارد. تصویر و عملکرد احزاب سیاسی به عنوان پیشگام هر گونه بحث در مورد یک نظام رأی‌گیری تناسبی، باید ابتدا بهبود یابد.
دولت پاسخ‌گو و مسئول	در حالی که افراد به طور عموم از تجربه رأی‌دادن راضی بودند، اما شش‌دوازده نفر از عملکرد نمایندگان مجلس ناراضی بودند. (شکل ۱۱ و ۱۲) واضح است که پاسخ‌دهندگان احساس می‌کردند که نمایندگان مجلس باید بیشتر پاسخ‌گو باشند؛ زیرا که فرد احساس نمی‌کند که نمایندگان مجلس از افراد یا جوامع نمایندگی می‌کنند، بلکه به دنبال منافع سیاسی خودشان هستند. (شکل ۱۳) یکی از راه‌هایی که می‌توان نمایندگان مجلس را پاسخ‌گو نگه داشت، این است که رأی‌دهندگان قادر شوند که در انتخابات بعدی رأی خود را از متصدیان کنونی کرسی‌های مجلس بگیرند. (همان‌طور که نظام اکثریتی از آن حمایت می‌کند) یکی دیگر از ابزارهای تضمین پاسخ‌گویی این است که نمایندگان مجلس از برنامه حزبی پیروی کنند. با این حال، با توجه به سطح پایین اعتماد افراد نسبت به احزاب سیاسی، این گزینه باز هم مشکل‌ساز است. به طور خلاصه، مردم حس می‌کنند که نمایندگان مجلس فاقد پاسخ‌گویی هستند و یک نظام اکثریتی به بهترین وجه به نیازهای آن‌ها پاسخ خواهد داد. احزاب سیاسی همچنان فاقد مشروعیت لازم برای پاسخ‌گو نگه‌داشتن نمایندگان مجلس‌اند. یکی از ابزارهای ارتقای پاسخ‌گویی، کاهش اندازه حوزه‌های انتخاباتی است. علاوه بر این، اگر احزاب سیاسی قادر باشند که حضور خود را تقویت کنند، ممکن است در موقعیتی قرار بگیرند که نقش بزرگ‌تری را ایفا کنند و متعاقباً روش‌های رأی‌گیری تناسبی خواستنی‌تر شوند.
انصاف نسبت به احزاب اقلیت	با وجود بسیاری از نتایج نامطلوب سیستم SNTV، یکی از مزایای محتمل (قطعاً نه بدون اختلاف) این است که این سیستم ممکن است قادر باشد برای گروه‌های اقلیت، فرصت لابی پشت یک نامزد واحد را ایجاد کند. برعکس نامزدان گروه‌های قومی پرجمعیت، در صورتی که شماری از کاندیداهای امیدوار وارد رقابت شوند و آرای طرفداران آن‌ها را تقسیم کنند، ممکن

است در خطر باختن قرار بگیرند. نظام انتخاباتی نخست‌نفری (FPTP) یا «همه مال برنده» ممکن است سهام را برای همه رأی‌دهندگان بالا ببرد که نامزدان برنده «همه را از آن خود می‌کنند». در واقع اقلیت‌ها احتمالاً تحت چنین سیستمی نمایندگان کمتری خواهند داشت؛ زیرا گروه‌های اکثریت برای اطمینان از این که آرا بین رأی‌دهندگان گروه‌های‌شان پراکنده نشود، انگیزه بسیار بالایی دارند. یکی از راه‌های محافظت از گروه‌های اقلیت این است که مقامات انتخابات با توجه به چنین گروه‌هایی، حوزه‌های انتخاباتی را تعریف کنند. از آنجایی که اقلیت‌ها در مناطق به‌خصوصی گرد هم می‌آیند، چنین مناطقی باید در محدوده یک حوزه انتخاباتی واحد در نظر گرفته شوند، نه این که میان چندین حوزه انتخاباتی تقسیم شوند. به عنوان مثال، منطقه دشت برچی در غرب کابل عمدتاً منطقه هزاره‌نشین است؛ کل این منطقه باید متعلق به یک حوزه انتخاباتی باشد نه این که به چند بخش تقسیم شود. در حالی که نظام تناسبی ممکن است به ترویج نمایندگی اقلیت‌ها کمک کند، احزاب سیاسی اما به طور یکسان فاقد حمایت گسترده میان گروه‌های اقلیت و اکثریت‌اند.	
مردم به شدت از رسم فعلی اختصاص کرسی‌ها برای زنان در مجلس ابراز حمایت کردند و حتی قصد خود را برای رأی‌دادن به نامزدان زن در انتخابات آینده بیان کردند. (شکل ۳۲) علاوه بر این، داده‌ها نشان نداد که قومیت به عنوان مانعی در هنگام رأی‌دهی عمل می‌کند. نظام اکثریتی فعلی به نمایندگی اجتماعی در میان گروه‌های مختلف فرصت می‌دهد. در نظر گرفتن سهمیه برای زنان عمدتاً از نظر پاسخ‌دهندگان مثبت دیده شد؛ زیرا این امر نمایندگی گروه‌هایی را تضمین می‌کند که از لحاظ تاریخی نقش بسیار محدودی در سیاست داشته‌اند.	نمایندگی اجتماعی

جدول ۱۳: ارزیابی معیارهای ارائه شده توسط نوریس در برابر پاسخ‌های

ارزیابی کلی

در کل مردم همچنان جداً طرفدار نظام رأی‌گیری اکثریتی‌اند. چالش عمده سد راه حرکت به سمت یک نظام تناسبی، تصویر ضعیف احزاب سیاسی است. احزاب از اعتماد و مشروعیت گسترده در میان مردم برخوردار نیستند. احزاب همچنان تحت سلطه سیاست‌های قومی باقی مانده و توسط شخصیت‌های فردی قدرت‌مند رهبری می‌شوند؛ افرادی که حمایت حامیان از نظر قومی همگون را با خود دارند. در حالی که رأی‌دهندگان نقش احزاب سیاسی را به عنوان نمایندگی از منافع قومی در نظر دارند، واقعیت این است که احزاب سیاسی گرفتار استراتژی‌های کوتاه‌بینانه و کوتاه‌مدت‌اند؛ استراتژی‌هایی که می‌توانند به کسب کرسی بیشتری کمک کنند. احزاب سیاسی خود نیز به دلیل محیط سیاسی گسترده‌تر، با دشواری‌هایی مواجه‌اند که آن‌ها را از حمایت کافی برای توسعه کار

سیستماتیک محروم می‌کند.

با این حال، تمایل به سمت نظام اکثریتی، متضمن این نیست که سیستم SNTV بهترین انتخاب ممکن است. واضح بود که نمایندگان منتخب مجلس تا حد زیادی نسبت به موکلین‌شان پاسخ‌گو نبوده‌اند. یکی از انتقادهای مشخص از سیستم SNTV، سطح پایین پاسخ‌گویی است که این سیستم آن را میان مقامات منتخب ترویج می‌دهد. علاوه بر این، سیستم SNTV مسلماً کار موفقیت‌آمیز احزاب سیاسی را نقب می‌زند؛ زیرا افراد همان حزب علیه یکدیگر در تلاش برای کسب آرای بیشتر، وارد رقابت می‌شوند. این سیستم طرح استراتژی و معرفی چند نامزد از یک حوزه واحد را برای احزاب سیاسی دشوار می‌کند. سیستم SNTV در ذات خود چهره‌های قوی فردی را نسبت به کسانی که به پلت‌فرم سیاسی حزبی پیوند دارند، ترجیح می‌دهد. از این‌رو وضع فعلی باعث ایجاد سناریوی «مرغ یا تخم‌مرغ» می‌شود. افراد به دلیل بی‌اعتمادی به احزاب سیاسی، نظام‌های اکثریتی مانند سیستم SNTV را ترجیح می‌دهند؛ اما احزاب سیاسی به نوبه خود، به دلیل ماهیت سیستم SNTV از توسعه بازمانده‌اند؛ زیرا این سیستم از افراد قوی حمایت می‌کند.

قدم اول در راستای پاسخ‌گویی بهتر در چارچوب یک نظام اکثریتی، کاهش اندازه (کوچک‌تر کردن) حوزه‌های انتخاباتی است. حوزه انتخاباتی فعلی (کل یک ولایت) برای این که پاسخ‌گویی مؤثر باشد، بیش از حد بزرگ است. اگر نمایندگان مجلس از مناطق جغرافیایی کوچکی نمایندگی می‌کردند، آن وقت رأی‌دهندگان یک منطقه مجبور نبودند که با رأی‌دهندگان یک منطقه دیگر برای جلب توجه نمایندگان‌شان رقابت کنند. در نتیجه، رأی‌دهندگان باید از نمایندگی بهتر و توانایی بهتر برای پاسخ‌گو نگه‌داشتن نمایندگان‌شان در مجلس بهره‌مند شوند. مشخص کردن حوزه‌های انتخاباتی یک روند پیچیده و حساس است؛ زیرا تأثیر مستقیمی بر نتیجه انتخابات دارد. کوچک‌تر کردن حوزه‌های انتخاباتی باید بر اساس آمار قابل اعتماد جمعیت باشد و باید توسط یک نهاد مستقل و بی‌طرف انجام شود. مدیریت انتخابات باید از درگیر شدن در روند تعیین حوزه‌های انتخاباتی اجتناب ورزد؛ زیرا چنین رویکردی ممکن است این خطر را داشته باشد که [نهادهای انتخاباتی] سیاسی‌شده پنداشته شوند. با جوامع محلی باید در این روند مشوره صورت بگیرد، نه این که تصمیم‌گیری طوری انجام شود که گویا نهاد تصمیم‌گیرنده، نظر آن‌ها را می‌داند.

برای تضمین نمایندگی اقلیت در نظام فعلی، باید اطمینان حاصل شود که مرزهای حوزه‌های انتخاباتی، یک جامعه اقلیت را تقسیم نمی‌کند. یک جامعه اقلیت ممکن است اقلیت نسبتاً بزرگ یا حتی اکثریت را در حوزه خود تشکیل دهد و به این ترتیب به تضمین نمایندگی کمک کند.

اصلاحات دومی و مترقی‌تر، انتخاب یک سیستم FPTP خواهد بود که در آن نامزدان در حوزه‌های انتخاباتی (کوچک‌تر) برای جایگاه نامزدی واحد وارد رقابت می‌شوند. این اصلاحات اساسی و قابل توجه تنها راه برای رفع برخی از نواقص عمده سیستم SNTV است. نظرسنجی از رأی‌دهندگان، تصریح کرد که چگونه نمایندگان مجلس عمدتاً در برابر موکلین خود پاسخگو نیستند. علاوه بر این، سیستم SNTV عضویت سیاسی احزاب بر اساس قومیت را تشویق و مانع توسعه احزاب مبتنی بر عضویت گسترده می‌شود که منافع ملی را دنبال می‌کنند. سیستم FPTP قدمی برای اصلاح هر دوی این مشکلات است. موکلان یک نماینده خواهند داشت که در پارلمان پاسخگو نگه دارند. نامزدان در حوزه‌های انتخاباتی‌شان فقط در برابر افراد به رقابت خواهند پرداخت که احتمال ایجاد تعهدات سیاسی در درون حوزه‌های انتخاباتی افزایش می‌یابد. علاوه بر این، سیستم FPTP هنوز اصل «یک نفر، یک رأی» را حفظ می‌کند؛ زیرا در این سیستم به افراد تنها یک حق رأی داده می‌شود که آن را به نفع یک نامزد واحد به صندوق می‌ریزند و نامزد برنده اکثریت ساده‌ای را دریافت می‌کند. لازم به ذکر است که سیستم FPTP به تنهایی احزاب سیاسی را ایجاد نمی‌کند، بلکه این سیستم برخلاف سیستم SNTV که علیه توسعه احزاب کار می‌کند، احزاب را به حرکت رو به جلو قادر می‌سازد.

سهیمه زنان در پارلمان باید حفظ شود (و در واقع هر گونه تغییر در این سهمیه، نیازمند اصلاح قانون اساسی خواهد بود). انتخاب نامزد زن باید در حال حاضر در چارچوب سیستم SNTV ادامه یابد. این بدان معنی است که آرایه‌ای که به نفع نامزدان مرد به صندوق ریخته شده است، بر اساس سیستم FPTP شمرده می‌شود و آرایه‌ای که به نفع نامزدان زن به صندوق ریخته شده است، با استفاده از سیستم SNTV ارزیابی می‌شود. دلیل این آرایش این است که با داشتن حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر، کرسی‌های کافی برای زنان در پارلمان اختصاص داده نمی‌شود که از هر حوزه یک نماینده زن وارد پارلمان شود. سیستم SNTV فعلی به اطمینان از توزیع منصفانه نامزدان از ولایات مختلف کمک می‌کند. علاوه بر این، رأی‌دهندگان هنوز مجبورند فقط یک رأی به صندوق بریزند، و چه به مرد یا زن رأی بدهند؛ سیستم کلی باز هم اصل «یک نفر، یک رأی» را حفظ خواهد

کرد.^{۱۰۱} با گذشت زمان، این ترتیب برای نامزدان زن باید تغییر کند؛ حوزه‌های زیرمجموعه ولایت مشخص شود و نامزدان زن از آنجا در انتخابات حوزه‌های تک‌کرسی وارد رقابت شوند. برای حال حاضر، رویکرد «ترکیبی» (سیستم FPTP برای نامزدان مرد و سیستم SNTV برای نامزدان زن) پیشرفت احزاب سیاسی را مختل نخواهد کرد؛ زیرا سیستم FPTP اکثریت کرسی‌ها را در پارلمان نمایندگی خواهد کرد و برای نامزدان تحت این سیستم، شرایط توسعه احزاب مناسب‌تر است. این که آیا آن‌ها از این فرصت استفاده خواهند کرد یا خیر، اختیار فردی خودشان است.

سومین اصلاحات سفارش شده این است که دولت قوانین جدیدی را در رابطه با احزاب سیاسی معرفی کند. اهداف این قوانین باید پاسخ‌گویی و شفافیت احزاب سیاسی و رهبران آن‌ها را ارتقا دهد. توسعه احزاب وسیع چندقومی که منافع ملی را دنبال کنند، پروژه‌ای سیاسی است که یک‌شبه به دست نخواهد آمد؛ بلکه تغییر در نتیجه پی‌بردن احزاب به مزایای تشکیل وفاداری‌ها و تعهدات جدید، بیشتر احتمال دارد که به صورت تدریجی رخ دهد. احزاب سیاسی باید توسط قانون تنظیم شوند تا شفافیت و پاسخ‌گویی‌شان تقویت شود. قوانین و مقررات می‌توانند اطمینان حاصل کنند که احزاب سیاسی برای انتخاب رهبر، تصمیم‌گیری، پاسخ‌گو نگه‌داشتن افراد و شفافیت مالی دارای میکانیسم‌اند. احزاب سیاسی برای عملکرد مناسب کشور و پاسخ‌گو نگه‌داشتن دولت ضروری هستند. پس از آنکه احزاب سیاسی وسیع در کشور پا گرفتند، ترتیبات انتخاباتی دیگر مانند نظام تناسبی - که نخست نیازمند کار و حمایت احزاب سیاسی فراگیر است - می‌تواند بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

توصیه چهارم این است که دولت افغانستان با حل اختلافات از طریق میکانیسم مناسب، مالکیت انتخابات را در دست بگیرد. کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون مستقل شکایات انتخاباتی باید قادر باشند که بدون دخالت بازیگران خارجی احکام خود را اجرا و به وظایف خود عمل کنند. تا امروز بسیاری از اختلافات انتخاباتی از طریق میانجی‌گری و دخالت بازیگران سیاسی قدرت‌مند (هم

۱۰۱. یک عیب کوچک می‌تواند به وجود بیاید، آن هم در صورتی است که یک نامزد زن در حوزه انتخاباتی تک‌عضوی منطقه‌اش بیشتر از نامزد پیش‌نشان مرد رأی بگیرد؛ اما از رقم مورد نیاز برای کسب کرسی مجلس تحت سیستم SNTV که در برابر سایر نامزدان زن به رقابت می‌پردازد، کمتر رأی بیاورد. در حالی که احتمال این عوارض بسیار پایین است، یک راه دورزدن آن این است که نامزدان زن بخشی از هر دو سیستم باشند. نامزدان زن ابتدا تحت سیستم FPTP ارزیابی شوند و آن‌هایی که برنده نشده‌اند (که اکثریت قریب به اتفاق را تشکیل خواهند داد)، بعداً تحت سیستم SNTV ارزیابی شوند. یکی دیگر از گزینه‌های بدیل این است که تمام زنان بخشی از سیستم SNTV باشند، مگر اینکه به شرکت در سیستم FPTP علاقه نشان بدهند.

ملی و هم بین‌المللی) حل شده است، در حالی که میکانیسم‌های ایجادشده برای این منظور نادیده گرفته شده‌اند و در نتیجه، اعتبار و قابلیت این نهادها تضعیف شده است. نتیجه این است که نهادهای انتخاباتی فاقد توانایی برای اجرای حکم‌شان هستند.

و در نهایت، رأی‌دهندگان باید از نقش احزاب سیاسی و قدرت رأی‌شان در انتخابات آگاه شوند؛ زیرا اگر رأی‌دهندگان کافی به دنبال تغییر در نحوه فعالیت احزاب باشند، آن وقت احزاب ممکن است اصرار بر تغییر دینامیک‌شان را حس کنند.

نتیجه‌گیری

اصلاحات انتخاباتی توصیه‌شده

- اولین توصیه، داشتن حوزه‌های انتخاباتی کوچک‌تر است؛ چراکه این امر به ترویج پاسخ‌گویی بهتر کمک می‌کند. برای تضمین نمایندگی اقلیت‌ها، این حوزه‌های کوچک باید وحدت هر جامعهٔ اقلیت را حفظ کند و از تقسیم آن‌ها در حوزه‌های مختلف جلوگیری کند.
- توصیهٔ دوم حرکت به سمت یک سیستم «مختلط» FPTP و SNTV است. نامزدان مرد در سیستم حوزه تک‌عضوی شرکت کنند و تنها یک نامزد برنده از حوزهٔ انتخاباتی نمایندگی کند. برای حفظ نمایندگی زنان در پارلمان، نامزدان زن به رقابت در سیستم SNTV سراسر ولایتی ادامه بدهند. این سیستم به ارتقای پاسخ‌گویی بیشتر کمک می‌کند و همچنین شرط اولیه برای توسعهٔ احزاب سیاسی وسیع را فراهم می‌کند؛ هرچند این اصلاحات به تنهایی چنین احزابی را ترویج و تقویت نمی‌کند.^{۱۰۲}
- سومین اصلاحات توصیه‌شده این است که دولت و مجلس قوانینی را در رابطه با احزاب سیاسی معرفی کنند. این قوانین باید اطمینان حاصل کند که احزاب سیاسی مأموریت ملی واضح دارند؛ برای مقام رهبری انتخابات برگزار می‌کنند؛ برای پاسخ‌گو نگه‌داشتن افراد پروتوکل دارند؛ و در حساب و کتاب منابع مالی آن‌ها شفافیت وجود دارد. پس از آن که احزاب فراگیر فراقومی جای پای در کشور به دست آوردند، می‌توان به ترتیبات انتخاباتی دیگر مانند نظام تناسبی توجه بیشتر کرد.

توصیه‌های عمومی

- پارلمان افغانستان باید از طریق اصلاحات انتخاباتی بهبود یابد. رأی‌دهندگان در حوزه‌های انتخاباتی گوناگون در سراسر مناطق روستایی و شهری و طبقه‌بندی‌های دموگرافیک مختلف، به طور قابل ملاحظه‌ای طرفدار مشارکت در انتخابات پارلمانی می‌باشند. آن‌ها همچنین از اصلاحات انتخاباتی هدفمند قدردانی می‌کنند.

۱۰۲. برای دریافت جزئیات بیشتر در مورد این پیشنهاد، بخش «انتخاب مناسب‌ترین سیستم» را ببینید.

- حراست از روند انتخابات باید در هر گونه اصلاحات انتخاباتی معنادار حفظ شود. این نقش نظارتی مشخصاً مسئولیت کمیسیون مستقل انتخابات است. مستفیدشوندگان (ذی‌نفعان) گوناگون از جمله احزاب سیاسی، رأی‌دهندگان عادی، نمایندگان برحال مجلس و دولت به طور کل، باید هر کدام نقش خود را برای اطمینان از شفافیت و عادلانه‌بودن روند انتخابات ایفا کنند. اصلاح نظام انتخاباتی در صورتی که روند انتخابات از سوی بازیگران ذی‌نفع مورد حمایت قرار نگیرد، تغییرات چشمگیری در پی نخواهد داشت.
- یک جدول زمانی برای تطبیق اصلاحات انتخاباتی مورد نیاز است تا منتفع‌شوندگان زمان کافی برای تنظیم و عیار استراتژی‌های انتخاباتی‌شان داشته باشند. زمان‌بندی مناسب برای اطمینان از این‌که روند انتخابات، شفاف است و در مورد آن بحث صورت گرفته، ضروری است. اصلاح نظام انتخاباتی درست قبل از انتخابات، شدیداً غیرعقلانه و دارای پیامدهای مضر است.^{۱۰۳} حکم پارلمانی که از رأی‌دادن و تصمیم‌گیری پارلمان برحال در مورد قانون انتخابات، در آخرین سال اداری‌اش ممانعت می‌کند، باید احترام گذاشته شود.
- برای رفع ناسازگاری‌ها و تناقضات در نظام انتخاباتی، اصلاحات باید با بررسی کلی چارچوب انتخاباتی آغاز شود که انتخابات گوناگون محلی و ملی در سراسر طیف روندهای تصمیم‌گیری سیاسی را در بر بگیرد. بررسی جامع چارچوب انتخاباتی می‌تواند بینشی را در مورد اصلاح کل نظام سیاسی نیز ارائه دهد. انتخاب نوع نظام انتخاباتی باید متضمن اهداف بلندمدت باشد نه این‌که در ملاحظات کوتاه‌مدت بایستد.
- برای داشتن پارلمان کارآمد و نمایندگان پاسخ‌گو و مسئول، رأی‌دهندگان باید در مورد نقش انتخابات برای خودشان و جوامع‌شان، بهتر آگاهی داده شوند. اکثراً رأی‌دهندگان به وضوح نشان دادند که آن‌ها هنگام رأی‌دادن در مورد برنامه‌های سیاسی نامزدان نمی‌دانستند. این مسئولیت فعالان و سیاست‌مداران است که دانش رأی‌دهندگان در مورد روند انتخابات را بهبود بخشند. ارائه آموزش‌های انتخاباتی پیش از برگزاری انتخابات، باید به عنوان یک فعالیت مهم در نظر گرفته شود. آموزش انتخابات همچنین فرصتی برای

۱۰۳. اعلام غیرمنتظره کمیسیون انتخابات در ۲۵ جون ۲۰۱۸، مبنی بر اینکه ولایت غزنی به سه حوزه کوچک‌تر تقسیم می‌شود، نمونه‌ای از تصمیم‌گیری‌های خودسرانه بود. این مسئله بحث تلخی را در مورد پیامدهای منفی چنین تصمیمی در مورد گروه‌های قومی خاص ایجاد کرد. اما به طور خاص، تصمیم کمیسیون انتخابات برخلاف ماده ۳۶ قانون انتخابات بود که تصریح می‌کند وضعیت حوزه‌های انتخاباتی باید ۱۸۰ روز قبل از برگزاری انتخابات تعیین شود.

بازیگران گوناگون است که روابطشان را با حوزه‌های انتخاباتی‌شان بهبود بخشند. رأی‌دهندگان آگاه کمتر در برابر دخالت‌های خارجی در روز انتخابات آسیب‌پذیر خواهند بود.

تقویت پاسخ‌گویی

- اصلاحات انتخاباتی نباید تنها به عنوان «توزیع تخنیکی کرسی‌های پارلمانی به برندگان انتخابات» یا مسئله «روش‌های رأی‌دهی در انتخابات» در نظر گرفته شود. اصلاحات انتخاباتی باید برای توان‌مندسازی رأی‌دهندگان هم از طریق رأی‌دهی و هم از طریق روش‌های توزیع کرسی در طی روند انتخابات و - بعد از پایان انتخابات - طرزالعمل‌های تصمیم‌گیری در داخل پارلمان، طراحی شده و متمرکز بر آن باشد. برای اطمینان از این‌که نمایندگان برحال مجلس در برابر موکلین خود پاسخ‌گو هستند و به گونه‌ای در سیاست‌های پارلمانی مشارکت دارند که به جای منافع شخصی، منافع ملی را تقویت می‌کند، میکانیسم‌های جدیدی مورد نیاز است.
- مرزهای انتخاباتی باید ارتباط معنادار میان رأی‌دهندگان و نمایندگان مجلس را تسهیل کند. در حال حاضر، حوزه‌های انتخاباتی (ولایات) در انتخابات پارلمانی وجود دارند و کاندیداهای متعدد، هر کدام از کل ولایت نمایندگی می‌کنند. این ترتیب شدیداً احساس مسئولیت نمایندگان مجلس را کاهش می‌دهد و همچنین مانع برقرارماندن رابطه جوامع با نمایندگان منتخب‌شان می‌شود. حوزه‌های کوچک‌تر اولین قدم در راستای کمک به ترویج پاسخ‌گویی بیشتر خواهد بود.
- نظام‌های نمایندگی تناسبی گوناگون (فهرست‌باز، فهرست‌بسته و آزاد) و سیستم‌های رأی‌دهی مختلط از جمله «MDR»^{۱۰۴}، «MMPR»^{۱۰۵}، و «PR-STV»^{۱۰۶} می‌توانند به

۱۰۴. سیستم تناسبی چندعضوی یک سیستم انتخاباتی بر اساس دو ورق رأی‌گیری و دو شمارش است که اولی آن تحت FPP در حوزه‌های انتخاباتی کوچک است و دومی آن تحت فهرست PR در حوزه‌های انتخاباتی بزرگ‌تر منطقه‌ای یا ملی است.

۱۰۵. نمایندگی چندبعدی؛ تحت سیستم MDR در تئوری نامزدان در چهار کتگوری می‌تواند باشد: (۱) افراد مستقل (۲) فهرست ائتلاف ویژه افراد (۳) فهرست نامزدان حزبی و (۴) فهرست ائتلاف احزاب. این فهرست باز خواهد بود و رأی‌دهندگان به افراد رأی می‌دهند؛ اما تعیین برندگان در دو مرحله انجام می‌شود: اول اینکه چند کرسی را فهرست‌هایی که بهترین عملکرد را داشته‌اند، کسب کرده‌اند و سپس دادن کرسی‌ها به افرادی که در این فهرست‌ها بیشترین رأی را دارند. لطفاً این گزارش را ببینید:

<https://www.afghanistan-analysts.org/afghanistan-election-conundrum-5-a-late-demand-to-change-the-electoral-system>

به عنوان جایگزین سیستم SNTV فعلی مد نظر گرفته شود. سیستم SNTV باعث می‌شود بخش بسیار بزرگی از آرا (اغلب بیش از ۵۰ درصد) ضایع شود. علاوه بر این، این سیستم مانع توسعه احزاب سیاسی می‌شود که برای یک آرایش سیاسی دموکراتیک کارا حیاتی است. با این حال، تغییر باید به تدریج معرفی شود. مردم تازه با مفهوم انتخابات آشنا شده‌اند و در نتیجه تغییرات شدید ممکن است خطر تضعیف تلاش‌ها برای ترویج و تقویت یک فرهنگ انتخابات گسترده را در پی داشته باشد. مردم به شدت طرفدار یک نظام اکثریتی‌اند و بنابراین اصلاحات انتخاباتی پیشنهادشده باید این عامل را در نظر بگیرد.

تقویت احزاب سیاسی

- برای این‌که احزاب سیاسی بتوانند نقش مهمی در سیاست پارلمانی بازی کنند، باید اصلاح به سمت برنامه‌ها و آجنداهای ملی سوق داده شود. به این ترتیب، آن‌ها ممکن است بتوانند حمایت گسترده و اعتماد رأی‌دهندگان را در حوزه‌های مختلف رأی‌دهی به دست آورند. معضل کنونی این است که در حالی که افراد امیدوارند احزاب سیاسی در راستای منافع ملی کار کنند، اما به خوبی آگاه‌اند که رسم کنونی برای احزاب این است که در محور چهره‌های سیاسی قدرت‌مند با تعداد زیادی از حامیان قومی همگون شکل بگیرند. علاوه بر این، سیستم SNTV نامزدان را به همکاری - یک جنبه ضروری احزاب سیاسی - تشویق نمی‌کند؛ زیرا در چارچوب این سیستم تمامی نامزدان یک ولایت در برابر یکدیگر رقابت می‌کنند. هم رأی‌دهنده و هم احزاب سیاسی در این سیستم که مبتنی بر چهره‌های فردی قدرت‌مند است، گیر کرده‌اند. کاهش اندازه حوزه‌ها ممکن است به ایجاد انگیزه بیشتر برای همکاری میان افرادی که در حوزه‌های گوناگون کار می‌کنند، کمک کند. علاوه بر این، با این‌که سیستم SNTV از حمایت برخوردار است، اما باید این سیستم با گزینه‌های دیگر نظیر گزینه‌های حوزه انتخاباتی تک‌کرسی (سیستم FPTP) سنجیده شود. زیرا چنین آرایشی در عین حالی که با میل قوی افغان‌ها به «یک رأی برای یک

۱۰۶. رأی قابل انتخاب (STV) که در آن رأی‌دهندگان نامزدان را در حوزه‌های چندعضوی رتبه‌بندی می‌کنند، یکی دیگر از نظام‌های تناسبی است که به خوبی تثبیت شده است.

کاندیدا» مطابقت می‌کند، در مقایسه با آرایش کنونی از توسعه احزاب سیاسی نیز شدیداً حمایت می‌کند.

- احزاب سیاسی از میان گزینه‌های دیگر می‌توانند سهمیه جنسیتی را در فهرست انتخاباتی خود قرار داده، معرفی و تلاش کنند در مبارزات انتخاباتی به طور مؤثر با مردم وارد تعامل شوند. افغان‌ها از سیستم سهمیه جنسیتی فعلی به عنوان وسیله‌ای برای ارتقای نمایندگی از یک گروه نسبتاً محروم حمایت می‌کنند. سهمیه جنسیتی می‌تواند در میان احزاب وسیله‌ای برای حفظ حضور زنان و همچنین کاهش سهمیه جنسیتی فعلی در پارلمان باشد که آن وقت امکان انعطاف‌پذیری بیشتر در اصلاحات را فراهم می‌کند.
- حکومت وحدت ملی اولین تجربه کشور با یک دولت ائتلافی است. بنابراین، عملکرد این دولت بر نحوه فکر مردم در مورد تشکیل دولت‌های ائتلافی تأثیر می‌گذارد. با این حال، دولت وحدت ملی نه به دلیل تمایل برای ایجاد دولتی با پایگاه و نمایندگی گسترده، بلکه برای خنثی کردن یک منازعه بالقوه میان دو رقیب امیدوار برای ریاست‌جمهوری و حامیان آن‌ها تشکیل شد. برای این‌که یک دولت ائتلافی بتواند موفق عمل کند، باید از آغاز بر اساس درک اهمیت سازش و مشوره در دست‌یابی به یک تصمیم بنا شود. برای اطمینان از این‌که همه ذی‌نفعان نحوه کار نظام‌های تناسبی را درک کنند، آموزش و آگاهی‌دهی بیشتر مورد نیاز است.

ضمیمه ۱: پرسش نامه نظرسنجی

بخش اول: پرسش‌ها

(یادداشت: برای پاسخ به هر سؤال، یک گزینه را نشانی کنید، مگر این‌که پاسخ‌تان غیر از این گزینه‌ها باشد.)

۱) وقتی صحبت از انتخابات می‌شود، اول چه نوع انتخابات در ذهن شما خطور می‌کند؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (الف) انتخابات ریاست‌جمهوری (ب) انتخابات پارلمانی | |
| (ج) انتخابات شورای ولایتی | (د) انتخابات شورای ولسوالی |
| (ه) انتخابات شورای روستاها | (و) انتخابات شهردار و شورای شهرداری |
| (ز) سایر موارد | (ح) هیچ کدام |

۲) کدام نوع انتخابات برای شما مهم است؟

- | | |
|---|-------------------------------------|
| (الف) انتخابات ریاست‌جمهوری (ب) انتخابات پارلمانی | |
| (ج) انتخابات شورای ولایتی | (د) انتخابات شورای ولسوالی |
| (ه) انتخابات شورای روستاها | (و) انتخابات شهردار و شورای شهرداری |
| (ز) سایر موارد | (ح) هیچ کدام |

۳) آیا تا به حال در انتخابات پارلمانی رأی داده‌اید؟

- | | |
|-----------|----------|
| (الف) بلی | (ب) نخیر |
|-----------|----------|

۴) آیا کسی در روند رأی‌گیری به شما کمک کرد یا آموزش داد؟

- | | |
|-----------|----------|
| (الف) بلی | (ب) نخیر |
|-----------|----------|

اگر «بلی»، چگونه شما کمک شدید؟ همهٔ موارد قابل اجرا را نشانی کنید:

- (الف) قبل از روز انتخابات در کارگاهی که توسط کمیسیون انتخابات برگزار شده بود، یاد گرفتم که چگونه رأی بدهم.
- (ب) قبل از روز انتخابات در کارگاهی که از سوی یک حزب سیاسی برگزار شده بود، یاد گرفتم که چگونه رأی بدهم.
- (ج) قبل از روز انتخابات در کارگاهی که از سوی یک نهاد غیردولتی برگزار شده بود، یاد گرفتم که چگونه رأی بدهم.
- (د) قبل از روز انتخابات، در نشست‌ای که از سوی نامزد مورد نظرم برگزار شده بود، رأی‌دادن را یاد گرفتم.

- ه) در روز انتخابات یک مقام مرکز رأی‌گیری به من کمک کرد.
- و) در روز انتخابات کسی که به نامزد مورد نظرم وابسته بود، به من کمک کرد.
- ز) در روز انتخابات یک رأی‌دهنده دیگر به من کمک کرد.
- ح) از اعضای خانواده و دوستانم یاد گرفتم که چگونه رأی بدهم.
- ط) سایر موارد (لطفاً توضیح بدهید)
- ۵) اگر رأی داده‌اید، آیا شما از کار نمایندگان تان در مجلس راضی هستید؟
- الف) بلی ب) نخیر ج) به نحوی راضی هستم
- a) اگر رأی داده‌اید، آیا شما تا به حال از تلاش‌های نمایندگان پارلمانی تان بهره‌مند شده اید؟
- الف) بلی ب) نخیر ج) به نحوی بهره‌مند شده‌ام
- ۶) اگر رأی نداده‌اید، آیا از کار نمایندگان مجلس راضی هستید؟
- الف) بلی ب) نخیر ج) به نحوی راضی هستم
- a) اگر رأی نداده‌اید، آیا تا به حال از تلاش‌های نمایندگان مجلس نفعی به شما رسیده است؟
- الف) بلی ب) نخیر ج) به نحوی نفع برده‌ام
- ۷) اگر رأی داده‌اید، آیا شما قبل از انتخابات از گرایش سیاسی نامزدی که به آن رأی دادید، آگاهی داشتید؟
- الف) بلی ب) نخیر
- ۸) آیا رأی‌دادن نسبت به محل رأی‌گیری و زمان رأی‌دادن راحت بود؟
- الف) بلی ب) نخیر ج) به نحوی خوب بود
- ۹) شما اجزای ذیل نظام انتخاباتی افغانستان را چگونه قضاوت می‌کنید؟

لطفا در جدول علامت بزنید	عالی	خوب	بد	بسیار بد	نظری ندارم
کل روند انتخابات					
نامزدانی که به رقابت پرداختند					
احزاب سیاسی					
کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان					
انتخاب کنندگان					

۱۰) آیا شما علاقه دارید به صورت فعالانه در کمپاین انتخاباتی به نفع کدام نامزد یا حزب

سیاسی خاص اشتراک کنید؟

الف) بلی ب) نخیر ج) هنوز مطمئن نیستم

۱۱) آیا شما مایل به رأی دادن در انتخابات پارلمانی پیش رو هستید؟

الف) بلی ب) نخیر ج) هنوز مطمئن نیستم

۱۲) به کدام نوع نامزدان شما اعتماد می کنید؟

- نامزدان احزاب سیاسی
- نامزدان گروه قومی خودم
- نامزدان ولسوالی/ محله خودم
- نامزدان قدرت مند و از لحاظ سیاسی پرنفوذ
- نامزدان مشهور و ثروت مند
- نامزدان تحصیل کرده
- سایر نامزدان (لطفاً توضیح بدهید)
- هیچ کدام

۱۳) شما کدام نوع سیستم را برای رأی دادن در انتخابات پارلمانی ترجیح می دهید؟

الف) شما یک انتخاب دارید؛ رأی خود را برای یک حزب سیاسی به صندوق می ریزید.

ب) شما یک انتخاب دارید؛ رأی خود را برای نامزد مورد نظرتان در یک حزب سیاسی به صندوق می ریزید.

ج) شما یک انتخاب دارید؛ رأی خود را به نفع نامزد مستقل مورد نظرتان به صندوق می ریزید.

د) شما چند انتخاب دارید؛ رأی خود را بر اساس اولویت‌های خود برای چندین کاندیدا به صندوق می‌ریزید.

ه) سایر موارد (لطفاً توضیح بدهید)

و) نمی‌دانم

۱۴) شما کدام نوع طرز العمل شمارش آرا را برای انتخابات پارلمانی ترجیح می‌دهید؟

الف) برنده انتخابات باید اکثریت مطلق را به دست آورد.

ب) برنده انتخابات باید اکثریت ساده را به دست آورد.

ج) هر نامزد باید متناسب با درصد آرای‌شان از کرسی پارلمان برخوردار شوند.

د) سایر موارد (لطفاً توضیح بدهید)

ه) نمی‌دانم

۱۵) بهترین قاعده برای تعریف حوزه‌های انتخاباتی چیست؟

الف) هر ولایت باید به عنوان یک حوزه انتخاباتی در نظر گرفته شود؛ قاعده

موجود (هر ولایت به عنوان یک حوزه انتخاباتی در نظر گرفته می‌شود و تعداد

کرسی‌ها متناسب با جمعیت آن است)

ب) حوزه‌های تک‌عضوی؛ (یک کرسی برای یک حوزه انتخاباتی)

ج) حوزه‌های چندعضوی؛ تقسیم حوزه‌های انتخاباتی فعلی به حوزه‌های

کوچک‌تر (برای هر حوزه انتخاباتی حدود ۴ تا ۵ کرسی)

د) حوزه‌های انتخاباتی چندعضوی؛ تقسیم حوزه‌های انتخاباتی به حوزه‌های

بزرگ‌تر

ه) حوزه‌های انتخاباتی باید بر اساس بستگی‌های قومی - فرهنگی تقسیم شوند؛

تک کرسی

و) حوزه‌های انتخاباتی باید بر اساس بستگی‌های قومی - فرهنگی تقسیم شوند؛

چندعضوی

ز) سایر موارد (لطفاً توضیح بدهید)

ح) نمی‌دانم

۱۶) آیا در مورد دولت ائتلافی شنیده‌اید؟

(الف) بلی (ب) نخیر (ج) مطمئن نیستم

(A) به نظر شما تأثیرات دولت‌های ائتلافی چه خواهد بود؟

الف) دولت‌های ائتلافی اثربخشی حکومت را کاهش داده و باعث ایجاد اختلافات داخلی می‌شود.

(ب) دولت‌های ائتلافی باعث ایجاد کنترل و تعادل میان طرفین می‌شود.

(ج) دولت‌های ائتلافی کار حکومت را سریع‌تر می‌کند.

(د) دولت‌های ائتلافی می‌توانند هیچ نتیجه‌ای نداشته باشند.

(ه) دولت‌های ائتلافی می‌توانند به دیکتاتوری ختم شوند.

(و) سایر موارد (لطفاً توضیح بدهید)

(ز) نمے، دانم

۱۷) اگر شما در انتخابات پارلمانی به یک حزب سیاسی رأی بدهید، چه نوع حزب سیاسی را ترجیح می‌دهید؟

(الف) من هرگز به یک حزب سیاسی رأی نمی‌دهم.

(ب) حزب سیاسی باید از جامعهٔ قومی من نمایندگی کند.

(ج) حزب سیاسی باید از حوزه انتخاباتی من نمایندگی کند.

(د) حزب سياسي، پايډ از پک ايډئولوژي / مذهب خاص نمايندگي، کند.

(ه) حزب سیاسی باید به منافع ملی وفادار باشد.

و) حزب سیاسی باید تنها به رأی‌دهنده خدمت کند و سعی نکند چیزی را دیکته کند.

(ز) سایر موارد (لطفاً توضیح بدهید)

(ح) نمی دانم

(۱۸) به نظر شما کی باید پارلمان را رهبری کند؟

الف) احزاب سیاسی

(ب) گروه‌های پارلمانی

(ج) نمایندگان مستقل مجلس

(د) تمامی نمایندگان نظر خود را داشته باشند.

ه) سایر موارد (لطفاً توضیح دهید)

و) نمی‌دانم

۱۹) اگر احزاب سیاسی پارلمان را اداره کنند، شما کدام نوع آرایش / ترتیب را ترجیح می‌دهید؟

الف) داشتن یک حزب سیاسی بزرگ

ب) داشتن دو حزب سیاسی بزرگ

ج) داشتن دو حزب سیاسی بزرگ و حزب کوچک‌تر در پهلوی آن

د) داشتن سه حزب سیاسی قدرت‌مند به‌علاوه سایر احزاب سیاسی کوچک‌تر

ه) داشتن چند حزب سیاسی با قدرت به نحوی یکسان

و) سایر موارد (لطفاً توضیح دهید)

ز) نمی‌دانم

۲۰) اگر نظام انتخاباتی کنونی قرار باشد اصلاح شود، نتیجه نهایی اصلاحات انتخاباتی چه باید

باشد؟

الف) ساده‌تر کردن روند رأی‌گیری

ب) تغییر کلی نظام سیاسی

ج) بهبود روابط میان نمایندگان مجلس و موکلین‌شان

د) بهبود وضعیت احزاب سیاسی

ه) افزایش انتخاب رأی‌دهندگان در روند رأی‌گیری

و) سایر موارد (لطفاً توضیح دهید)

ز) نمی‌دانم

۲۱) به نظر شما مستفیدشوندگان (ذی‌نفعان) اصلی اصلاحات انتخاباتی چه کسانی هستند؟

الف) رأی‌دهندگان عادی

ب) مقامات دولتی

ج) احزاب سیاسی

د) نامزدان مستقل

ه) افراد ثروتمند و قدرت‌مند

و) سایر موارد (لطفاً توضیح دهید)

ز) نمی‌دانم

۲۲) در حال حاضر نمایندگان مجلس به چه کسانی پاسخ‌گو هستند؟

الف) آن‌ها به حوزه‌های انتخاباتی‌شان پاسخ‌گو هستند.

ب) آن‌ها به رئیس‌جمهور پاسخ‌گو هستند.

ج) آن‌ها به احزاب سیاسی پاسخ‌گو هستند.

د) آن‌ها به افراد قدرت‌مند و ثروت‌مند پاسخ‌گو هستند.

ه) آن‌ها به ملت پاسخ‌گو هستند.

و) آن‌ها به خارجی‌ها پاسخ‌گو هستند.

ز) آن‌ها به هیچ‌وجه پاسخ‌گو نیستند.

ح) سایر موارد (لطفاً توضیح دهید).

۲۳) مشکلات اصلی با نمایندگان منتخب در مجلس ملی چیست؟ (همه گزینه‌هایی را که وارد

است نشانی کنید)

الف) پس از این‌که انتخاب شد، منافع شخصی خود را دنبال می‌کند.

ب) پس از این‌که انتخاب شد، منافع گروهی خود را دنبال می‌کند.

اظهارات		بلی	نخیر	مطمئن نیستم
S1	من نقش پارلمان در افغانستان را درک می‌کنم.			
S2	در انتخابات پارلمانی من به کسی که رأی می‌دهم، اعتماد می‌کنم.			
S3	هنگام رأی‌دادن در انتخابات پارلمانی به روابط شخصی‌ام با نامزدان فکر می‌کنم.			
S4	هنگام رأی‌دادن در انتخابات پارلمانی به روابط کاندیدا با جامعه‌ام فکر می‌کنم.			
S5	هنگام رأی‌دادن در انتخابات پارلمانی به وعده‌های نامزدان فکر می‌کنم.			
S6	هنگام رأی‌دادن در انتخابات پارلمانی، من راهنمایی حزب سیاسی‌ام را می‌پذیرم که به من می‌گوید به چه کسی و چگونه رأی بدهم.			
S7	جامعه من تمام مشکلاتش را بدون اتکا به نمایندگان مجلس حل می‌کند.			
S8	نماینده من در پارلمان به نظر من و نظرات جامعه من علاقه‌مند است.			
S9	در انتخابات پارلمانی بعدی من به نامزدان زن رأی خواهم داد.			
S10	در پارلمان باید به زنان کرسی‌های تعیین‌شده/رزرو شده داده شود.			

ج) معلوم نیست که از کدام حوزه انتخاباتی نمایندگی می‌کند.

د) نظام انتخاباتی فاسد است و بنابراین نمایندگان منتخب نیز فاسد هستند.

ه) مشکل اصلی این است که اکثر مردم بی‌سواد هستند و درست رأی نمی‌دهند.

و) سایر موارد (لطفاً توضیح دهید).

ز) نمی‌دانم.

۲۴) به هر یک از سؤالات با بلی یا نخیر پاسخ دهید: (سؤالات بلی / نخیر)

بخش دوم: اطلاعات دموگرافیکی

سن	☐ ۳۰-۱۸	☐ ۴۵-۳۱	☐ ۶۰-۴۶	☐ ۶۱ به بالا	
وضعیت تأهل	☐ مجرد	☐ متأهل			
قومیت	☐ تاجیک	☐ پشتون	☐ هزاره	☐ ازبیک	
جنسیت	☐ زن	☐ مرد			
ولایت	☐ کابل	☐ غزنی	☐ مزار شریف	☐ قندهار	☐ هرات
	☐ جوزجان	☐ بامیان			
سکونت	☐ روستایی				☐ شهری
سطح تحصیلات	☐ بی‌سواد	☐ مکتب ابتدائیه	☐ مکتب متوسطه	☐ لیسه	☐ تحصیلات دینی
	☐ لیسانس	☐ ماستر و بالاتر از آن			
شغل	☐ بیکار	☐ شاگرد مکتب	☐ خانم خانه‌دار	☐ سکتور خصوصی	☐ سکتور دولتی
	☐ بدون درآمد	☐ ۱۰ - ۱ هزار افغانی	☐ ۲۰ - ۱۱ هزار افغانی		
سطح درآمد	☐ ۴۰ - ۲۱ هزار افغانی	☐ ۷۰ - ۴۱ هزار افغانی	☐ ۷۱ - ۱۰۰ هزار افغانی		
	☐ ۱۰۱ هزار افغانی به بالا				

ضمیمه ۲: سؤال نامه کیفی

بخش اول: اطلاعات شخصی آگاهان کلیدی

- (۱) نام:
- (۲) سطح تحصیلات:
- (۳) نوع کاندیداتوری:
(الف) نامزد مستقل
(ب) نامزد حزبی
(ج) نامزد جامعه مدنی
(د) سایر موارد (لطفا مشخص کنید):
- (۴) سکونت:
(الف) سکونت اصلی (شهر، ولسوالی، قریه)
(ب) سکونت فعلی (شهر، ولسوالی، قریه)
(تماس:)
- (۵) الف) شماره تلفن:
(ب) ایمیل
آدرس:

بخش دوم: سؤالات اصلی

- (۱) مزایا و معایب نظام انتخاباتی کنونی چیست؟ لطفا توضیح دهید.
الف: نظر شما در مورد تقویت نقش احزاب سیاسی در انتخابات پارلمانی چیست؟
ب: آیا احزاب سیاسی قادر به استفاده از نظام انتخاباتی کنونی به نفع خود هستند؟ لطفا توضیح بدهید.
- (۲) الف: نظر شما در مورد نقش نامزدان مستقل در انتخابات پارلمانی چیست؟
ب: آیا نامزدان مستقل قادر به استفاده از نظام انتخاباتی کنونی به نفع خود هستند؟ لطفا توضیح بدهید.
- (۳) نظر شما در مورد موقعیت زنان در نظام انتخاباتی چیست؟ لطفا توضیح بدهید.
- (۴) آیا نظام انتخاباتی کنونی می‌تواند برای رأی‌دهندگان عادی کار کند؟ لطفا توضیح بدهید.
- (۵) الف: چه اصلاحاتی باید به منظور بهبود نظام انتخاباتی انجام شود؟
ب: هدف اصلی و نهایی اصلاحات نظام انتخاباتی کنونی چیست؟
- (۶) الف: آیا شما با سیستم‌های گوناگون رأی‌گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس آشنایی دارید؟
ب: بهترین سیستم رأی‌گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس چیست؟ چرا؟
- (۷) الف: شما در مورد نحوه رأی‌زنی نمایندگان مجلس در پارلمان چه فکر می‌کنید؟ آیا رضایت‌بخش است یا خیر؟ لطفا توضیح دهید.

- ب: آیا کدام روش جایگزین برای بهبود روش‌های بحث در پارلمان وجود دارد؟
- ۸) الف: تمرکز کمپاین انتخاباتی شما در انتخابات پارلمانی پیش‌رو بر کجا خواهد بود؟ در میان چه کسانی؟
- ب: انتظار دارید چه کسانی به شما در انتخابات پارلمانی پیش‌رو رأی دهند؟
- ج: شما بودجه کمپاین انتخاباتی خود را از کجا می‌گیرید؟
- ۹) به عنوان یک نامزد پارلمانی، از دولت چه می‌خواهید؟ انتظار شما از دولت چیست؟

بیوگرافی نویسندگان

محمد عرفانی^{۱۰۷}

محمد عرفانی در سال ۲۰۱۷ از دانشگاه ابن سینا در کابل از رشته جامعه‌شناسی فارغ‌التحصیل شد و در حال حاضر دانشجوی مقطع ماستری «روابط بین‌الملل؛ سیاست و امنیت» در اکادمی OSCE در بیشکک است. او عضو مؤسس «گروه جامعه‌شناسی افغانستان» مستقر در کابل است (وبسایت: Padidarha). وی در زمینه «روندهای رادیکالیزاسیون مذهبی»، «روند صلح و مصالحه»، «نظام سیاسی مبتنی بر قانون اساسی» و «مطالعات منطقه‌ای» پژوهش می‌کند. پیش از این، او در نوشتن سه مقاله پژوهشی انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان از جمله: «رسانه‌های اجتماعی و بیان روایات افراطی در افغانستان (۲۰۱۵)»، «قانون اساسی افغانستان و جامعه در حال گذار؛ ارزیابی دیدگاه‌های عمومی و پیشنهادات برای تعدیل قانون اساسی (۲۰۱۶)» و «راه دشوار مردم‌سالاری در افغانستان؛ ارزیابی و نقد گفتمان‌های ملی پیرامون نظام‌های سیاسی بدیل در افغانستان (۲۰۱۷)» همکاری کرده است.

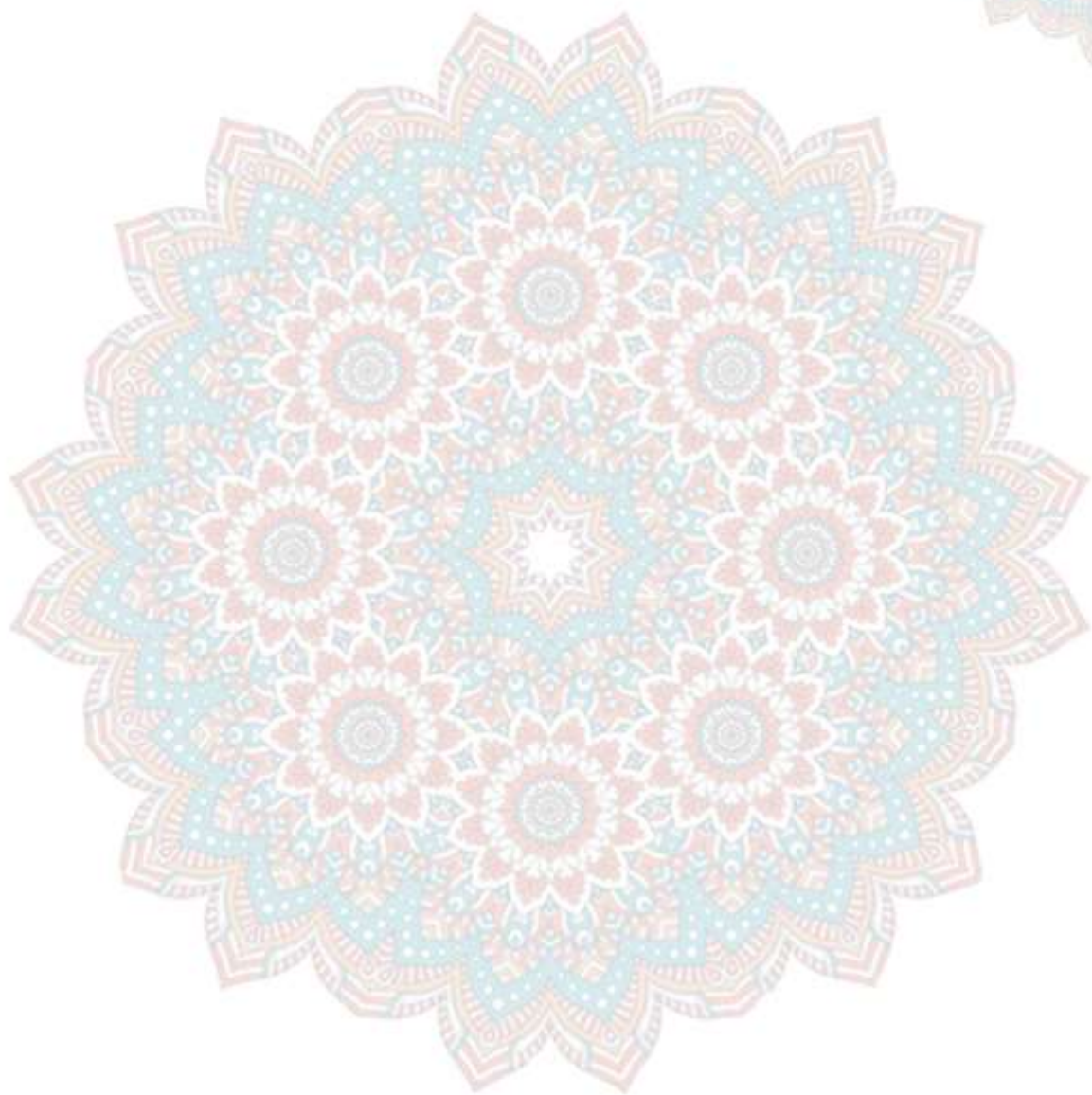
نافع چودری

نافع چودری، پژوهشگر PhD در کینگ کالج لندن است. پایان‌نامه او که توسط شورای پژوهشی علوم اجتماعی و علوم انسانی (SSHRC) و Modern Law Review تمویل شده است، شامل اتنوگرافی صرافان افغانستان و درک این موضوع است که چگونه اعتماد در روابط می‌تواند معاملات مالی پیچیده را حفظ کند. تحقیق او به بررسی مسائل نظم اجتماعی و حقوقی، مبادلات اقتصادی، هویت و توسعه حقوقی می‌پردازد. او در حال حاضر یکی از پژوهشگران انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان است. نافع پیش از این استادیار حقوق در دانشگاه امریکایی افغانستان (AUAF) بود و در زمینه حقوق قراردادی، پلورالیسم حقوقی، آموزش حقوقی، آموزش اسلامی (به‌ویژه مدرسه‌ها)، جامعه‌شناسی حقوق، توسعه حقوقی و حاکمیت قانون، تدریس و پژوهش می‌کرد. او به عنوان محقق فوق دکترای پروژه آموزش حقوقی افغانستان در دانشکده حقوق استنفورد به دانشگاه امریکایی افغانستان پیوست و در ایجاد اولین برنامه آموزش حقوق به زبان انگلیسی در افغانستان، نقش اساسی داشت. مقالات علمی - اکادمیک او در Asian Journal of Law &

۱۰۷. imerfani@gmail.com

Society, Suffolk Transnational Law Review. ژورنال مطالعات حقوقی افغانستان (به زودی) و Religion, State & Society منتشر شده است. نافع همچنین به عنوان مشاور شریعت بانک بین‌المللی افغانستان خدمت کرده است. او دارای مدرک جی‌دی/لیسانس حقوق مدنی (از دانشگاه مک‌گیل)، ماستری اقتصاد (از دانشگاه کوئین کانادا) و لیسانس اقتصاد (از دانشگاه مک‌گیل) است.^{۱۰۸}

۱۰۸. اسامی به ترتیب حروف الفبا آورده شده‌اند و هر نویسنده به طور مساوی در تهیه این پژوهش سهم گرفته است.



@AISS_Afg



www.facebook.com/AISSAfghanistan



https://t.me/AISS_Afg



www.aiss.af



contact@aiss.af



+۹۳ ۷۹۹۸۴۰۱۶۱

ISBN 978-9936-8070-0-6



9 789936 807006